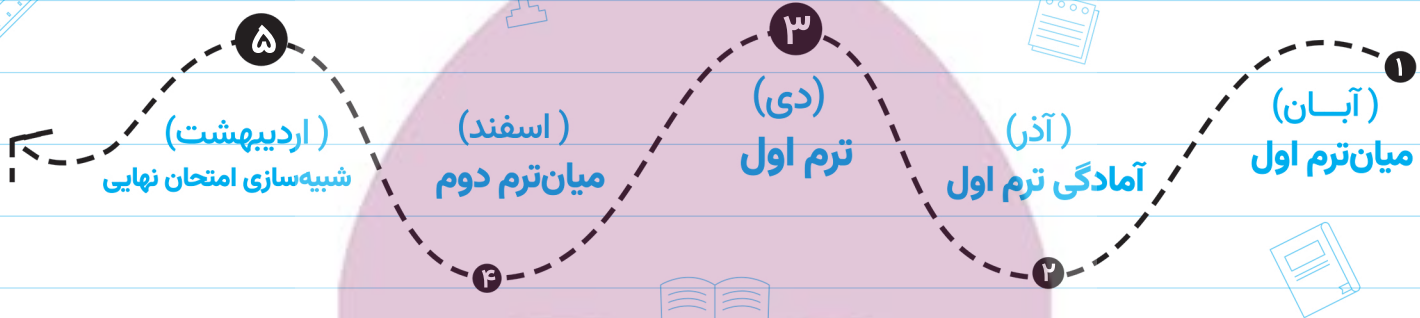
آزمون‌های تشریحی خیلی‌سبز

۵ مرحله در طول سال

شبیه‌سازی کامل امتحان نهایی

- منطبق بر بارم‌بندی آموزش و پرورش
- تشابه کامل فرم برگه سوال، پاسخبرگ، کلید، پاسخنامه و حتی فونت سوال‌ها با امتحان نهایی
- پوشش همه مطالب و انواع سوالات
- ارائه یک یا دو تست عینا مشابه امتحان نهایی
- هم‌سطح با دشواری سوالات امتحان نهایی



پاسخنامه‌های خیلی تشریحی

- ارائه پاسخ کامل و مرحله به مرحله
- محتوای یاددهنده شامل درسنامه
- ارائه نکات کلیدی هر سوال

تصحیح کاملا مکانیزه

- تصحیح کاملا حرفه‌ای توسط دو مصحّح
- تصحیح سوم در صورت اختلاف نظر دو مصحّح قبل
- تصحیح به صورت بررسی یک سوال برای گروهی از دانش‌آموزان
- امکان کامنت‌گذاری مصحّح در فرایند تصحیح
- امکان درخواست تصحیح مجدد در پنل ثبت اعتراض

کارنامه‌های بسیار کاربردی

- کارنامه تحلیلی و مقایسه‌ای
- نمره به تفکیک سوال
- کارنامه مبحثی

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

پاسخ‌نامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

رشته انسانی

پایه یازدهم	مرحله ششم
۱۴۰۵-۰۶	۱۵/آبان/۱۴۰۵

نام درس	طراحان به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار	علی شهرابی
علوم و فنون ادبی	سعید احمدپور ـ ابوالفضل قاضی فخر آستانه
جامعه‌شناسی	الهام رضایی
روان‌شناسی	مهدی جاهدی
عربی، زبان قرآن	بهروز حیدربکی ـ آریا ذوقی
تاریخ	عارف گلی‌وری
جغرافیا	سعید بهروزی‌فر
فلسفه (۱)	نگین تربتی‌سنجانی ـ علی سلوکی ـ مجید قدرتی‌پور

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	مؤلف پاسخ‌نامه	ناظر علمی	ویراستاران به ترتیب حروف الفبا
ریاضی و آمار	علی شهرابی	علی شهرابی	علی شهرابی	محمد اسکندری یگانه	میثم حصارکی مهدی باقری عادل حسینی منصور زرکش اصفهانی ماهان فنی‌فر ـ مریم نظری
علوم و فنون ادبی	ابوالفضل قاضی فخر آستانه	ابوالفضل قاضی فخر آستانه	ابوالفضل قاضی فخر آستانه	طاهره موسی‌زاده مقدم	امیرمحمد شیرزاد ثمرین بهنام کیانی شاهوندی مریم عبدی
جامعه‌شناسی	فروغ نجمی تیموریان	فروغ نجمی تیموریان	فروغ نجمی تیموریان	فرناز سلیمانی	سعیده ستوده‌مهر علی سلوکی نگار کاتبی
روان‌شناسی	مهدی جاهدی	مهدی جاهدی	مهدی جاهدی	مهدی پارچه‌باف دولتی	مهدی پارچه‌باف دولتی فرزانه خاجی نگار کاتبی
عربی، زبان قرآن	بهروز حیدربکی	بهروز حیدربکی	آریا ذوقی	سمیه جغتایی محمدصادق خادم	مریم آقایاری محمدمهدی عسکرآبادی زهرا فارسی
تاریخ	عارف گلی‌وری	عارف گلی‌وری	عارف گلی‌وری	حبیبه محبی	نگار کاتبی کیان کیانی‌دوست‌واقع حبیبه محبی
جغرافیا	سعید بهروزی‌فر	سعید بهروزی‌فر	سعید بهروزی‌فر	حبیبه محبی	محمدحسن طهرانی حبیبه محبی بهروز یحیی
فلسفه (۱)	محمد کشوری	محمد کشوری	محمد کشوری	محمد آقاصالح	محمد آقاصالح محمدفواد حیدری سحر محمدزاده سالیانی

مدیر تألیف آزمون: دکتر فاطمه آقاجان‌پور

ویژه یازدهمی‌های ۱۴۰۵

Azmoonkheilisabz.com

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

آزمون آزمایشی خیلی سبز

تیم اجرایی و تألیف آزمون	فرناز سلیمانی ـ مینا کریم‌زاده ـ حبیبه محبی

سرپرست تولید	الناز علی‌یاری‌زاده
ویراستاران فنی	نیلوفر اعتمادی ـ نیوشا پیمان ـ زهرا صفری الهه صفری ـ فاطمه علی‌اکبری ـ محیا غنی‌فرد ساناز فلاحی ـ نادره نازآوری ـ ساعده نمازی
رسام	ندا فخاری سارا گنجی آزادپور
صفحه‌آرایی	مریم حسین‌زاده ـ سپیده سخائی ـ الهام سهرابی طاهره صادق‌نژاد ـ مائده صبری ـ نیلوفر فرخجسته فاطمه قیاسوند ـ مهدیه گل‌پور ـ دریا لطفی

ایران تستو
توشه ای برای موفقیت

ویژه یازدهمی‌های ۱۴۰۵

Azmoonkheilisabz.com

۱ هم‌ارز گزارهٔ $(p \vee \sim q) \sim$ کدام است؟

۱) $p \wedge q$
۲) $p \wedge \sim q$
۳) $\sim p \wedge q$
۴) $\sim p \vee q$

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی طبق قانون دمورگان، نقیض هر دو گزارهٔ p و q ~ را قرار می‌دهیم و علامت $\vee$ را به $\wedge$ تغییر می‌دهیم:

$$\sim (p \vee \sim q) \equiv \sim p \wedge q$$

امتحان نهایی

هم‌ارز گزارهٔ $(p \wedge q) \sim$ کدام گزاره است؟ *(سؤال ۳ (قسمت ب) ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳)*

۱) $\sim (p \vee q)$
۲) $(p \vee \sim q)$
۳) $(\sim p \vee \sim q)$
۴) $(p \wedge \sim q)$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲ **با توجه به گزاره‌های «p: جمع دو عدد فرد، عددی زوج است» و «q: جمع دو عدد اول، همواره عددی اول است»، ارزش کدام گزاره نادرست است؟**

۱) $p \wedge \sim q$ ۲) $p \Leftrightarrow q$

۳) $q \Rightarrow p$ ۴) $q \vee p$

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

۱) ارزش دو گزاره را تعیین می‌کنیم:

- جمع دو عدد فرد، همواره عددی زوج است، پس p درست است.
- جمع دو عدد اول می‌تواند عددی غیر اول باشد (مثل جمع ۳ و ۵ می‌شود ۸ که عددی مرکب است)، پس q نادرست است.

۲) ارزش هر چهار گزینه را بررسی می‌کنیم:

گزینهٔ (۱): $p \wedge \sim q \equiv T \wedge \sim F \equiv T \wedge T \equiv T$

گزینهٔ (۲): $p \Leftrightarrow q \equiv T \Leftrightarrow F \equiv F$

گزینهٔ (۳): $q \Rightarrow p \equiv F \Rightarrow T \equiv T$

گزینهٔ (۴): $q \vee p \equiv F \vee T \equiv T$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳ ستون آخر جدول مقابل در کدام گزینه به درستی آمده است؟

p	q	$[p \Rightarrow (p \wedge q)] \Leftrightarrow \sim q$
T	T	
T	F	
F	T	
F	F	

۱)

F
T
F
T

۲)

F
F
T
F

۳)

T
F
F
F

۴)

F
F
F
T

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی جدول را مرحله‌به‌مرحله تکمیل می‌کنیم:

p	q	$\sim q$	$p \wedge q$	$p \Rightarrow (p \wedge q)$	$[p \Rightarrow (p \wedge q)] \Leftrightarrow \sim q$
T	T	F	T	T	F
T	F	T	F	F	F
F	T	F	F	T	F
F	F	T	F	T	T

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴ اگر **p** گزاره‌ای نادرست، **q** گزاره‌ای درست و **r** گزاره‌ای دلخواه باشند، ارزش کدام گزاره وابسته به **r** است؟

۱) $(r \Rightarrow q) \vee (p \Rightarrow r)$
۲) $(p \Rightarrow r) \wedge (q \vee r)$
۳) $(r \Rightarrow p) \Leftrightarrow (r \vee \sim q)$
۴) $(p \vee r) \Leftrightarrow (q \vee \sim p)$

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔ ارزش گزارهٔ گزینهٔ (۴) به r بستگی دارد:

$$(p \vee r) \Leftrightarrow (q \vee \sim p) \equiv (F \vee r) \Leftrightarrow (T \vee T) \equiv r \Leftrightarrow T \equiv r$$

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): $(r \Rightarrow q) \vee (p \Rightarrow r) \equiv (r \Rightarrow T) \vee (F \Rightarrow r) \equiv (\sim r \vee T) \vee T \equiv \sim r \vee T \equiv T$

گزینهٔ (۲): $(p \Rightarrow r) \wedge (q \vee r) \equiv (F \Rightarrow r) \wedge (T \vee r) \equiv T \wedge T \equiv T$

گزینهٔ (۳): $(r \Rightarrow p) \Leftrightarrow (r \vee \sim q) \equiv (r \Rightarrow F) \Leftrightarrow (r \vee F) \equiv (\sim r \vee F) \Leftrightarrow r \equiv \sim r \Leftrightarrow r \equiv F$

کنکور اگر **p** گزاره‌ای درست، **q** گزاره‌ای نادرست و **r** گزاره‌ای دلخواه باشد، ارزش کدام گزاره به **r** بستگی دارد؟

(سؤال ۱۱ کنکور انسانی ۱۴۰۵)

۱) $(q \Rightarrow r) \Leftrightarrow (p \wedge q)$
۲) $(r \Rightarrow p) \Leftrightarrow (p \wedge q)$
۳) $(q \Leftrightarrow r) \Rightarrow (p \vee q)$
۴) $(r \Leftrightarrow p) \Leftrightarrow (p \wedge q)$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۵ **نقیض گزارهٔ «علی تنیس بازی می‌کند و فوتبال دوست ندارد» با کدام گزاره، هم‌ارز است؟**

۱) اگر علی تنیس بازی نکند، آن‌گاه فوتبال دوست دارد.

۲) اگر علی تنیس بازی کند، آن‌گاه فوتبال دوست دارد.

۳) اگر علی تنیس بازی نکند، آن‌گاه فوتبال دوست ندارد.

۴) اگر علی تنیس بازی کند، آن‌گاه فوتبال دوست ندارد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

۱) گزاره‌های p و q را در گزارهٔ عطفی داده‌شده، مشخص می‌کنیم:

«علی تنیس بازی می‌کند (p) و فوتبال دوست ندارد (q).»

۲) می‌دانیم نقیض $p \wedge q$ به صورت $\sim p \vee \sim q$ است.

نقیض گزارهٔ عطفی بالا را با قانون دمورگان می‌نویسیم:

«علی تنیس بازی نمی‌کند ($\sim p$) یا فوتبال دوست دارد ($\sim q$).»

۳) گزارهٔ فصلی $\sim p \vee \sim q$ با گزارهٔ شرطی $p \Rightarrow \sim q$ هم‌ارز است.

گزارهٔ فصلی به‌دست‌آمده را به شرطی تبدیل می‌کنیم:

«اگر علی تنیس بازی کند (p)، آن‌گاه فوتبال دوست دارد ($\sim q$).»

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶ کدام گزاره با گزارهٔ $(q \vee \sim r) \Rightarrow \sim p$ هم‌ارز است؟

۱) $(\sim q \wedge r) \Rightarrow p$
۲) $(q \wedge r) \Rightarrow p$
۳) $(\sim r \wedge q) \Rightarrow p$
۴) $(r \wedge q) \Rightarrow \sim p$

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

۱) عکس نقیض هر گزارهٔ شرطی با خودش هم‌ارز است، پس:

$$\sim p \Rightarrow (q \vee \sim r) \equiv \sim (q \vee \sim r) \Rightarrow p$$

۲) در مقدم از دمورگان استفاده می‌کنیم:

$$\sim (q \vee \sim r) \Rightarrow p \equiv (\sim q \wedge r) \Rightarrow p$$

کنکور

کدام‌یک از گزاره‌های زیر، با $\sim q \Rightarrow p$ هم‌ارز منطقی است؟ *(سؤال ۱۱ کنکور انسانی ۱۴۰۴ (خارج از کشور))*

۱) $p \Rightarrow \sim q$
۲) $\sim q \Rightarrow \sim p$
۳) $q \Rightarrow \sim p$
۴) $\sim p \Rightarrow q$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۷ کدام گزاره با گزارهٔ $(q \Leftrightarrow \sim r) \vee (\sim p \wedge r)$ هم‌ارز است؟

۱) $(r \Rightarrow p) \Rightarrow (\sim q \Leftrightarrow r)$
۲) $(r \Rightarrow p) \Rightarrow (q \Leftrightarrow r)$
۳) $(\sim q \Leftrightarrow r) \Rightarrow (r \Rightarrow p)$
۴) $(q \Rightarrow r) \Rightarrow (p \Rightarrow r)$

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

۱) از جابه‌جایی استفاده می‌کنیم:

$$(q \Leftrightarrow \sim r) \vee (\sim p \wedge r) \equiv (\sim p \wedge r) \vee (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۲) از تبدیل فصلی به شرطی استفاده می‌کنیم.

$$(\sim p \wedge r) \vee (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv \sim (\sim p \wedge r) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۳) حالا دمورگان:

$$\sim (\sim p \wedge r) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv (p \vee \sim r) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۴) جابه‌جایی در پرانتز اول:

$$(p \vee \sim r) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv (\sim r \vee p) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۵) تبدیل فصلی به شرطی:

$$(\sim r \vee p) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv (r \Rightarrow p) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۶) در ترکیب دوشرطی، حق داریم هر دو گزاره را نقیض کنیم:

$$(r \Rightarrow p) \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv (r \Rightarrow p) \Rightarrow (\sim q \Leftrightarrow r)$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸ **اگر گزاره‌های $p \Rightarrow q$ و $r \vee \sim s$ نادرست باشند، ارزش گزاره‌های $(q \Rightarrow r) \Leftrightarrow \sim s$ و $(r \Leftrightarrow p) \Rightarrow (s \Rightarrow q)$ به ترتیب از راست به چپ چگونه است؟**

۱) درست ـ درست
۲) درست ـ نادرست
۳) نادرست ـ درست
۴) نادرست ـ نادرست

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

۱) از نادرست‌بودن $p \Rightarrow q$، نتیجه می‌گیریم که: $p \equiv T \, , \, q \equiv F$

از نادرست‌بودن $r \vee \sim s$، نتیجه می‌گیریم که r و $\sim s$ هر دو نادرست‌اند؛ پس: $r \equiv F \, , \, s \equiv T$

۲) ارزش دو گزاره را حساب می‌کنیم:

$(q \Rightarrow r) \Leftrightarrow \sim s \equiv (F \Rightarrow F) \Leftrightarrow \sim T \equiv T \Leftrightarrow F \equiv F$

$(r \Leftrightarrow p) \Rightarrow (s \Rightarrow q) \equiv (F \Leftrightarrow T) \Rightarrow (T \Rightarrow F) \equiv F \Rightarrow F \equiv T$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۹ نقیض گزارهٔ $p \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r)$ در کدام گزینه آمده است؟

۱) $(q \wedge p) \Leftrightarrow r$
۲) $p \vee (q \Leftrightarrow r)$
۳) $(p \Rightarrow q) \wedge (p \Rightarrow r)$
۴) $p \wedge (q \Leftrightarrow r)$

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

۱) گزارهٔ شرطی را به گزارهٔ فصلی تبدیل می‌کنیم:

$$p \Rightarrow (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv \sim p \vee (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۲) به کمک قانون دمورگان، نقیض گزارهٔ فصلی بالا را می‌نویسیم:

$$\sim (\sim p \vee (q \Leftrightarrow \sim r)) \equiv p \wedge \sim (q \Leftrightarrow \sim r)$$

۳) برای نقیض‌کردن گزارهٔ دوشرطی، کافیست یکی از گزاره‌ها را نقیض کنیم و به دیگری دست نزنیم:

$$\sim (q \Leftrightarrow \sim r) \equiv q \Leftrightarrow r$$

۴) ادامهٔ گام ۲:

$$p \wedge \underbrace{\sim (q \Leftrightarrow \sim r)}_{\text{گام ۳}} \equiv p \wedge (q \Leftrightarrow r)$$

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۰ در جدول مربوط به گزارهٔ $p \Rightarrow (q \Leftrightarrow r)$ از ۸ سطر، چند سطر ارزش درست دارد؟

۱) ۴ ۲) ۵ ۳) ۶ ۴) ۷

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: فصل ۱ ـ درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

۱) اگر p نادرست باشد، ارزش گزارهٔ شرطی $p \Rightarrow (q \Leftrightarrow r)$ به انتفای مقدم درست است.

پس تا این‌جا ۴ سطر از ۸ سطر درست است.

۲) بریم سراغ ۴ سطری که در آن‌ها p درست است:

p	q	r	$q \Leftrightarrow r$	$p \Rightarrow (q \Leftrightarrow r)$
T	T	T	T	T
T	T	F	F	F
T	F	T	F	F
T	F	F	T	T

۳) پس در کل، $۲ + ۴ = ۶$ تا T و ۲ تا F داریم.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۱ **کدام گزاره دربارهٔ شاعر بیت زیر، مصداق دارد؟**

«نیست به‌جز عشق در این پرده کس اول و آخر همه عشق است و بس»

۱) شاعری است که غزل‌های او بر حافظ تأثیرگذار بوده است.

۲) قدرت شاعری خود را در قطعات آشکار کرده است.

۳) لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی است.

۴) مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سروده است و کتابی به شیوهٔ تذکرةالاولیا دارد.

مشاوره حتماً به ابیاتی که در درس‌های تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی مطرح شده، توجه ویژه داشته باش و شاعران آن‌ها را به خاطر بسپار.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی

بیت صورت سؤال، سرودهٔ عبدالرحمان جامی، شاعر مشهور قرن نهم است که گزینهٔ (۴) دربارهٔ او مصداق دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دربارهٔ خواجوی کرمانی است.

گزینهٔ (۲): دربارهٔ ابن یمین است.

گزینهٔ (۳): دربارهٔ حافظ است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۲ در متن زیر، چند نادرستی تاریخ ادبیاتی وجود دارد؟

«تیموریان تقریباً از نیمهٔ دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگری‌های آن‌ها ادامه داشت. در این عهد، ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند ابن یمین و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند، هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب‌های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات این دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.»

۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

مشاوره یکی از مواردی که در بحث تاریخ ادبیات بسیار مطرحه، ذکر دوره‌های تاریخیه. پس به نکاتی مثل نیمهٔ اول، نیمهٔ دوم، اوایل، اواخر و ... توجه کن.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت نادرست:

در این عهد، ادبیات رونقی تازه گرفت و کسانی مانند **جامی** و دولتشاه کتاب‌های ارزشمندی نوشتند.

کنکور

از دیدگاه تاریخ ادبیات، همهٔ موارد کاملاً درست است، به‌جز: ..... . *(سؤال ۲۱ ـ کنکور انسانی ۱۴۰۰)*

۱) بازماندگان تیمور کم‌وبیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و ادبیات رونقی تازه گرفت و تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت
۲) جامی در کتاب نفحات‌الانس خود به شیوهٔ تحفة‌الاحرار نظامی به بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان هنرمند و هنردوست بود و در زمان او، هنرمندان قرآن کریم و شاهنامهٔ فردوسی را به خط خوش نگاشتند پرداخته است
تیمور، شاهرخ با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، ۳) بایسنقرمیرزا، نقاش و شاعر حمایت نمود ۴) پس از مرگ

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۳ دربارهٔ رباعی کمال‌الدین اسماعیل با مطلع «کس نیست که تا بر وطن خود گرید ...»، کدام گزینه درست است؟

۱) اشاره می‌کند به تفکر عارفانهٔ قرن هشتم که دنیا بی‌وفا است.

۲) مربوط به کشتار بی‌رحمانهٔ مغول در اصفهان است.

۳) اشاره به ظلم حاکمان نسبت به زیردستان خود در قرن هفتم دارد.

۴) به قساوت و سنگدلی مردم نسبت به افراد ضعیف جامعه اشاره می‌کند.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔ این بیت، سرودهٔ کمال‌الدین اسماعیل، مداح جلال‌الدین خوارزمشاه است که خودش در سال ۶۳۵ هـ. ق. به دست مغولان در اصفهان کشته شد و این بیت، دربارهٔ قتل عام سال ۶۳۳ هـ. ق. در اصفهان است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۴ **با توجه به ادبیات قرن هفتم تا آخر قرن نهم، کدام گزینه نادرست است؟**

۱) در اواخر دورهٔ مغول، بساط حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی برچیده شد و توجه به زبان فارسی رونق بیشتری گرفت.

۲) سبک نویسندگی مولوی در مکاتیب او بیشتر و بهتر نمودار شده است.

۳) کتاب لمعات در قالب نظم و نثر است که در هر فصل آن، به یکی از مباحث عرفانی پرداخته شده است.

۴) کتابی در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او و فتح قلعه‌های اسماعیلیه در قرن هفتم نوشته شده است.

مشاوره حتماً به نظم و نثر بودن کتاب‌ها و آثار توجه کنید و اگر در کتاب درسی به موضوعات کتاب‌ها اشاره شده است، با دقت ویژه جملات را به خاطر بسپارید.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی کتاب «لمعات» نوشتهٔ فخرالدین عراقی، در قالب نظم و نثر است و وی در این کتاب، به سیر و سلوک عارفانه پرداخته است؛ در «عشاق‌نامه» است که عراقی در هر فصل، به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان رسانده است.

امتحان نهایی

درست یا نادرست بودن عبارات زیر را مشخص کنید. *(سؤال ۴ ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲ نوبت عصر)*

الف) کتاب تاریخ جهانگشا در شرح ظهور چنگیز، تاریخ خوارزمشاهیان و حکومت حسن صباح است.

ب) دولتشاه سمرقندی کتاب «صد پند» را به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۵ **توضیحات مقابل کدام شاعر، نویسنده یا اثر درست است؟**

۱) خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی: خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بودند، وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت.

۲) المعجم فی معاییر اشعار العجم: نثر این کتاب در مقدمه، مصنوع و در اصل کتاب، ساده و عالمانه است.

۳) صد پند: از آثار منظوم قرن هشتم است که شاعر آن به نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی معروف است.

۴) تاریخ گزیده: حمدالله مستوفی، این کتاب را در سال ۸۳۰ هـ. ق. نوشته است که موضوع آن، تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ ایران است.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

المعجم از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض و قافیه، بدیع و نقد شعر به شمار می‌رود که نثر آن در مقدمه مصنوع و در اصل کتاب ساده و عالمانه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دربارهٔ عطاملک جوینی است.

گزینهٔ (۳): صد پند از آثار نثر عبید زاکانی شاعر نکته‌یاب قرن هشتم است.

گزینهٔ (۴): تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ هـ. ق. در بر می‌گیرد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۶ شاعر بیت زیر با کدام شاعر یا نویسنده هم‌عصر بوده است؟

«و آن کــه محتــاج خلــق شــد، خــوار اســت گرچـــه در علـــم، بوعلـــی سیناســـت»

۱) حافظ
۲) سعدی
۳) جامی
۴) دولتشاه سمرقندی

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی بیت صورت سؤال سرودهٔ ابن یمین، شاعر قرن هشتم است که در گزینه‌های سؤال، فقط حافظ شاعر قرن هشتم است.

تیزبازی جامی و دولتشاه سمرقندی هر دو در قرن نهم می‌زیسته‌اند؛ پس نمی‌توانند پاسخ سؤال باشند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۷ پایه‌های آوایی مصراع اول بیت زیر، در کدام گزینه به درستی تفکیک شده‌اند؟

«ساز چنگ آهنگ عشرت صحن مجلس جای رقص　　خال جانان دانهٔ دل زلف ساقی دام راه»

۱) سازِ چَن/ گاهنگِ عش/ رَت صحن مَج/ لس جای رقص

۲) سازِ چنگ/ آهنگ عشرت/ صحن مجلس/ جای رقص

۳) سازِ چَنگا/ هنگِ عشرت/ صحن مجلس/ جای رقص

۴) ساز چنگ آ/ هنگ عشرت صَح/ نِ مَج لِس جا/ ی رقص

مشاوره می‌دونید که پایه‌های آوایی از دسته‌بندی منظم هجاها ساخته می‌شن، پس دنبال گزینه‌ای باشین که پایه‌های آوایی پیشنهادی آن یک الگوی منظم دارند.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

برای تعیین پایه‌های آوایی یک شعر، باید به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، دقت کنید. اگر توانستید به شیوهٔ شنیداری و حین خواندن شعر، این درنگ‌های منظم را بفهمید، چه بهتر؛ اگرنه باید سراغ تقطیع بروید و این مراحل را طی کنید:

مرحلهٔ اول: شعر را با خط عروضی بنویسید.

مرحلهٔ دوم: شعر را تقطیع و الگوهای هجایی آن را مشخص کنید.

مرحلهٔ سوم: این الگوی هجایی را دسته‌بندی کنید، به طوری که مجموعاً چهار یا سه گروه هجایی منظم ایجاد شود.

این گروه‌های هجایی منظم، همان پایه‌های آوایی بیت هستند.

ضمناً می‌دانیم که ممکن است از انتهای آخرین پایهٔ آوایی یک مصراع، یک یا چند هجا حذف شوند.

پاسخ خیلی تشریحی

راه‌حل: مصراع اول را تقطیع و نشانه‌های هجایی آن را مشخص می‌کنیم:

سا زِ چَن گا هَن گِ عِش رَت صَح نِ مَج لِس جا یِ رَقص

– ∪ – – – ∪ – – – ∪ – – – ∪ –

حالا باید هجاها را به شیوه‌ای جدا کنیم که به سه یا چهار دستهٔ منظم و مشابه از هجاها برسیم. اگر از ابتدا، هجاها را ۴تا ۴تا جدا کنیم، ۴ دستهٔ هجایی به شکل (– ∪ – –) خواهیم داشت؛ البته از انتهای آخرین پایهٔ آوایی، یک هجا حذف شده است (– ∪ –)، پس شکل نهایی تقطیع و پایه‌های آوایی مصراع اول، این‌گونه خواهد بود:

پایه‌های آوایی	سا زِ چَن گا	هَن گِ عِش رَت	صَح نِ مَج لِس	جا یِ رقص
نشانه‌های هجایی	– ∪ – –	– ∪ – –	– – ∪ –	– ∪ –

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۸ **کدام گزینه با بیت «در این شک نیست کاو همچون ترازویی است زین معنی/ که میلش سوی آن باشد که او زر بیشتر دارد» هم‌وزن است؟**

۱) نکوگویـــــان نصیحـــــت می‌کننـــــدم / ز مـــن فریـــاد می‌آیـــد کـــه خامـــوش

۲) گـر مطربـی رودی زنـد، بـی مـی نـدارد آبـرو / ور بلبلـی عیشـی کنـد، بـی گل نـدارد رنگ‌وبـو

۳) پیـــام آورد ســـاقی می‌پرســـتان را / بـــه جامـــی بـــاز شـــیدا کـــرد مســـتان را

۴) چمـن‌آرای قـدرت پـرورد صـد خـار در گلشـن / کـه روزی گلبنـی را غنچـه‌ای از شـاخ خـار آرد

مشاوره اولین قدم برای این‌که یه شعر رو درست تقطیع کنی اینه که اون رو درست بخونی؛ یعنی مثلاً اگر جایی نباید همزه حذف بشه، اشتباهی بیت رو با حذف همزه نخونی یا مثلاً به شکل‌های مختلف خوانده‌شدهٔ یک فعل دقت کنی؛ برای نمونه «ماند» رو هم می‌شه «مانَد» خوند، هم «مانْد».

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

هم‌وزن‌بودن دو بیت، یعنی این‌که هجاهای آن‌ها از نظر نوع و تعداد کاملاً شبیه هم باشند؛ به عبارت دیگر، تعداد پایه‌های آوایی آن‌ها، باید برابر و الگوی هجایی این پایه‌های آوایی هم کاملاً یکسان باشد.

پاسخ خیلی تشریحی

ابتدا بیت سؤال را تقطیع می‌کنیم:

دَ رین شَک نی	ست کو هَم چُن	تَ را زو یی	ست زین مَع نی
– – – U	– – – U	– – – U	– – – U

بیت گزینهٔ (۴) نیز دقیقاً همین الگوی هجایی را دارد:

چَ مَن آ را	یِ قد رَت پَر	وَ رَد صَد خا	ر دَر گُل شَن
کِ رو زی گُل	بُ نی را غُن	چِ ای آز شا	خِ خا را رَد
– – – U	– – – U	– – – U	– – – U

بررسی سایر گزینه‌ها: (از هر گزینه، تنها مصراع اول را تقطیع می‌کنیم.)

گزینهٔ (۱):

نِ کو گو یان	نَ صی حَت می	کُ نَن دَم
– – – U	– – – U	– – U

گزینهٔ (۲):

گر مُط رِ بی	رو دی زَ نَد	بی مِی نَ دا	رَد آ بِ رو
– U – –	– U – –	– U – –	– – U –

گزینهٔ (۳):

پَ یا ما وَر	د سا قی مِی	پَـ رَس تان را
– – – U	– – – U	– – – U

تیزپاری در چنین سؤالاتی فقط تقطیع یک مصراع کافی است.

گول‌نخوری در گزینه‌های (۱) و (۳) تعداد پایه‌های آوایی سه‌تاست، اما در بیت سؤال چهارتا. ضمناً در گزینهٔ (۱)، آخرین پایهٔ آوایی، الگوی هجایی متفاوتی با آخرین پایهٔ آوایی بیت سؤال دارد.

۱۹ دربارهٔ ابیات زیر، کدام گزینه اطلاعات نادرستی ارائه می‌دهد؟

- بـر ایشـان تـو پیـروز باشـی بـه جنـگ　　کنـون یـک زمـان کـرد بایـد درنـگ
- هرگـز نیامـد در بیـان یـک از هـزاران　　چنـدان کـه گفتنـد اهـل بینـش داسـتان‌ها

۱) در مجموعهٔ هر دو بیت، پایه‌های آوایی ۴هجایی، ۳هجایی، ۲هجایی و تک‌هجایی وجود دارد.

۲) تعداد هجاهای کشیده در بیت اول بیشتر از بیت دوم است.

۳) تعداد پایه‌های آوایی هر دو بیت یکسان است.

۴) تعداد هجاهای کوتاه در هر دو بیت یکسان است.

مشاوره تکلیف بعضی گزینه‌ها رو می‌تونید بلافاصله بعد از تقطیع و بدون مشخص‌کردن پایه‌های آوایی روشن کنید. کافیه یک نگاه به هجاها بیندازید!

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

۱) **انواع هجاها**
- کوتاه: صامت + مصوت کوتاه
- بلند:
  - صامت + مصوت بلند
  - صامت + مصوت کوتاه + صامت
- کشیده:
  - صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت
  - صامت + مصوت کوتاه + دو صامت

۲) از انتهای آخرین پایهٔ آوایی در مصراع‌ها، ممکن است یک، دو یا حتی سه هجا حذف شود.

پاسخ خیلی تشریحی

ابتدا ابیات را تقطیع می‌کنیم:

بَ ری شان	تُ پی رو	ز با شی	بِ جَنگ
کُ نون یِک	زَ مان کر	د با یَد	دِ رَنگ
– – U	– – U	– – U	U – U

هَر گِز نَ یا	مَد دَر بَ یان	یِک آَز هِ زا	ران
چَن دان کِ گُف	تَن دَه لِ بی	نِش دا س تان	ها
– U – –	– – U –	– – U –	–

تعداد هجاهای کوتاه در بیت اول، ۶تا و در بیت دوم، ۵تاست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در بیت اول، پایه‌های ۳ و ۲ هجایی وجود دارد. در بیت دوم، پایه‌های ۴ و تک هجایی.

گزینهٔ (۲):

هجاهای کشیده
- بیت اول: روز ـ جنگ ـ کرد ـ رنگ
- بیت دوم: داس

گزینهٔ (۳): هر دو بیت چهار پایهٔ آوایی دارند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۰ در کدام مصراع‌ها، آخرین پایهٔ آوایی به ترتیب با کلمات «نوجوانی ـ جوانی ـ کهنسالی» هم‌وزن است؟

الف) من هم از آن زلف دارم یادگاری بی‌قراری

ب) من اینک همی با تو آیم به راه

ج) من از بیگانگان دیگر ننالم

د) من اندر خود نمی‌یابم که روی از دوست برتابم

۱) «الف» ـ «ب» ـ «د»

۲) «د» ـ «ج» ـ «ب»

۳) «الف» ـ «ج» ـ «د»

۴) «الف» ـ «ب» ـ «ج»

مشاوره هجاهای این کلمات رو مشخص کنید، بعد ببینید آخرین پایهٔ آوایی کدوم مصراع، دقیقاً همون الگوی هجایی رو داره.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

با خوانش درست شعر، به درنگ منظم و یکنواختی که بعد از هر دسته از هجاها وجود دارد، پی می‌بریم. خانه‌ها، به گونه‌ای منظم کنار هم چیده شده‌اند؛ به هر یک از این خانه‌ها که برش آوایی ایجاد کرده‌اند، پایه یا رکن عروضی می‌گویند. وزن شعر در حقیقت حاصل چینش منظم این پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی است.

به عبارت دیگر، وقتی الگوهای هجایی یک بیت را دسته‌بندی می‌کنید و به چند دستهٔ منظم می‌رسید، هر کدام از آن دسته‌ها یا گروه‌های هجایی، یکی از پایه‌های آوایی آن بیت هستند. در بعضی سؤالات، ممکن است از شما بخواهند پایه‌های آوایی یک بیت را با یک کلمه یا عبارت معادل‌سازی کنید. برای این کار، کافی است به این نکته توجه داشته باشید که الگوی هجایی پایهٔ آوایی مورد نظر، با الگوی هجایی کلمه یا عبارت مورد نظر یکسان باشد.

پاسخ خیلی تشریحی

تقطیع ابیات:

الف)

مَن هَ مَز آن	زُل ف دا رَم	یا دِ گا ری	بی قَ را ری
– – ∪ –	– – ∪ –	– – ∪ –	– – ∪ –

آخرین پایهٔ آوایی این مصراع، از نظر الگوی هجایی با نوجوانی (– ∪ – –) یکسان است.

ب)

مَ نی نَک	هَ می با	تُ آ یَم	بِ راه
– – ∪	– – ∪	– – ∪	– ∪

آخرین پایهٔ آوایی این مصراع، با هیچ‌کدام از کلمات سؤال یکسان نیست.

گول‌نخوری الگوی هجایی کلمهٔ جوانی (– ∪ – –) با سه پایهٔ آوایی اول این بیت یکسان است، اما با پایهٔ آوایی آخر نه.

ج)

مَ نَز بی گا	نِ گان هَر گِز	نَ نا لَم
– – – ∪	– – – ∪	– – ∪

الگوی هجایی کلمهٔ جوانی، (– ∪ – –) با هجاهای آخرین پایهٔ آوایی یکسان است.

گول‌نخوری الگوی هجایی پایه‌های آوایی اول تا سوم این مصراع، با کلمهٔ کهنسالی یکسان است، اما سؤال دربارهٔ تطابق آخرین پایهٔ آوایی هر مصراع است.

د)

مَ نَن دَر خُد	نِ می یا بَم	کِ رو یَز دو	ست بَر تا بَم
– – – ∪	– – – ∪	– – – ∪	– – – ∪

الگوی هجایی کلمهٔ کهنسالی (– – – ∪)، با آخرین پایهٔ آوایی این مصراع، یکسان است.

۲۱ اگر در ابیات ، از ابتدای هر پایهٔ آوایی، یک هجا حذف کنیم، الگوی هجایی ایجادشده، با کدام الگوی هجایی بیت زیر یکسان است؟

مشاوره به موسیقی ابیات کاری نداشته باشین، هجاهاشون رو بنویسید و دسته‌بندی کنید. بعد در هر بیت، هجای اول هر پایهٔ آوایی رو حذف کنین و ببینین شبیه پایه‌های آوایی بیت سؤال می‌شن یا نه.

«بمـــان تـــا در ایـــن ژرف یخ‌ســـار تیـــره — بـــه نیـــروی خورشـــید راهـــی برآیـــد»

الف) منم آن بندهٔ مخلص که از آن روز که زادم — دل و جان را ز تو دیدم دل و جان را به تو دادم

ب) حاجت از بی‌حاجتی در عشق می‌باید گرفتن — مـن خوشـم بـا ناامیـدی تـا تویـی امیدگاهـم

ج) یک نقطه دارد پیش و پس عاقل ز غافل فرق و پس — با لطف حق در یک نفس غافل به عاقل می‌رسد

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «الف» ـ «ب» ـ «ج»

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی

با تقطیع ابیات شروع می‌کنیم، بیت سؤال:

بِ مان تا	دَ رین زَر	ف یَخ سا	رِ تی رِ
بِ نی رو	یِ خُر شی	د را هی	بَ را یَد
ـ ـ ∪	ـ ـ ∪	ـ ـ ∪	ـ ـ ∪

الف)

مَ نَ مان بَن	دِ یِ مُخ لِص	کِ آ زان رو	ز کِ زا دَم
دِ لُ جان را	زِ ثُ دی دَم	دِ لُ جان را	بِ ثُ دا دَم
ـ ـ ∪ ∪	ـ ـ ∪ ∪	ـ ـ ∪ ∪	ـ ـ ∪ ∪

الگوی هجایی پایه‌های آوایی این بیت «∪ ∪ ـ ـ» است که اگر یک هجا از ابتدای آن حذف شود، شبیه به پایه‌های آوایی بیت سؤال می‌شود «⁄ ∪ ـ ـ».

ب)

حا جَ تَز بی	حا جَ تی در	عِش ق می با	یَد گِ رِف تَن
مَن خُ شَم با	نا اُ می دی	تا ثُ یی اُم	می د گا هَم
ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ

الگوی هجایی پایه‌های آوایی این بیت به شکل «ـ ∪ ـ ـ» هستند که اگر از ابتدای هر کدام یک هجا حذف شود. «⁄ ∪ ـ ـ»، شبیه پایه‌های آوایی بیت سؤال می‌شوند.

ج)

یِک نُق طِ دا	رَد پی شُ پَس	عا قِل زِ غا	فِل فَر قُ بَس
با لُط فِ حَق	دَر یِک نَ فَس	غا فِل بِ عا	قِل می رِ سَد
ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ	ـ ـ ∪ ـ

پایه‌های آوایی بیت «ـ ـ ∪ ـ» است و اگر یک هجا از ابتدای آن حذف شود «⁄ ـ ∪ ـ»، شباهتی با الگوی هجایی پایه‌های آوایی بیت سؤال پیدا نمی‌کند.

۲۲ تمام پایه‌های آوایی کدام گزینه، الگوی هجایی یکسانی با الگوی هجایی جای خالی در بیت زیر دارند؟

«چه غروری است در این سلطنت ای یوسف مصری ... به خدا ..... نیست که تسخیر نکردی»

۱) نه ز خط حلقه بر اطراف رخت بسته شده است / که نظرها به تماشای تو پیوسته شده است

۲) بیدل خونین‌جگرم بلبل بی بال و پرم / نیست در این غمکده‌ها نالهٔ من بی‌اثری

۳) سعدی گر آن زیبا قرین، بگزید بر ما همنشین / گو «هر که خواهی برگزین»، ما نیز هم بد نیستیم

۴) در دل هر ذره تو را درگهیست / تا نگشایی بود آن در خفا

مشاوره ابتدا مصراع اول بیت سؤال رو تقطیع کنین، بعد در مصراع دوم هجاهای قبل و بعد از جای خالی رو مشخص کنین، حالا با مقایسهٔ دو مصراع الگوی هجایی جای خالی به دست میاد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

درس Box در یک بیت: هجاهای هر دو مصراع از نظر نوع و تعداد با هم برابر هستند، پس با توجه به الگوی هجایی هر مصراع، می‌توان الگوی هجایی مصراع دیگر را تعیین کرد.

پاسخ خیلی تشریحی مصراع‌های بیت سؤال را جداگانه تقطیع می‌کنیم:

چ غُ رو ری ست دَ رین سَل طَ نَ تی یو سُ فِ مِص ری

– – U U – – U U – – U U – – U U

ب خُ دا ؟ ؟ ؟ ؟ نی ست کِ تَس خی ر نَ کَ دی

– U U – – U U – – U U – – U U

با توجه به مصراع اول و تناظر هجاهای دو مصراع، می‌توان فهمید که الگوی هجایی جای خالی مصراع دوم « – U U – » است.

حال باید دید که پایه‌های آوایی کدام گزینه، از این الگوی هجایی تشکیل شده است.

گزینهٔ (۲):

بی دِ لِ خو	نین چِ گَ رَم	بُل بُ لِ بی	با لُ پَ رَم
نی ست دَ رین	غَم کَ دِ ها	نا لِ یِ مَن	بی اَ ثَ ری
– U U –	– U U –	– U U –	– U U –

بررسی سایر گزینه‌ها:

در هر گزینه، یک مصراع را تقطیع می‌کنیم:

گزینهٔ (۱):

نَ زِ خَط حَل	قِ بَ رَط را	فِ رُ خَت بَس	تِ شُ دَست
– – U U	– – U U	– – U U	– U U

گول نخوری پایه‌های آوایی بیت جواب، لزوماً با پایه‌های آوایی بیت سؤال یکسان نیست. ابتدا الگوی هجایی جای خالی را پیدا کنید و با توجه به آن، دنبال گزینهٔ صحیح بگردید.

گزینهٔ (۳):

سَع دی گَ ران	زی با قَ رین	بُگ زی د بَر	ما هَم نِ شین
– U – –	– U – –	– U – –	– U – –

گزینهٔ (۴):

دَر دِ لِ هَر	ذَر رِ ثُ را	دَر گَ هیست
– U U –	– U U –	– U –

گول نخوری اگرچه پایه‌های آوایی اول و دوم، الگوی هجایی « – U U – » را دارد، اما الگوی هجایی سومین پایهٔ آوایی متفاوت است و در سؤال تأکید شده که تمام پایه‌های آوایی باید این الگو را داشته باشند.

۲۳ کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

«**مـن کـه دارم در گدایی گنج سـلطانی به دسـت / کـی طمـع در گـردش گردون‌دون‌پـرور کنـم؟**»

۱) گرچـه گردآلـود فقـرم شـرم بـاد از همتـم / گـر بـه آب چشـمهٔ خورشـید دامـن تـر کنـم

۲) عشـق سـلطانی و دنیاداشـتن نان جسـتن است / ای گـدای نان‌طلـب، می‌کـوش تـا سـلطان شـوی

۳) مـا سـلطنت فقـر بـه عالـم نفروشـیم / یـک جـام شـرابی بـه دو صـد جـم نفروشـیم

۴) خوش‌وقـت بوریـا و گدایـی و خـواب امـن / کایـن عشـق نیسـت در خـور اورنـگ خسـروی

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی

مفهوم بیت صورت سؤال و گزینه‌های مرتبط: بی‌اعتنایی به مادیات و قدرت دنیا، در عین نداری و فقر.

گزینهٔ (۲): توصیه به ترک تعلقات دنیوی برای رسیدن به مقام بالای انسانی

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۴ کدام بیت با بیت «اسیرش نخواهد رهایی ز بند/ شکارش نجوید خلاص از کمند» قرابت مفهومی دارد؟

۱) بگذار تا به داغ رهایی شود کباب / صیدی که همچو تاب نپیچد بر آن کمند

۲) از فکر زلف یار رهایی امید نیست / سودای او شبی است که صبحش پدید نیست

۳) خلق معشوقان کمند صید مشتاقان بس است / نیست غیر از بوی گل زنجیر پای عندلیب

۴) تو را به قید چه حاجت که صید وحشی را / به هیچ روی خلاصی هم از کمند تو نیست

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

مفهوم بیت صورت سؤال این است که کسی که گرفتار معشوق می‌شود، تمایلی به رهایی ندارد (در بند و اسیر یار بودن خوش است) و در گزینهٔ (۱) نیز این گرفتاری را خوش می‌داند و می‌گوید صیدی که بر کمند یار نمی‌پیچد، او را رها کن که به داغ رهایی بسوزد، در واقع رهایی را عذاب و گرفتاری را لذت و خوشی می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): رهایی از یار غیرممکن است.

گزینهٔ (۳): عاشق، اسیر اخلاق معشوق می‌شود.

گزینهٔ (۴): عاشقان نمی‌توانند از بند یار خلاص شوند و به قیدوبند احتیاجی نیست.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۵ کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«**باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد / با پختگان گو این سخن سوزش نباشد خام را**»

۱) تو خفته حال بیداران چه دانی؟ / کسی داند که او بیدار باشد

۲) افسوس خلق می‌شنوم در قفای خویش / کاین پخته بین که در سر سودای خام شد

۳) چه‌سان به خامه دهم شرح اشتیاق تو را / چو شمع، سوزش پنهان من زبانی نیست

۴) تشنگان را می‌گذارد نعل در آتش سراب / سوزش پروانه در مهتاب می‌گردد زیاد

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینهٔ (۱): کسی درد را می‌فهمد که درد داشته باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): سرزنش عاشق توسط اغیار

گزینهٔ (۳): شرح غم یار، توصیف‌شدنی نیست.

گزینهٔ (۴): انسان تشنه با دیدن سراب پریشان می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۶ **کدام گزینه به ترتیب در مورد رابطهٔ جهان ذهنی و جهان فرهنگی درست، ولی در مورد پرسش‌های بنیادین نادرست است؟**

۱) هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد. ـ به مثابهٔ روح یا شالودهٔ آن فرهنگ عمل می‌کنند.

۲) بین دو بخش فردی و ذهنی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. ـ پرسش‌های معرفت‌شناسانه، پرسش‌هایی از این قبیل را شامل می‌شوند که «آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟».

۳) بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. ـ این پرسش‌ها عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر انسان را از فرهنگ می‌سازند.

۴) وقتی فردی کتابی می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان فرهنگی به جهان اجتماعی وارد می‌شود. ـ پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی یکسانی پدید می‌آورد.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد که این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادین، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابهٔ روح یا شالودهٔ آن فرهنگ عمل می‌کنند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): درست ـ درست

گزینهٔ (۲): نادرست؛ بین دو بخش **ذهنی** و **فرهنگی** جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. ـ درست

نکته

- بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی می‌نامند.
- بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازهٔ بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

گزینهٔ (۳): درست ـ نادرست؛ عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر **فرهنگ** را از **انسان** و **جهان** می‌سازند.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ وقتی فردی کتابی می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان **فردی** به جهان **فرهنگی** وارد می‌شود. ـ نادرست؛ پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی **مختلفی** پدید می‌آورد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۷ **با توجه به نمودار زیر در مورد تعامل انواع جهان‌ها، کدام گزینه پاسخ درست سؤالات زیر است؟**

- **چه دیدگاهی نسبت به جهان تکوینی دارد؟**
- **جهان ذهنی و فردی افراد تابع چیست؟**
- **باور این رویکرد به انسان و طبیعت، چه پیامدی دارد؟**



۱) مادهٔ خامی که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. ـ فرهنگ ـ وقوع بحران‌های زیست‌محیطی

۲) به دو بخش جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌شود. ـ طبیعت ـ نادیده‌گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی

۳) محدود به جهان طبیعت است. ـ جهان اجتماعی ـ از دست رفتن استقلال جهان ذهنی در مقابل جهان طبیعت

۴) مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ـ جهان تکوینی ـ سلب ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم انسانی و اجتماعی

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- براساس این دیدگاه، جهان تکوینی مادهٔ خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند.
- براساس این دیدگاه، جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست.
- وضعیت امروزی محیط زیست، نتیجهٔ باور این رویکرد دربارهٔ انسان و طبیعت است.

نکته

- نادیده‌گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی که ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند، مربوط به دیدگاه اول در تعامل جهان‌ها می‌باشد.
- در قسمت بیندیشید کتاب اشاره به این مطلب شده است که وضعیت امروزی محیط زیست یا وقوع بحران‌های زیست‌محیطی نتیجهٔ باورهایی دربارهٔ انسان و طبیعت است و آیات قرآن کریم مانند آیهٔ ۴۱ سورهٔ روم و آیات دیگر، از این تعامل سخن گفته‌اند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۸ به ترتیب، کدام‌یک از موارد زیر در بخش اول نادرست و در بخش دوم درست است؟

الف) از نظر فارابی، جامعه‌ای که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان مدینهٔ فاسقه است. ـ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این‌گونه نیستند.

ب) فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. ـ فرهنگ ژاپن گسترهٔ جغرافیایی وسیع و تداوم تاریخی پایینی دارد.

ج) در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند و در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. ـ پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند.

د) برخی فرهنگ‌ها در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور می‌کنند. ـ مراسم حج نمونهٔ بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست.

۱) «ب» ـ «د»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «ج» ـ «الف»
۴) «ج» ـ «ب»

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

الف) نادرست؛ جامعه‌ای که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان **فرهنگ حق** است. ـ درست

نکته فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، «مدینهٔ فاسقه» می‌نامد.

ب) درست ـ نادرست؛ فرهنگ ژاپن گسترهٔ جغرافیایی وسیع **ندارد**، ولی تداوم تاریخی **بالایی** دارد.

ج) درست ـ درست

د) نادرست؛ برخی فرهنگ‌ها در مناطقی محدود به وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور **نمی‌کنند**. ـ درست

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲۹ هر یک از عبارت‌های زیر، به ترتیب در کدام قسمت از جدول قرار می‌گیرند؟

- مانع بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر می‌شود.
- زمینهٔ نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورد.
- به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ می‌دهد.
- معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است.
- به پرسش‌های آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پاسخ می‌دهد.

حقیقت	عقلانیت	معنویت	عدالت	فرهنگ جبرگرا
«ب»	«ج»	«د»	«ه»	«الف»

۱) «د» ـ «ه» ـ «ج» ـ «الف» ـ «ب»
۲) «ه» ـ «الف» ـ «د» ـ «ج» ـ «ب»
۳) «ه» ـ «ج» ـ «د» ـ «ب» ـ «الف»
۴) «ه» ـ «الف» ـ «ج» ـ «ب» ـ «د»

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- مانع بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر می‌شود. ← عدالت «ه»
- زمینهٔ نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورد. ← فرهنگ جبرگرا «الف»
- به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ می‌دهد. ← عقلانیت «ج»

نکته

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد:

۱) ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

۲) انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

- معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است. ← حقیقت «ب»
- به پرسش‌های آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پاسخ می‌دهد. ← معنویت «د»

امتحان نهایی

گزینهٔ درست را انتخاب کنید و شمارهٔ آن را در پاسخ‌برگ بنویسید.

کدام ویژگی فرهنگ جهانی مطلوب، معیاری برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف است؟

(سؤال ۳ (قسمت الف) ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴)

۱) عقلانیت ۲) عدالت ۳) حقیقت ۴) معنویت

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۰ **علت، نتیجه و معنایِ عبارت‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟**

- **جهانی‌شدن فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقهٔ خاصی است.**
- **فراتررفتن فرهنگ سلطه یا استکبار از مرزهای خود**
- **فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد.**

۱) داشتن نگاه سلطه‌جویانه ـ تسلط یک قوم و نژاد بر دیگران ـ فرهنگ استکبار

۲) فراتررفتن از مرزهای خود ـ به خدمت گرفتن کشورهای پیرامون ـ فرهنگ صهیونیسم

۳) داشتن نگاه سلطه‌جویانه ـ تقسیم جهان به دو منطقهٔ مرکز و پیرامون ـ فرهنگ سلطه

۴) دنبال‌کردن سعادت انسان‌ها ـ تقسیم جهان براساس کانون ثروت و قدرت ـ فرهنگ سرمایه‌داری

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- عاملِ جهانی‌شدن فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها مربوط به قوم و منطقهٔ خاصی است. ← داشتن نگاه سلطه‌جویانه

نکته

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

- نتیجهٔ فراتررفتن فرهنگ سلطه یا استکبار از مرزهای خود ← تقسیم جهان به دو منطقهٔ مرکز و پیرامون
- فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند ← فرهنگ سلطه یا استکبار

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۱ **در کدام گزینه، همهٔ موارد به ویژگی جامعهٔ تغلّب اشاره دارد؟**

۱) یکی از انواع مدینهٔ ضالّه است. ـ مردم برای غلبه‌یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. ـ برای رقابت با یکدیگر، به هم نیازمندند. ـ نمی‌خواهند ملت مقهور، مالک جان و مال خود و ... باشد.

۲) یکی از انواع مدینه‌های فارابی است. ـ هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. ـ گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به سعادتی که آن‌ها به آن دست یافته‌اند، برسند. ـ همواره می‌خواهند دیگران را ستایش کنند.

۳) همهٔ آن‌ها، شیفتهٔ غلبه بر اقوام و ملل دیگر هستند. ـ به دنبال چیرگی بر مردم جامعهٔ خود نیز هستند. ـ مردم جوامع خود را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. ـ از انواع مدینهٔ جاهله است.

۴) هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. ـ گمان می‌برند که فقط آنان خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند. ـ همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کنند. ـ دوست دارند بر یکایک مردم جامعهٔ خود نیز چیره شوند.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

جامعهٔ تغلّب فارابی، همان گونهٔ نخست فرهنگ جهانی، یعنی فرهنگ سلطه و استکبار است که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ یکی از انواع مدینهٔ **جاهله** است. ـ نادرست؛ مردم برای غلبه‌یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر **همکاری** می‌کنند. ـ نادرست؛ برای **غلبه** بر اقوام دیگر و جلوگیری از غلبهٔ اقوام دیگر بر خود به هم نیازمندند. ـ درست

گزینهٔ (۲): درست ـ درست ـ درست ـ نادرست؛ همواره می‌خواهند دیگران **آنان** را ستایش کنند.

گزینهٔ (۳): درست ـ نادرست؛ دوست دارند بر یکایک مردم جامعهٔ خود نیز چیره شوند، ولی ناچارند از این کار **خودداری** کنند. ـ نادرست؛ مردم جوامع **دیگر** را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. ـ درست

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۲ **هر یک از موارد زیر به ترتیب «ابزار»، «پیامد»، «نمونه» و «روش» چیست؟**

- **رسانه‌ها و فناوری اطلاعات**
- **خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان**
- **تبلیغات شرکت‌های تجاری در هند و نیجریه**
- **اشغال نظامی جوامع ضعیف**

۱) امپریالیسم فرهنگی ـ جهان‌گشایی ـ استعمار فرانو ـ امپریالیسم

۲) استعمار فرانو ـ امپراتوری ـ استعمار نو ـ امپریالیسم سیاسی

۳) استعمار فرانو ـ استعمار ـ امپریالیسم اقتصادی ـ استعمار

۴) امپریالیسم فرهنگی ـ امپریالیسم ـ استعمار فرانو ـ استعمار قدیم

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۳

درس Box

انواع سلطه				
امپریالیسم		استعمار		
نوع	ویژگی‌ها	نوع	ویژگی‌ها	ابزارها
سیاسی	اشغال نظامی	قدیم	حضور مستقیم و آشکار استعمارگر	نظامی و سیاسی
اقتصادی	نفوذ اقتصادی در بازار و مواد خام	نو	حضور پنهان استعمارگر و حضور آشکار مجریان	سیاسی و اقتصادی
فرهنگی	نفوذ در فرهنگ	فرانو	حضور پنهان استعمارگر و مجریان	فرهنگی و علمی

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- رسانه‌ها و فناوری اطلاعات ←(ابزار) استعمار فرانو
- خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان ←(پیامد) جهان‌گشایی و امپراتوری
- تبلیغات شرکت‌های تجاری در هند و نیجریه ←(نمونه) استعمار نو
- اشغال نظامی جوامع ضعیف ←(روش) امپریالیسم سیاسی

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۳ در مورد «قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد»، کدام گزینه درست است؟

۱) اگر استقلال سیاسی خود را حفظ کند، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال فرهنگی خود را به دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم و جذب کند.

۲) اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد.

۳) اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند و اگر استقلال فرهنگی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد.

۴) اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد و اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به خدمت گیرد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✔

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر **هویت فرهنگی‌اش** را حفظ کند، با ضعیف‌شدن تدریجی **قدرت نظامی** مهاجم، می‌تواند **استقلال سیاسی** خود را به دست آورد و اگر فرهنگی **غنی و قوی** داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود **هضم** کند و **به خدمت گیرد**.

نکته

- در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبهٔ نظامی گرچه به حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آن‌ها را به دنبال نمی‌آورد.
- ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی‌شان داشتند، اما جهان‌گشایی‌ها به جهانی‌شدن فرهنگ آنان منجر نشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۴ به ترتیب علتِ «موفقیت استعمار در قرن نوزدهم»، «ناتوانی فرهنگ در دفاع از هویت خود» و «جهانی‌نشدنِ فرهنگ مغولان» چیست؟

۱) پیشرفت در اقتصاد صنعتی ـ عدم وجود عقلانیت سطح اول ـ داشتنِ فرهنگ قومی و قبیله‌ای

۲) برپایی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشر ـ عدم وجود حقیقت ـ نداشتنِ نگاه سلطه‌جویانه

۳) پیشرفت در فنون نظامی ـ عقلانیت سطح دوم ـ نداشتنِ شایستگی‌های جهانی‌شدن

۴) افزایش تصرفات اروپاییان از ۳۷ درصد به ۶۷ درصد کرهٔ زمین ـ حقیقت ـ داشتنِ فرهنگ سلطه‌جویانه

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس‌های ۲ و ۳

پاسخ خیلی تشریحی

- موفقیت‌های استعمار در قرن نوزدهم، ناشی از **پیشرفت** در زمینه‌های **دریانوردی**، **فنون نظامی** و **اقتصاد صنعتی** بود.

نکته

استعمار نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این مدت، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کرهٔ زمین به ۶۷ درصد آن رسید.

- در **سطح اول عقلانیت**، فرهنگ به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ می‌دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد (عدم وجود عقلانیت سطح اول)، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.
- مغولان با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ آن‌ها، **قومی و قبیله‌ای** بود و شایستگی‌های جهانی‌شدن را نداشت. آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار می‌گرفتند که به لحاظ نظامی از آنان شکست خورده بودند.

کنکور

در متن زیر چند عبارت درست است؟ *(سؤال ۵۴ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

در امپریالیسم فرهنگی، مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعهٔ دیگر قرار گرفته است، از بین می‌رود. ـ قوم مغلوب، برتری نظامی جامعهٔ مسلط را می‌پذیرد. ـ استعمار نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. ـ در این مدت، تصرفات اروپاییان از ۲۵ درصد کرهٔ زمین به ۶۷ درصد رسید. ـ استعمار اروپایی در سدهٔ هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد. ـ آن‌ها در یک دورهٔ هفتادساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند.

۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۴

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۵ پاسخ پرسش‌های زیر در کدام گزینه آمده است؟

- در مدینهٔ فاسقهٔ فارابی، کدام لایه از جهان اجتماعی، همسو با حق نیست؟
- هدف و نتیجهٔ کودتای نوژه به ترتیب چه بود؟
- منظور از «اغلال و سلاسل» چیست؟

۱) لایهٔ عمیق ـ انتقال قدرت از رضاشاه به محمدرضاشاه، ناموفق بود. ـ باورها و اعمالی که نمی‌گذارند انسان حقیقت جهان هستی را درک کند.

۲) هنجارها و رفتارها ـ از بین بردن جمهوری اسلامی، موفق بود. ـ زنجیرهایی که انسان را در این دنیا به بند می‌کشند.

۳) لایهٔ سطحی ـ ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی، کشف و خنثی شد. ـ زنجیرهایی که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

۴) عقاید و ارزش‌ها ـ انتقال قدرت از جمهوری اسلامی به پهلوی، شکست خورد. ـ باورها و اعمالی که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش را بشناسد.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس‌های ۱ تا ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✔

فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن (لایه‌های عمیق) حق باشد، اما **هنجارها و رفتارهای** آن (**لایه‌های سطحی**) موافق و همسو با حق نباشد، «مدینهٔ فاسقه» می‌نامد.

کودتای آمریکایی ـ انگلیسی نوژه، به قصد **ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی** ایران طراحی شده بود که **کشف و خنثی** شد و نمونه‌ای از کودتاهای شکست‌خورده است.

نکته

دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و همچنین کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی، دو نمونهٔ موفق از کودتاهای استعمار نو به شمار می‌روند.

قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان **حقیقت خویش و جهان هستی** را درک کند «اغلال و سلاسل» می‌نامد. اغلال و سلاسل زنجیرهایی هستند که انسان را در **دنیا و آخرت** به بند می‌کشند. در این حالت انسان از تعامل صحیح با جهان هستی بازمی‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را بپروراند و شکوفا کند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۶ **پژوهشگری بررسی خود را با عنوان «بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار کرمانی متناسب با فعالیت بدنی ایشان» صورت‌بندی کرده است. در رابطه با پژوهش او، کدام گزینه درست است؟**

۱) دانشمند با وجود این مسئله در جهان مواجه شده و می‌بایست با روش تجربی این ابهام را از بین ببرد.

۲) می‌بایست با چنان دقت و ظرافتی به مسئله پاسخ دهد که پاسخ او درست و واقعی باشد.

۳) لازم است پیش از پژوهش آن‌چنان «فعالیت بدنی» را شفاف تعریف کند که در پژوهش قابل اندازه‌گیری باشد.

۴) متغیرهای پژوهشی در این بررسی شامل بهزیستی روان‌شناختی، فعالیت بدنی و شهر محل سکونت است.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

تعریف روش علمی: فرایند جست‌وجوی باقاعده و نظام‌دار برای مشخص‌کردن یک موقعیت نامعین.

- **فرایند**: جریان رسیدن به هدف یعنی داشتن فرایند در روش علمی.
- **جست‌وجو**: در جست‌وجوی چیزی بودن یعنی هدفمندبودن.

اقدام بدون هدف (به دلیل توجه‌نداشتن به هدف) نتیجه‌بخش نخواهد بود.

- **باقاعده و نظام‌دار بودن**: تابع قواعد مشخص و منظم بودن

مهم‌ترین تفاوت دانشمند با فرد عادی منظم و قاعده‌مندبودن او است.

- **موقعیت نامعین**: ابهام‌زدایی و روشن‌سازی در روش علمی برای معین‌کردن موقعیت نامعین است.

نکته

دانشمندان به واسطهٔ طرح مسئله موقعیت ناشناخته و مجهول را شناسایی می‌کند و به واسطهٔ روش‌های تجربی موقعیت ناشناخته را روشن می‌کنند. پس دانشمندان با موقعیت نامعین رابطه‌ای دوسویه دارند.

ویژگی‌های روش علمی (روش مورد نظر روان‌شناسان تجربی):

در روش علمی با دو مفهوم «متغیر» و «تعریف عملیاتی» زیاد مواجه می‌شویم.

الف) **تعریف عملیاتی**: برای انجام یک آزمایش صحیح و سهولت در اندازه‌گیری مورد نیاز است.

هر متغیر به صورت شفاف، دقیق و قابل اندازه‌گیری بیان شود.

متغیر (هر چیزی که تغییر می‌کند) مورد نظر باید به صورت عینی و دقیق تعریف شود.

همهٔ افراد می‌بایست با مطالعهٔ تعریف عملیاتی متغیر، به برداشت یکسان یا تقریباً یکسانی از آن متغیر برسند.

تعریف عملیاتی پدیده‌های روان‌شناسی نسبت به سایر علوم تجربی دشوارتر است.

ب) **تکرارپذیری**: خصوصی و شخصی نبودن یافته‌ها. یعنی هر فردی با رعایت ضوابط علمی به نتایج مشابه برسد.

اگر روش رسیدن به پاسخ قابل تکرار نباشد آن روش، روش علمی نیست.

به سبب (۱) رعایت مسائل اخلاقی، (۲) پیچیدگی‌های پژوهش‌های مربوط به انسان و (۳) تأثیر ارزش‌ها در نگاه و تفسیر پدیده‌های انسانی، روان‌شناسی به اندازهٔ باقی علوم تجربی تکرارپذیر نیست. هم‌چنین به جهت محدودیت در تکرارپذیری، روش علمی نمی‌تواند پاسخ بسیاری از پرسش‌های بشر را بدهد.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ دانشمندان به واسطهٔ طرح مسئله موقعیت مجهول یا همان موضوع مسئله را کشف می‌کنند؛ به همین خاطر دانشمندان در مواجهه با مسئله موقعیت فعالی دارند، نه آن‌که به طور منفعلانه با آن مواجه شوند.

گزینهٔ (۲): نادرست؛ اصول و قوانین که حاصل روش علمی هستند، تنها پذیرفته می‌شوند. این پذیرش لزوماً به معنای درست و واقعی بودن پاسخ نیست.

گزینهٔ (۳): درست؛ متغیرهای پژوهشی لازم است به صورت شفاف و دقیق توصیف و تعریف شوند تا اندازه‌گیری در پژوهش ممکن شده و فرایند اندازه‌گیری تسهیل شود. به این تعریف، تعریف عملیاتی گفته می‌شود که وجود این تعریف از ویژگی‌های الزامی روش علمی است.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ متغیر هر آن چیزی است که در روند پژوهش تغییر می‌کند. اگر پدیده‌ای در پژوهش ثابت باشد، مانند خانه‌داربودن، زن‌بودن و کرمانی‌بودن، متغیر محسوب نمی‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۷ **کدام‌یک از فرایندهای روش تجربی در رابطه با علم روان‌شناسی، دشوارتر از سایر علوم نیست؟**

۱) تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهشی

۲) توصیف و تبیین پدیده‌ها

۳) تکرار نتایج پژوهش‌ها

۴) فرضیه‌پردازی برای مسئله‌ها

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تعریف عملیاتی پدیده‌های روان‌شناختی دشوارتر از تعریف عملیاتی پدیده‌ها و متغیرهای دیگر علوم تجربی است.

گزینهٔ (۲): به دلیل آن‌که آدمی علاوه بر جسم از روان نیز برخوردار است، توصیف و تبیین پدیده‌های روان‌شناختی دشوارتر از توصیف و تبیین پدیده‌های سایر علوم تجربی است.

گزینهٔ (۳): تکرارپذیری به معنای انجام پژوهش به نحوی است که نتایج و روش استفاده‌شده برای دیگران نیز قابل تکرار باشد. همهٔ علوم به یک اندازه تکرارپذیر نیستند. رسیدن به یافته‌های یکسان در روان‌شناسی دشوارتر از سایر علوم تجربی است.

گزینهٔ (۴): دانشمندان تمامی علوم تجربی به کمک دانش و تجربهٔ پیشین و قوهٔ تخیلشان به مسائل پاسخی اولیه داده و فرضیه‌پردازی می‌کنند. بنابراین نمی‌توان گفت این فرایند در علم روان‌شناسی لزوماً دشوارتر از سایر علوم تجربی است.

کتاب درسی

به نظر شما تعریف عملیاتی کدام‌یک از واژگان زیر سخت‌تر است؟ چرا؟ *(روان‌شناسی ـ فعالیت صفحهٔ ۱۹ کتاب درسی)*

جرم، اتم، اضطراب، پیشرفت تحصیلی، کلسترول، تصمیم‌گیری، سوخت و ساز، استدلال، قضاوت، هورمون؟

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۸ **کدام عبارت ناظر به هدف متفاوتی از اهداف علم تجربی است؟**

۱) فرد بدون آن‌که فعالیت بدنی داشته باشد، یعنی زمانی را در طی روز ورزش کند، کاهش وزن زیادی را تجربه نمی‌کند.

۲) بدن در مواجهه با آغاز رژیم غذایی، میزان سوخت‌وساز خود را کاهش می‌دهد و این اقدام از موانع کاهش وزن است.

۳) افزونی کالری دریافتی روزانه نسبت به آن میزان کالری که فرد در طی روز می‌سوزاند، موجب افزایش وزن می‌شود.

۴) افرادی که اضافه‌وزن دارند، به احتمال بیشتری در سال‌های آیندهٔ زندگی خود به بیماری‌های قلبی و عروقی مبتلا می‌شوند.

مشاوره لازم است تمایز دو هدفِ «تبیین» و «پیش‌بینی» به خوبی آموخته شود. در تبیین به دنبال دلیل اتفاق‌افتادن یا نیفتادن پدیده در جهان هستیم و دانشمند در زمان حال است؛ اما در پیش‌بینی دانشمند با بررسی شرایط موجود، آیندهٔ پدیده و وقوع یا عدم وقوع آن را برآورد و پیش‌بینی می‌کند.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

توصیف	بیان روشن و تا حد ممکن دقیق از چیستی مفهوم و موضوع مورد نظر است که **قصد مطالعه** و بررسی آن را داریم.
تبیین	ناظر بر چرایی **اتفاق‌افتادن** یک پدیده است. یعنی هر دانشمند هنگام تبیین **در حال بیان علل** اتفاق‌افتادن یا نیفتادن آن پدیده در جهان است.
پیش‌بینی	تلاش برای برآورد پدیدآمدن یا پدیدنیامدن متغیر مورد مطالعه در زمان آینده.
کنترل	مداخله جهت پدیدآمدن یا جلوگیری از پدیدآمدن پدیدهٔ مورد بررسی در زمان آینده.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): علتِ عدم کاهش وزن، همراه نشدن رژیم غذایی با ورزش دانسته شده است و به همین خاطر هدف «تبیین» است.

گزینهٔ (۲): علتِ شکست رژیم غذایی، واکنش بدن با کاهش سوخت و ساز دانسته شده است و به همین خاطر هدف «تبیین» است.

گزینهٔ (۳): علتِ افزایش وزن، افزونی کالری ورودی در مقایسه با سوخت و ساز دانسته شده و به همین خاطر هدف «تبیین» است.

گزینهٔ (۴): با آگاهی از تأثیر اضافه‌وزن بر افزایش احتمال ابتلا به بیماری قلبی، بروز بیماری‌های قلبی در سال‌های آینده در افراد چاق «پیش‌بینی» شده است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۳۹ در کدام گزینه فرضیه‌ای تجربی آمده است؟

۱) پرندگان مهاجر، احتمالاً سیستمی فیزیولوژیک دارند که کارکردی مشابه با نقشه‌یاب برایشان ایفا می‌کند.

۲) پزشکان توصیه می‌کنند برای مقابله با کم‌خونی، لازم است به صورت مداوم قرص آهن مصرف شود.

۳) علی‌رغم سال‌ها پژوهش، هنوز در رابطه با روش‌های مؤثر درمان سرطان ابهام زیادی وجود دارد.

۴) قفل‌شدن بدن در خواب می‌تواند ناشی از افتادن بختک بر روی فرد در زمان خواب باشد.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

فرضیه پاسخ‌های اولیه و تا حد ممکن سنجیدهٔ دانشمندان به مسئله‌های علمی براساس (۱) دانش **خود** (۲) **تجربهٔ خود** (۳) **قوهٔ** تخیلشان است.

مثال گذشت زمان باعث تضعیف حافظه می‌شود.

نکته فرضیه‌ها در پاسخ به یک سؤال (مسئله) می‌آیند، اما خود می‌توانند موجب طرح سؤال‌های دیگر هم بشوند؛ پس رابطهٔ مسئله و فرضیه دوسویه است.

برای تأیید یک فرضیه باید آن را براساس مشاهدات تجربی بیازماییم و نتیجه را با یافته‌های مقبول در علم تجربی مطابقت دهیم.

پاسخ خیلی تشریحی ✔ فرضیه مفهومی در قلمروی علم تجربی است و به همین خاطر می‌بایست در رابطه با موضوعات تجربی باشد نه سایر حوزه‌ها. (رد گزینهٔ (۴)) فرضیه پاسخی احتمالی است و نه قطعی و اثبات‌شده. (رد گزینهٔ (۲)) فرضیه‌ها در پاسخ به مسئله‌ها می‌آیند و جوابی ابتدایی به مسائل هستند نه خود مسائل. (رد گزینهٔ (۳)) فرضیه‌ها پاسخ‌هایی احتمالی برای فهم دنیا هستند که هنوز به بوتهٔ پژوهش تجربی گذاشته نشده‌اند و براساس فرایندهای آن آزموده نشده‌اند. (تأیید گزینهٔ (۱))

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۰ **چرا ممکن است نوزادان در تشخیص هیجان دیگران اشتباه کنند و در مواجهه با چهرهٔ مادرِ عصبانی، لبخند بزنند؟**

۱) نوزاد دوست ندارد مادر خود را عصبانی ببیند و از طریق لبخندزدن سعی در تسکینِ حالِ او دارد.

۲) زیرا ذخیرهٔ شناختی کافی از هیجان‌های خود و تجربهٔ انباشته از واکنش دیگران ندارند.

۳) واکنش نوزادان به تمام پدیده‌های بین فردی لبخندزدن است.

۴) هنوز در دورهٔ نوزادی هیجان‌های ساده به هیجان‌های مرکب تعمیم پیدا نکرده‌اند.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

رشد هیجانی در دورهٔ کودکی:

اصرار بر خواسته، خشمگین‌شدن، ابراز محبت و احساس آرامش از مصادیق هیجان هستند.

رشد هیجانی فرایندی پیچیده است که مستلزم **آگاهی از هیجان‌های خود کودک و هیجان‌های اطرافیان کودک** (به‌خصوص مادر) است و کودکان با دریافت واکنش دیگران به هیجان‌های خود جهت می‌دهند؛ یعنی بروز هیجان مشروط به **آگاهی فرد و رابطهٔ دوطرفهٔ کودک با مادرش** است.

کودکان در تشخیص هیجان‌های اطرافیان خود ماهر نیستند و گاهی دچار اشتباه می‌شوند.

رشد هیجانی در کودک معطوف به سه هیجان سادهٔ **ترس، خشم و محبت** است. با توجه به رشد آگاهی کودکان از هیجان‌های مختلف و واکنش اطرافیان (به‌خصوص مادر) این سه هیجان ساده به هیجان‌های مرکب دیگر چون **احساس پشیمانی، سپاسگزاری، احساس گناه و ترحم** تعمیم پیدا می‌کند.

ساده یا پیچیده بودن هیجان براساس نوع بروز آن مشخص می‌شود. بروز هیجان‌های ساده **تحت تأثیر نظام پردازش فردی** نیست و غالباً به یک صورت (صورت مشابه) پدیدار می‌شود. بروز هیجان‌های مرکب با توجه به نوع ارزیابی ظهور متفاوت دارد.

رشد هیجانی در انسان نسبت به حیوانات به دلیل **آگاهی بیشتر و برقراری تعامل با محیط بازتر و متنوع‌تر**، رشدیافته‌تر است. به عبارتی حیوانات در تجربهٔ **هیجان‌های ساده** با انسان‌ها مشترک هستند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

رشد هیجانی فرایند پیچیده‌ای است که برای محقق‌شدن نیازمند دو مؤلفه است: (۱) آگاهی کودک از هیجان‌های خود از طریق دریافت واکنش دیگران به هیجان‌هایش و (۲) آگاهی از هیجان‌های دیگران. نوزادان با توجه به محدودبودن عمر خود، هنوز ذخیرهٔ کافی از این مؤلفه‌ها را ندارند و به همین خاطر ممکن است در تشخیص هیجان دیگران و موقعیت‌ها، واکنش هیجانی نادرستی داشته باشند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۱ **در کدام گزینه، والدین در تربیت فرزند خود، به مسیر رشد اجتماعی بی‌توجه بوده‌اند؟**

۱) زهرا دوست دارد فرزند سه‌ساله‌اش اجتماعی بار بیاید، به همین خاطر اصرار دارد او و دخترخاله‌اش با هم پازل درست کنند.

۲) فرزند مریم دوساله است و مریم وقتی در حال آشپزی است، فرزندش به تنهایی، اما کنار او، مشغول بازی خودش است.

۳) غزاله هنوز یک سالش نشده و وقتی در آغوش اقوام گریه می‌کند، مادرش بدون این‌که فکر کند بچه‌اش بدقلق شده، او را آرام می‌کند.

۴) از وقتی دختر سوفیا به مدرسه می‌رود، سوفیا از او توقع دارد در بازی‌ها، قوانین بازی را یاد بگیرد و تا حد ممکن رعایت کند.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

رشد اجتماعی در دورهٔ کودکی:

انسان موجودی اجتماعی است و از بودن با دیگران لذت می‌برد. آگاهی از این ویژگی مهم، در مراحل رشد **به تدریج** حاصل می‌شود و او را اجتماعی‌تر می‌کند.

قاعده‌مندشدن و اجتماعی‌شدن بازی کودکان در مسیر رشد بیانگر رشد اجتماعی آن‌هاست.

ترتیب رشد اجتماعی کودک:

- ۲ ـ ۳ماهگی، لبخند اجتماعی (اولین علامت رشد اجتماعی)
- ۸ماهگی (۷، ۸ماهگی) ترس از غریبه
- ۲ ـ ۳سالگی، بازی‌های موازی

مثال دو کودک در کنار یکدیگر نشسته‌اند، اما هر کدام به صورت جداگانه نقاشی خود را می‌کشند و گاهی در فرایند بازی به همدیگر مدادرنگی قرض می‌دهند، با این وجود هر یک به تنهایی اما به موازات کودک دیگر نقاشی می‌کشد.

- دورهٔ دبستان، علاقه به بازی با هم‌جنسان خود (دخترها با دخترها و پسرها با پسرها)

نکته کودکان از سنین دبستان توانایی بازی گروهی را پیدا می‌کنند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): کودکان، تازه در سنین مدرسه توانایی بازیِ گروهی را پیدا می‌کنند و به همین خاطر نمی‌توانند در سه‌سالگی در مشارکت با دیگری پازل درست کنند. اگر والدی چنین اصراری داشته باشد به روند رشد اجتماعی بی‌توجه بوده است.

گزینهٔ (۲): در دو سه سالگی، کودکان تمایل به بازی موازی دارند؛ یعنی در کنار دیگری باشند، اما به تنهایی بازی کنند. در این موقعیت نیز، فرزند دوسالهٔ مریم بازی خودش را می‌کند و مریم نیز با آشپزی به نوعی مشغول کار و بازی خود است.

گزینهٔ (۳): کودکان در ۷، ۸ماهگی از غریبه‌ها می‌ترسند و اگر مادری در مواجهه با این ترس، گمان نکند فرزندش بدقلق شده یا حس بدی بگیرد، او را آرام کند، مسیر رشد اجتماعی فرزندش را در نظر گرفته است.

گزینهٔ (۴): کودکان در سنین دبستان، توانایی بازی قاعده‌مند را پیدا می‌کنند و به همین خاطر با توجه به فرایند رشد اگر از کودکی دبستانی توقع رعایت قواعد بازی را داشته باشیم، توقع بی‌جایی نیست.

۴۲ فرد توصیف‌شده در کدام گزینه قطعاً کودک است؟

۱) ملاک آراد برای دوست‌شدن با افراد بلندقد بودن و پوشش آراستهٔ آن‌هاست و خیلی به خوش‌رفتاری و اخلاق آن‌ها توجه نمی‌کند.

۲) پرهام وقتی شک دارد معلم قرار است فردا درس بپرسد یا نه، درس می‌خواند، چون اگر درس بپرسد و بلد نباشد، برایش گران تمام می‌شود.

۳) زمانی که محمدطاها پازل درست می‌کند، به خوبی می‌تواند حواس خود را روی قطعات باقی‌مانده و جاهای خالی جمع کند.

۴) وقتی مادر آروین مشغول مطالعهٔ کتابی برای ارتقای حافظه است، آروین احساس نمی‌کند دغدغهٔ مشابهی با مادرش دارد.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

رشد شناختی نوجوان:

تغییر کیفی: برای اولین بار در این دوره تفکر فرضی شکل می‌گیرد، یعنی در پیش‌بینی یک موقعیت از **احتمال‌های مختلف** بهره می‌برند، در حالی که در دورهٔ کودکی مبنای استدلال واقعیت‌های ملموس و بیرونی است.

تغییر کمی: توجه نوجوانان نسبت به کودکان **گزینشی‌تر** است؛ در نتیجه بر اطلاعات مرتبط بهتر متمرکز می‌شوند و با ضرورت‌های تکلیف مورد نظر بهتر سازگار می‌شوند.

تغییر کمی: نوجوانان بهتر از کودکان قادر به رمزگردانی، اندوزش و بازیابی اطلاعات هستند.

تغییر کیفی: نوجوانان به دنبال راه‌های تقویت حافظهٔ خود هستند. به این نوع مهارت‌آموزی **فراحافظه** می‌گویند.

تغییر کیفی: نوجوانان برخلاف کودکان قادر به ظرفیت‌سازی حافظهٔ خود هستند.

تغییر کیفی: نوجوانان برخلاف کودکان قادر به نظارت، ارزیابی و تغییر جهت تفکر لحظه‌به‌لحظه هستند، در حالی که کودکان بر استدلال‌ها، قضاوت‌ها و تصمیم‌هایشان اشراف ندارند.

تغییر کمی: سرعت تفکر در دورهٔ نوجوانی افزایش می‌یابد؛ در نتیجه در یک لحظه اطلاعات بیشتری در حافظهٔ آن‌ها نگه داشته می‌شود.

تغییر کیفی: سبک پردازش کودکان ادراکی و سبک پردازش نوجوانان **غالباً مفهومی** است.

توانایی‌های شناختی نوجوانان در مقایسه با کودکان رشدیافته‌تر است، اما نوجوانان در به‌کارگیری این توانایی‌ها پختگی لازم را ندارند، پس این تغییرات موجب پیامدهای ناسازگارانه‌ای است.

پیامد تغییرات شناختی	توصیه
حساسیت نسبت به انتقاد دیگران	در حضور دیگران از نوجوانان عیب‌جویی نشود.
احساس منحصربه‌فردبودن اغراق‌آمیز	ویژگی‌های منحصربه‌فرد نوجوانان پذیرفته شود تا در زمان مناسب دیدگاه متعادل‌تری ایجاد شود.
آرمان‌گرایی و عیب‌جویی	نوجوانان نیاز به کمک دارند تا دریابند جوامع و افراد، آمیزه‌ای از محاسن و معایب هستند.
مشکل در تصمیم‌گیری روزمره	به جای نوجوانان تصمیم‌گیری نشود. تصمیم‌گیری کارآمد، الگوی تصمیم‌گیری نوجوانان باشد.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): پردازش غالب کودکان، ادراکی است؛ یعنی تا ۴، ۵ سالگی پردازش آن‌ها تنها ادراکی است و از سنین بعد توانایی پردازش مفهومی را نیز پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، پردازش غالب نوجوانان مفهومی است، یعنی در اکثر اوقات آن‌ها به صورت مفهومی پردازش می‌کنند. با این توضیحات ممکن است آراد که پردازش ادراکی کرده، یعنی صرفاً به ویژگی‌های ظاهری توجه کرده، کودک یا نوجوان باشد.

گزینهٔ (۲): در نظر گرفتن احتمالات بالقوه که هنوز اتفاق نیفتاده‌اند، تفکر فرضی نام دارد و مختص دورهٔ نوجوانی است.

گزینهٔ (۳): محمدطاها بر روی درست‌کردن پازل تمرکز کرده است؛ هم کودکان و هم نوجوانان توانایی تمرکز بر محرک‌های هدف خود را دارند و این توانایی، یعنی توجه گزینشی، تنها در دورهٔ نوجوانی ارتقا پیدا می‌کند.

گزینهٔ (۴): یکی از تفاوت‌های مهم دورهٔ نوجوانی با دورهٔ کودکی این است که نوجوانان به دنبال چگونگی تقویت حافظهٔ خود هستند؛ یعنی دغدغهٔ ارتقای حافظهٔ خود را دارند. این تلاش در کودکی وجود ندارد. با توجه به بی‌علاقگی آروین به ارتقای حافظهٔ خود، او قطعاً در دورهٔ کودکی به سر می‌برد.

کنکور

کدام مورد در خصوص ایلیای ۱۵ساله و رادین ۸ساله، درست است؟ *(سؤال ۶۸ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

۱) ایلیا علی‌رغم نظارت بر روند تفکر خود، به نظرات دیگران حساس بوده و تحمل کمی در شنیدن انتقادها دارد.

۲) رادین معمولاً از لحاظ هیجانی و احساسی تحریک‌پذیر و بی‌ثبات است و از همه‌چیز انتقاد و عیب‌جویی می‌کند.

۳) ایلیا در انجام فعالیت‌های روزمره‌اش، به دلیل توجه به احتمالات و شرایط پیش‌بینی‌نشده، دارای توجه پراکنده است.

۴) رادین این توانایی را دارد که اطلاعات را به صورت کلی و خلاصه‌شده، رمزگردانی کرده و در موقع لزوم آن را به کار گیرد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۳ **کدام گزینه در رابطه با ویژگی‌های رشد در دورهٔ نوجوانی، درست است؟**

۱) نوجوانان نسبت به رفتارهای دیگران حساس‌اند و از آن‌ها عصبانی می‌شوند، به‌خصوص در رابطه با رفتارهای خواهر و برادرهایشان حساس‌اند.

۲) در دورهٔ نوجوانی، تغییرات جسمانی، زیربنای تغییرات هیجانی و تغییرات شناختی، زیربنای تغییرات اخلاقی آدمی هستند.

۳) اگر ارزش‌ها، باورها و عقاید هر فرد منجر به رشد شناختی او شوند، می‌توان انتظار داشت که این رشد شناختی به رشد اخلاقی منتهی شود.

۴) والدین می‌بایست بپذیرند که در دورهٔ نوجوانی، موقتاً فرزندشان از آن‌ها فاصله می‌گیرد و تمایل زیادی به برقراری تعامل با آن‌ها ندارد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

رشد اجتماعی نوجوان:

گرایش به گروه همسالان **بیش از سابق** می‌شود. این گرایش به معنی عدم علاقه برای ارتباط با خانواده نیست.

هویت:

دستیابی به هویت یکی از تغییرات در **رشد اجتماعی** است.

هویت، پاسخ به سؤال «من کیستم؟» است. نحوهٔ پاسخ نوجوان به این سؤالات بر نوع تصمیم‌گیری او مؤثر است.

هویت همان **تمایزی** است که **فرد بین خود و دیگران** می‌گذارد. هویت طرز فکر، عقاید و نحوهٔ ارتباط فرد با دیگران را شامل می‌شود.

رشد هیجانی نوجوان:

به دلیل **تغییرات فیزیولوژیکی و هورمونی** در دورهٔ نوجوانی تحریک‌پذیری نوجوانان افزایش می‌یابد و حالات هیجانی آنان به سرعت تغییر می‌کند. نوجوانان **تحریک‌پذیر** هستند و در هیجانات و احساساتشان **بی‌ثبات** هستند.

هیجانات منبع رفتارهای مثبت و سازنده هستند و در صورت هدایت‌نشدن و به‌کارگیری غلط آن‌ها منجر به رفتارهای مخرب و پرخطر می‌شوند؛ بنابراین لازم است نوجوان مهارت‌هایی مانند کنترل خشم و ورزش‌کردن را بیاموزد تا هیجان‌های خود را در جهت صحیح به کار بگیرد.

رشد درک اخلاقی نوجوان:

تحول اخلاقی و ارزشی در نوجوانی بیش از هر دورهٔ دیگری است.

رشد سریع شناختی موجب می‌شود نوجوان بهتر بتواند دربارهٔ مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد. هر چند رشد درک اخلاقی به شکل‌گیری سایر عناصر شناخت **وابسته** است، اما برای این‌که شناخت به اخلاق منتهی شود، باید به **عقاید و باورها و ارزش‌های فرد** تبدیل شود.

به سبب **بسترِ روابط اجتماعی بیشتر و بروز احساس خودمختاری و استقلال نسبت به خانواده**، نوجوان با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر درگیر می‌شود و زمینه‌های رشد اخلاقی در نوجوان افزایش می‌یابد.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ نوجوانان به خصوص نسبت به رفتار بزرگ‌ترها حساس‌اند و بیشتر از دست آن‌ها عصبانی می‌شوند، نه خواهر و برادرهایشان.

گزینهٔ (۲): درست؛ به دلیل تغییرات فیزیولوژیکی و هورمونی (رشد جسمانی) در دورهٔ نوجوانی، تحریک‌پذیری نوجوانان افزایش پیدا می‌کند و حالات هیجانی آنان به سرعت تغییر می‌کند. (رشد هیجانی) از طرف دیگر رشد سریع شناختی در دورهٔ نوجوانی باعث می‌شود فرد بهتر بتواند دربارهٔ مسائل اخلاقی قضاوت کند.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ رابطهٔ توصیف‌شده برعکس است، برای آن‌که شناخت به اخلاق منتهی شود لازم است به باورها و عقاید و ارزش‌های فرد تبدیل شود.

گزینهٔ (۴): نادرست؛ افزایش علاقهٔ نوجوانان به تعامل با همسالانشان به معنای آن نیست که نوجوان به ارتباط با والدینش تمایل و علاقه‌ای ندارد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۴ درست یا نادرست بودن هر یک از عبارت‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- **شروع به صحبت کردن کودکان، تغییری کیفی و افزایش دایرهٔ واژگان آن‌ها، تغییری کمّی است.**
- **عمر آدمی به سه دورهٔ اصلی و هفت زیردوره تقسیم می‌شود.**
- **به دلیل پیوستگی رشد، امروزه اکثر روان‌شناسان به رشد پیوسته اعتقاد دارند.**
- **مطابق با نظر اسلام می‌بایست در هفت سال دوم زندگی عواطف و احساسات فرزند رشد داده شود.**

۱) درست ـ نادرست ـ نادرست ـ نادرست

۲) نادرست ـ درست ـ درست ـ نادرست

۳) درست ـ نادرست ـ نادرست ـ درست

۴) نادرست ـ درست ـ درست ـ درست

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

رویکردهای بررسی روان‌شناسی رشد: برای بررسی رشد دو رویکرد مرحله‌ای و پیوسته وجود دارد. رشد انسان را نمی‌توان به راحتی به مراحل مشخص تقسیم کرد، اما امروزه اکثر روان‌شناسان به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند. تفکیک این مراحل گاه با نشانه‌های زیستی یا روان‌شناختی و گاه با عدد سنی مشخص می‌شود.

انواع تغییرات در مسیر رشد: تغییرات در مسیر رشد می‌توانند **کمی** و یا **کیفی** و اساسی باشند.

مثال در تمامی سنین آدمی دارای میزانی از وزن و میزانی از قد است و تنها در بازه‌های سنی مختلف کمیت و عدد این مؤلفه‌ها تغییر می‌کند؛ پس تغییرات قد و وزن تغییراتی کمی هستند.

مثال آدمی در تمامی سنین توانایی تولیدمثل ندارد و با شروع بلوغ جنسی این توانایی را پیدا می‌کند. به دست آوردن توانایی تولیدمثل، تغییری ماهوی برای فرد بوده و مصداق تغییر هیچ کمیتی نیست؛ پس به دست آوردن توانایی تولیدمثل، تغییری کیفی و اساسی است.

مراحل رشد بعد از تولد:

	دورهٔ زندگی	دامنهٔ سنی (نشانهٔ زیستی ـ روان‌شناختی)
کودکی (۰ تا ۱۲سالگی)	طفولیت	دو سال اول زندگی
	کودکی اول (قبل از دبستان)	۲ تا ۷ سال (کودکان ۱ تا ۳ساله که تازه راه می‌افتند، نوپا نامیده می‌شوند.)
	کودکی دوم (دبستان)	۷ تا ۱۲ سال (تا شروع بلوغ جنسی)
نوجوانی	نوجوانی (دبیرستان)	۱۲ تا ۲۰سالگی (پایان با مشغول‌شدن فرد به کار و استقلال از خانواده)
بزرگسالی	جوانی (بزرگسالی اول)	۲۰ تا ۴۰سالگی
	میان‌سالی (بزرگسالی دوم)	۴۰ تا ۶۵سالگی
	پیری	۶۵ سال به بالا

مراحل رشد در اسلام براساس حدیث پیامبر اسلام (ص):

- **هفت سال اول:** آقا و سرور (سید)

باید آزاد باشد تا بازی کند.

باید عواطف و احساسات صحیح او رشد داده شود و با رفتار خوب و گفتار پسندیده او را پرورش داد.

باید بدون توقع از اطاعت او، سعی کرد با عمل و گفتار صحیح از حس تقلیدش بهره گرفت.

هفت سال دوم: فرمانبردار (عبد)

کم‌کم باید زیبایی‌ها و زشتی‌ها را به او فهماند.

باید در تأدیب او کوشید و او را به ارزش‌ها و دوری از زشتی‌ها رهنمون ساخت.

هفت سال سوم: وزیر و مشاور

با او باید به منزلهٔ مشاور رفتار کرد.

نباید با او به صورت آمرانه رفتار شود.

باید فرد را چون عضو بزرگ خانواده دانست و مانند دیگران او را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داد.

تطبیق مراحل رشد:

	اسلام	روان‌شناسی
۰ ـ ۷	سید	طفولیت و کودکی اول
۷ ـ ۱۴	عبد	کودکی دوم
۱۴ ـ ۲۱	وزیر	نوجوانی

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی عبارت‌ها:

عبارت اول: درست، یکی از مصادیق تغییرات کیفی در مسیر رشد پدیدآیی مهارتی است که پیش‌تر وجود نداشته است، مانند زبان باز کردن کودکان. تغییرات کمّی در مسیر رشد آن دسته از تغییرات هستند که می‌توان آن‌ها را با عدد مشخص کرد، مانند تعداد واژه‌ای که کودک بلد است یا همان دایرهٔ واژگان او.

عبارت دوم: نادرست، عمر آدمی بعد از تولد به سه دورهٔ کودکی، نوجوانی و بزرگسالی تقسیم می‌شود. پیش از تولد (دورهٔ جنینی) نیز یکی از مراحل رشد آدمی است.

عبارت سوم: نادرست، امروزه اکثر روان‌شناسان رشد، به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند.

عبارت چهارم: نادرست، براساس حدیث پیامبر (ص) در هفت سال نخست زندگی است که می‌بایست عواطف و احساسات صحیح فرزند رشد داده شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۵ کدام‌یک از موضوعات زیر از مفاهیمی نیست که در روان‌شناسی رشد مطالعه می‌شود؟

الف) تغییراتی که فرد در مقایسه با خود در سنین مختلف کرده است.

ب) شباهت‌هایی که فرد با دیگر اعضای خانواده یا جامعه دارد.

ج) تغییراتی که فرد در سال‌های پیش‌رِوی زندگی خود تجربه خواهد کرد.

د) شباهت‌هایی که فرد با دیگر اعضای خانواده یا جامعه خواهد داشت.

۱) «الف» و «ج»
۲) «ب» و «د»
۳) فقط «د»
۴) فقط «الف»

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

روان‌شناسی رشد: شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که تلاش می‌کند تغییراتی را که در طول زندگی، **از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ** (فراخنای زندگی)، در آدمی رخ می‌دهد مطالعه می‌کند.

هدف روان‌شناسی رشد شناسایی و پیش‌بینی تغییرات در طول فراخنای زندگی است.

شباهت‌های فرد با دیگران و تفاوت‌های فرد با خود در سنین و در مراحل و شرایط مختلف زندگی از موضوعات روان‌شناسی رشد است.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

در روان‌شناسی رشد شباهت‌ها و تفاوت‌های فرد با دیگر اعضای خانواده بررسی می‌شود. هم‌چنین با توجه به اهمیت عوامل وراثتی می‌توان ویژگی‌های فرد را در سال‌های پیش‌رِوی زندگی خود مطالعه کرد. در نهایت تغییراتی که فرد در مقایسه با گذشتهٔ خود تجربه کرده یا پیش‌بینی تغییرات او در سال‌های پیش‌رِوی زندگی موضوع مورد مطالعهٔ این علم است. تنها پیش‌بینی شباهت‌های فرد با دیگر اعضای جامعه در آینده موضوع مورد مطالعهٔ علم روان‌شناسی رشد نیست.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

● عيّن الأنسب في الجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربيّة (٤٦ ـ ٥٢ :

۴۶ ﴿و الآخِرة خير و أبقىٰ﴾:

۱) آخرت بهتر و ماندگارتر است!

۲) آخرت است خوب و ماندگار!

۳) آخرت خوب‌تر و ماندگار می‌باشد!

۴) آخرت خوب و ماندگارتر می‌باشد!

مشاوره در آزمون‌ها غالباً سؤال اول عربی یکی از آیات قرآن داخل کتابه، پس حتماً از قبل معنای آیات رو با دقت یاد بگیرین چون گاهی ممکنه نکاتی داشته باشن که نیاز به بررسی‌شدن قبل از آزمون دارن.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

Hint اسم تفضیل چه‌جوری ترجمه می‌شه؟

درس Box به اسم‌هایی که بر یکی از وزن‌ها یا شکل‌های «**أفعَل، فُعلی، أفَلّ، أفعیٰ**» باشند و به همراه «**تَر/ تَرین**» ترجمه شوند، اسم تفضیل می‌گوییم.

مثال «أکبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»/ «کُبری: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»/ «أقَلّ: کم‌تر، کم‌ترین»/ «أقوی: قوی‌تر، قوی‌ترین»

نکته کلمات «خَیر» و «شَرّ» اگر به معنی «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» باشند، اسم تفضیل هستند!

مثال «خیرُ النّاس أصدَقُهُم.»: بهترین مردم، راستگوترین آن‌هاست.

در این عبارت، «خَیر» و «أصدَق» اسم تفضیل هستند.

در این تست، کلمات «**خیر**» و «**أبقی**» اسم تفضیل هستند، در نتیجه آن‌ها را به شکل «بهتر» و «ماندگارتر» ترجمه می‌کنیم.

کلمات مهم: «خیر»: بهتر/ «أبقی»: ماندگارتر

پاسخ خیلی تشریحی ✔

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): خوب («خیر» در این عبارت اسم تفضیل و به معنی «بهتر» است.) ـ ماندگار («أبقی» اسم تفضیل است، بنابراین باید همراه «تر/ ترین» ترجمه شود. در این عبارت، «ماندگارتر» درست است.)

گزینهٔ (۳): ماندگار (مانند گزینهٔ (۲))

گزینهٔ (۴): خوب (مانند گزینهٔ (۲))

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۷ «إنّ سوء الخلُق يُمرّر العيش على المرء و مَن حوله ولكنْ قد يعذِّب نفس الشخص في البداية!»:

۱) همانا بدرفتاری زندگی را بر انسان و کسی که پیرامونش است سخت می‌کند، اما قطعاً در ابتدا خودِ شخص را عذاب می‌دهد!

۲) بدبودن رفتار زندگی انسان و کسانی که پیرامونش هستند را تلخ می‌کند و در ابتدا خودِ شخص را عذاب می‌دهد!

۳) بداخلاقی شاید زندگی را بر انسان و کسی که پیرامونش است تلخ کند ولیکن در ابتدا خودِ شخص عذاب می‌بیند!

۴) بداخلاقی زندگی را بر انسان و کسانی که پیرامونش هستند تلخ می‌نماید، ولی گاهی در ابتدا خودِ شخص را عذاب می‌دهد!

مشاوره در سؤالات ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و رد گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینهٔ صحیح مشخص بشه.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

Hint حواست به کلمهٔ «قد» باشه.

درس Box

۱) می‌توان کلمهٔ «إنّ» را در عبارتی که آیهٔ قرآن نیست، ترجمه نکرد. مثلاً در این تست، ترجمه نشدن کلمهٔ «إنّ» ایرادی ندارد.

۲) «قد» در ساختار «قد+ مضارع» معادل «گاهی» یا «شاید» (ممکن است) می‌باشد.

مثال يَيأَسُ ← ناامید می‌شود/ قد يَيأَسُ ← گاهی ناامید می‌شود/ شاید ناامید شود.

در این تست، فعل «قد يعذِّب» یعنی «گاهی عذاب می‌دهد» یا «شاید عذاب دهد».

کلمات مهم: «سوء الخلق»: بداخلاقی/ «يُمرّر»: تلخ می‌نماید/ «العيش»: زندگی/ «على المرء»: بر انسان/ «مَن حوله»: کسانی که پیرامونش هستند/ «ولكن»: ولی، امّا/ «قد يعذِّب»: گاهی عذاب می‌دهد/ «نفس الشخص»: خود شخص/ «في البداية»: در ابتدا

پاسخ خیلی تشریحی

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): قطعاً («قد» در «قد يعذِّب» به معنی «گاهی، شاید» است نه «قطعاً».) ـ سخت می‌کند (تلخ می‌کند)

گزینهٔ (۲): زندگی انسان («العيش على المرء ...» یعنی «زندگی را بر انسان ...». در واقع حرف «على: بر» ترجمه نشده است.) ـ «قد» در «قد يعذِّب» به معنی «گاهی، شاید» است، اما در این گزینه اصلاً ترجمه نشده است ـ و (ولی)

گزینهٔ (۳): شاید ... تلخ کند («قد» در «قد يعذِّب» به معنی «گاهی، شاید» است، ولی در این گزینه، کلمهٔ «شاید» در کنار فعل «يُمرّر» ترجمه شده است.) ـ عذاب می‌بیند («يعذِّب» فعل مضارع معلوم و متعدی است نه مجهول یا لازم، چون اگر مجهول بود، دومین حرف اصلی آن فتحه می‌گرفت نه کسره و در نتیجه به شکل «يعذَّب» نوشته می‌شد، بنابراین «يعذِّب» یعنی «عذاب می‌دهد».)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۴۸ «لأكثر الشُّعراء الّذين قرأتُ أشعارهم أشعارٌ سُمِّيت بالملمّع و هي الأبيات الّتي أُنشِدت ممزوجة بالعربيّة و الفارسيّة!»:

۱) اکثر شاعرانی که شعرهایشان را خواندم، اشعار دیگری دارند که ملمع نامیده شده‌اند و آن‌ها ابیاتی‌اند که مملو از عربی و فارسی سروده شده‌اند!

۲) شاعرانی که بیشتر اشعارشان را خوانده‌ام، شعرهایی دارند که ملمع نامیده شده‌اند، همان ابیاتی که آمیخته به عربی و فارسی سروده‌اند!

۳) بیشتر شاعرانی که شعرهایشان را خوانده‌ام، اشعاری دارند که ملمع نامیده شده‌اند و آن‌ها ابیاتی‌اند که آمیخته به عربی و فارسی سروده شده‌اند!

۴) بسیاری از شاعرانی که اشعار آن‌ها را خوانده‌ام، شعرهایی به نام ملمع دارند، ابیاتی که آمیخته به عربی و فارسی سروده‌اند!

مشاوره در سؤالات ترجمهٔ تک‌عبارتی بهتره ابتدا گزینه‌ها رو به شکل عمودی با هم مقایسه کنین و بعد از این‌که یک تفاوت بین گزینه‌ها پیدا کردین به سراغ معادل عربی اون کلمه رفته و رد گزینه کنین، سپس این کار رو با سایر گزینه‌ها ادامه بدین تا زمانی که گزینهٔ صحیح مشخص بشه.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمجموعهٔ: درس ۲

Hint به مجهول یا معلوم بودن فعل‌ها دقت کن.

درس Box

۱) در تست‌های ترجمه برای تفاوت معنای «کثیر، کثیرٌ مِن، أکثر» اهمیت زیادی قائل باشید. به مثال‌های زیر به خوبی توجه کنید.

الف) «کُتُب کثیرة»:

کتاب‌های بسیاری ✓ بسیاری از کتاب‌ها ✗ بیشتر کتاب‌ها ✗

ب) «کثیر مِن الکُتُب»:

بسیاری از کتاب‌ها ✓ کتاب‌های بسیاری ✗ بیشتر کتاب‌ها ✗

ج) «أکثر الکُتُب»:

بیشتر کتاب‌ها ✓ بسیاری از کتاب‌ها ✗ کتاب‌های بسیاری ✗

۲) معمولاً فعل‌های ماضی ساده را می‌توان به شکل ماضی نقلی نیز ترجمه کرد، بنابراین در این تست، فعل «قرأتُ» هم به شکل «خواندم» ترجمه می‌شود و هم «خوانده‌ام».

۳) در تست‌های ترجمه، شناخت فعل‌های مجهول اهمیت زیادی دارد. برای تشخیص فعل مجهول باید به شیوهٔ زیر عمل کنیم:

الف) اگر ابتدای فعل ماضی ضمّه (ـُ) و عین‌الفعل کسره (ـِ) داشته باشد مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «أُنتِجَ»: تولید شد

ب) اگر ابتدای فعل مضارع ضمّه (ـُ) داشته باشد و عین‌الفعل فتحه (ـَ) داشته باشد مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «تُنتَجُ»: تولید می‌شود

در این تست، فعل‌های «سُمِّیت» و «أُنشِدت» ماضی مجهول هستند، در نتیجه به شکل «نامیده شده‌اند» و «سروده شده‌اند» ترجمه می‌شوند.

کلمات مهم: «لِـ»: دارند/ «أکثر الشعراء الّذین»: بیشتر شاعرانی که/ «قرأتُ»: خوانده‌ام/ «أشعارهم»: شعرهایشان/ «سُمِّیت بالملمّع»: ملمع نامیده شده‌اند/ «الأبیات الّتي»: ابیاتی که/ «أُنشِدت»: سروده شده‌اند/ «ممزوجة بالعربیّة و الفارسیّة»: آمیخته به عربی و فارسی

پاسخ خیلی تشریحی ✓

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اشعار دیگری («دیگری» اضافی است.) ـ مملو (این کلمه به معنی «پُر» است و معادل «ممزوجة: آمیخته، مخلوط» نیست.)

گزینهٔ (۲): بیشتر اشعارشان («أکثر الشعراء» یعنی «بیشتر شاعران». «بیشتر اشعارشان» ترجمهٔ «أکثر أشعارهم» است که در صورت سؤال، چنین ترکیبی نداریم.) ـ سروده‌اند («أُنشِدت» ماضی مجهول است، ولی «سروده‌اند» معلوم است.)

گزینهٔ (۴): بسیاری از (معادل «کثیرٌ مِن» است نه «أکثر: بیشتر».) ـ به نام («سُمِّیت» فعل است و چون ماضی مجهول است به شکل «نامیده شده‌اند» ترجمه می‌شود.) ـ سروده‌اند (مانند گزینهٔ (۲))

۴۹ عيّن الصحيح:

۱) ما أصعب أن يكون الحبيب نجاة و بلاء في وقت واحد!: چه دشوار است که دوست در آنِ واحد رهایی و بلا شود!

۲) ما وجدنا حُبّاً خالصاً إلّا و كانت معه ملامة الناس!: دوست‌داشتنی خالص را نیافتیم، مگر این‌که همراهش سرزنش مردم بود!

۳) كثُرت دموعُ العين حتّى صارت أصدق من كلّ علامةٍ!: اشک چشم‌ها زیاد شدند تا این‌که از هر نشانه‌ای صادقانه‌تر گردیدند!

۴) دَعْ من الذكريات ما يُرضي عداتك!: از خاطرات رها کن آن‌چه را که دشمنانت بدان خشنود می‌شوند!

مشاوره برای حل‌کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز دارین، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین‌کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بذارین! این تست‌ها کمی وقت‌گیرن، ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتون رو بگیرن!
یک نکتهٔ مهم در حل این تست‌ها اینه که فقط باید به دنبال رد گزینه‌های غلط باشین و تا زمانی که سه گزینهٔ غلط رد نشده پاسخ صحیح رو انتخاب نکنین!

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

Hint سریعا ترجمهٔ تمام کلمات رو بررسی کن!

درس Box به تفاوت دو فعل زیر بسیار دقت کنید:

ماضی	مضارع	مصدر
رَضِيَ (خشنود شد)	يَرضى (خشنود می‌شود)	رِضايَة (خشنودشدن)
أرْضَى (خشنود کرد)	يُرْضي (خشنود می‌کند)	إرضاء (خشنودکردن)

کلمات مهم: «ما أصعبَ»: چه دشوار است (ما أفعَلَ ← ساختار تعجب)/ «أن يكون»: که باشد/ «الحبيب»: دوست/ «نجاة و بلاء»: رهایی و بلا/ «في وقت واحد»: در آنِ واحد/ «ما وجدنا»: نیافتیم/ «حُبّاً خالصاً»: دوست‌داشتنی خالص/ «إلّا»: مگر این‌که/ «كانت معه»: همراهش بود/ «ملامة الناس»: سرزنش مردم/ «كثُرت»: زیاد شدند»/ «دموعُ العين»: اشک‌های چشم/ «حتّى صارتْ»: تا این‌که گردیدند/ «أصدق»: صادقانه‌تر/ «من كلّ علامة»: از هر نشانه‌ای/ «دَعْ»: رها کن/ «من الذكريات»: از خاطرات/ «ما»: آن‌چه که/ «يُرضي»: خشنود می‌کند/ «عُداتك»: دشمنانت

پاسخ خیلی تشریحی ✔

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): شود («أن يكون» یعنی «که باشد».)

گزینهٔ (۳): اشک چشم‌ها (اوّلاً «دموعُ» جمع است نه مفرد، ثانیاً «العين» مفرد است نه جمع.)

گزینهٔ (۴): بدان (اضافی است.) ـ خشنود می‌شوند («يُرضي» فعل معلوم و متعدی است نه مجهول یا لازم، بنابراین «خشنود می‌کند» درست است.)

ترجمهٔ صحیح گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): چه دشوار است که دوست در آنِ واحد رهایی و بلا باشد!

گزینهٔ (۳): اشک‌های چشم زیاد شدند تا این‌که از هر نشانه‌ای صادقانه‌تر گردیدند!

گزینهٔ (۴): از خاطرات رها کن آن‌چه را که دشمنانت را خشنود می‌کند!

۵۰ عيّن الخطأ:

۱) من شرب من كأس الصّبر ذاق بعده من كأس الكرامة!: هر کس از جام بردباری بنوشد، پس از آن از جام کرامت می‌چشد!

۲) أُجادل الّذي ضلّ عن طريق الحقّ بالطريقة الحسنى!: با کسی که از راه حق گمراه شده به شیوهٔ نیکوتر بحث می‌کنم!

۳) كان الأحمق عوقِبَ بالصّمت عنه!: احمق با سکوت در برابرش کیفر داده می‌شد!

۴) اِشْتهر لقمان بوصاياه الّتي ذُكرت في إحدى القِصص القرآنيّة!: لقمان مشهور شده با سفارش‌هایش که در یکی از قصه‌های قرآنی ذکر شده است!

مشاوره برای حل‌کردن این نوع تست‌ها به تمرین و تکرار زیادی نیاز دارین، پس حتماً قبل از آزمون‌ها برای تمرین‌کردن این مدل تست‌ها وقت کافی بذارین! این تست‌ها کمی وقت‌گیرن، ولی غالباً نباید بیشتر از یک دقیقه وقتتون رو بگیرن!
یک نکتهٔ بسیار مهم در حل این تست‌ها اینه که حتماً تمام گزینه‌ها رو بررسی کنین و اگه مثلاً در گزینهٔ (۱) خطایی پیدا کردین حتماً گزینه‌های دیگه رو نیز به سرعت بررسی کنین، زیرا گاهی خطای واضح‌تری در یک گزینه پیدا می‌کنیم و باید اون رو انتخاب کنیم.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

Hint سریعاً ترجمهٔ تمام کلمات رو بررسی کن!

درس Box

۱) کان + قَد + ماضی = کان + ماضی ← ماضی بعید

(ساختار ماضی بعید در فارسی ← بن ماضی + ـه + بود + شناسه ← رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند)

مثال «كان الطّالبُ سَمِعَ = كانَ الطّالبُ قَد سَمِعَ» ← دانش‌آموز شنیده بود

در گزینهٔ (۳) «كان عوقِبَ» یعنی «کیفر داده شده بود».

۲) در جملات شرطی (دارای «مَنْ: هرکس ـ ما: هرچه ـ إنْ: اگر ـ إذا: هرگاه») می‌توانیم معادل‌های فعل ماضی را به شکل مضارع هم ترجمه کنیم، اما اگر فعلی مضارع باشد، اجازه نداریم آن را به شکل ماضی ترجمه کنیم.

مثال «من حاوَلَ نَجَحَ.»: هر کس تلاش کرد موفق شد. ✓ هر کس تلاش کند موفق می‌شود. ✓

«من لم يُحاول فما نَجَحَ.»: هر کس تلاش نکرد موفق نشد. ✓ هر کس تلاش نکند موفق نمی‌شود. ✓

«من يُحاول ينجح.»: هر کس تلاش کرد موفق شد. ✗ هر کس تلاش کند موفق می‌شود. ✓

در گزینهٔ (۱) «شرب» و «ذاق» هر دو ماضی هستند، ولی چون جمله شرطی است مجازیم به شکل مضارع ترجمه‌شان کنیم.

کلمات مهم: «مَن شرب»: هر کس بنوشد/ «مِن كأس الصبر»: از جام بردباری/ «ذاق»: می‌چشد/ «بعده»: پس از آن/ «من كأس الكرامة»: از جام کرامت/ «أجادل»: بحث می‌کنم/ «الّذي»: کسی که/ «ضلّ»: گمراه شده/ «عن طريق الحقّ»: از راه حق/ «بالطريقة الحسنى»: به شیوهٔ نیکوتر/ «كان ... عوقِبَ»: کیفر داده شده بود/ «بالصمت عنه»: با سکوت در برابرش/ «اشتهر»: مشهور شده/ «بوصاياه الّتي»: با سفارش‌هایش که/ «ذُكرت»: ذکر شده است/ «في إحدى القصص القرآنيّة»: در یکی از قصّه‌های قرآنی

پاسخ خیلی تشریحی ✓ خطاهای این گزینه:

کیفر داده می‌شد («كان ... عوقِبَ» از «كان + ماضی» تشکیل شده است، در نتیجه معادل ماضی بعید است نه ماضی استمراری.)

ترجمهٔ صحیح:

احمق با سکوت در برابرش کیفر داده شده بود!

۵۱ «از این ارزان‌تر می‌خواهم، این قیمت‌ها گران‌اند!» عیّن الصحیح:

۱) أُریدُ رخیصاً من هذا، هذه أسعار غالیة!

۲) طلبتُ أرخص من هذه، هذا أسعار غالیة!

۳) أُریدُ رخیصاً من هذه الأسعار أغلی!

۴) أُریدُ أرخص من هذا، هذه الأسعار غالیة!

مشاوره در این مدل سؤالات به تفاوت گزینه‌ها مثل بودن یا نبودن ضمیر، جمع یا مفرد بودن کلمات، «ال» داشتن یا نداشتن اسم‌ها و ... خیلی دقت کنین!

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱

Hint حواست به اسم تفضیل باشه.

درس Box

۱) در ترجمهٔ اسم‌های تفضیل (أفعَل، فُعلی، أقَلّ، أفعی) بسته به شرایط جمله و جایگاه اسم تفضیل از «تر» یا «ترین» استفاده می‌کنیم.

مثال «کبیر: بزرگ» ← «أکبر/ کُبری: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»

«قَلیل: کم» ← «أقَلّ: کم‌تر، کم‌ترین»

در این تست، معادل «ارزان‌تر» کلمهٔ «أرخص» است نه «رخیصاً».

۲) وقتی ساختار «اسم اشاره + اسم بدون ال» داشته باشیم باید به نکات زیر توجه کنیم:

الف) این دو کلمه تشکیل یک جملهٔ اسمیهٔ کامل می‌دهند که در آن اسم اشاره، مبتدا و آن اسم بدون «ال» خبر است.

ب) در ترجمه، این دو کلمه نباید به شکل یک گروه اسمی ترجمه شوند و باید میان آن‌ها مکثی (ویرگول) داشته باشیم.

ج) از آن‌جا که اسم بدون «ال» خبر است باید آن را به شکل مسند فارسی در کنار فعل اسنادی «است/ هستند» ترجمه کنیم.

مثال «هذا طالبٌ»: این، دانش‌آموز است. ✓ این دانش‌آموز ... ✗

۳) وقتی ساختار «اسم اشاره + اسم «ال» دار» داشته باشیم باید به نکات زیر توجه کنیم:

الف) در ترجمه، این دو کلمه باید به شکل یک گروه اسمی ترجمه شوند و نباید میان آن‌ها مکثی (ویرگول) داشته باشیم.

ب) از آن‌جا که این ترکیب، یک جملهٔ کامل نیست در ترجمهٔ آن از فعل اسنادی «است/ هستند» استفاده نمی‌کنیم.

مثال «هذه الواقعة»: این اتفاق ✓ این، اتفاقی است ... ✗

تذکر: برای جمع‌های غیرانسان از «هؤلاء» و «أولئك» استفاده نمی‌کنیم، چون در زبان عربی برای جمع‌های غیرانسان همه‌چیز به شکل مفرد مؤنّث به کار می‌رود، بنابراین برای این اسم‌ها باید از «هذه» یا «تلك» استفاده کنیم.

مثال این کتاب‌ها ← «هؤلاء الکُتُب» ✗ «هذه الکُتُب» ✓ («الکُتُب»، جمع غیرانسان است، پس برایش اسم اشارهٔ مفرد «مؤنّث» می‌آوریم!)

آن درختان ← «أولئك الأشجار» ✗ «تلك الأشجار» ✓ («الأشجار» جمع غیرانسان است، پس برایش اسم اشارهٔ مفرد مؤنّث می‌آوریم!)

در گزینهٔ (۲) برای «أسعار» که یک جمع غیرانسان است باید از «هذه» استفاده می‌شد نه «هذا».

کلمات مهم: از این: «من هذا»/ ارزان‌تر: «أرخص»/ می‌خواهم: «أریدُ»/ این قیمت‌ها: «هذه الأسعار»/ گران: «غالیة»

پاسخ خیلی تشریحی ✓

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): رخیصاً (به معنی «ارزان» است. «ارزان‌تر» معادل یک اسم تفضیل است، ولی «رخیصاً» اسم تفضیل نیست.) هذه أسعار غالیة (این عبارت یعنی «این‌ها، قیمت‌های گرانی هستند.» در «این قیمت‌ها ...» یک گروه اسمی داریم، در نتیجه «هذه الأسعار» صحیح است نه «هذه أسعار».)

گزینهٔ (۲): طلبتُ (فعل ماضی و به معنی «خواستم» است نه «می‌خواهم».) ـ هذا أسعار... («أسعار» جمع غیرانسان است، بنابراین باید برایش اسم اشارهٔ مفرد مؤنّث (هذه) را بیاوریم و خود «أسعار» با «ال» بیاید.)

گزینهٔ (۳): رخیصاً (مانند گزینهٔ (۱)) ـ من هذه الأسعار (در این عبارت به دو اسم اشاره نیاز داریم، ولی در این گزینه فقط یک اسم اشاره به کار رفته است.) ـ أغْلیٰ (غالیة)

۵۲ عيّن المناسب للمفهوم:

۱) وجدتَ رائحة الودّ إن شممتَ رفاتي!: چه خوش است بوی عشق از نفس نیازمندان/ دل از انتظار خونین دهن از امید خندان

۲) خير من الخير فاعله!: چو نیکی کنی، نیکی آید برَت

۳) شرّ الناس ذوالوجهين!: واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

۴) حسن الخلق نصف الدين!: ز اخلاق بزرگان هیچ خلقی/ بِه از احسان بی‌منت نباشد

مشاوره سؤالات مفهوم غالباً بدون تغییر از جملات کتاب درسی طرح می‌شن، پس باید از قبل بررسی شده باشن!

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

Hint دنبال بیتی بگرد که با مفهوم عبارت عربی تناسب داشته باشه.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی مفهوم گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): اگر خاک قبر مرا ببویی، بوی دوستی و محبت را می‌یابی؛ یعنی وفاداری و محبت عمیق.

بیت: نامرتبط

این بیت بیشتر دربارهٔ عشق، نیاز و امید است و مفهوم مشخص «محبت و وفاداری نهفته در وجود شخص» را که جملهٔ عربی بیان می‌کند، منتقل نمی‌کند.

گزینهٔ (۲): بهتر از خوبی، انجام‌دهنده‌اش است؛ یعنی ارزش و فضیلتِ نیکی‌کننده.

بیت: نامرتبط

این بیت مفهوم پاداش نیکی و بازگشت نیکی به نیکوکار را دارد، نه برتری و فضیلت «فاعل نیکی» نسبت به خودِ نیکی.

گزینهٔ (۳): بدترین مردم، انسان دورو است. (مفرده)

بیت: درست

بیت حافظ، دورویی و دوگانگی رفتار در ظاهر و خلوت را نکوهش می‌کند؛ بنابراین دقیقاً با مفهوم «دورویی» مطابقت دارد.

گزینهٔ (۴): خوش‌اخلاقی نیمی از دین است؛ یعنی اخلاق نیک و حسن رفتار اهمیت بسیار زیادی دارد.

بیت: نامرتبط

این بیت دربارهٔ احسان و نیکی بدون منت است، نه به طور مشخص خوش‌اخلاقی و جایگاه آن در دین.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

● اِقرأ النصّ التالي بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة (۵۳ ـ ۵۶ بما يناسب النصّ:

يُعَدُّ سعديّ الشيرازيّ من أعظم شعراء إيران الّذي اشتهر بحكمته و بلاغته و جمال أُسلوبه. فقد أَلّف كتابيْ «البُستان» و «الكُلِستان» و جعل فيهما مزيجاً من الحكم و القصص و التجارب الإنسانيّة و كان يرى أنّ الإنسان لا تكتمل قيمته إلّا بالأخلاق الفاضلة و الرحمة و العدل و التواضع. و قد أثّرت مؤلّفاته في آداب شعوب كثيرة و تُرجمت إلى لغات عديدة لأنّها تحمل معان إنسانيّة خالدة.

ترجمهٔ متن:

سعدی شیرازی از بزرگ‌ترین شاعران ایران به شمار می‌آید که به حکمت، فصاحت و زیبایی سبک و شیوهٔ نگارشش شهرت یافته است. او دو کتاب بوستان و گلستان را تألیف کرده است و در آن‌دو، آمیزه‌ای از حکمت‌ها، داستان‌ها و تجربه‌های انسانی را قرار داده است. و او بر این باور بود که ارزش انسان جز با اخلاق نیک، مهربانی، عدالت و فروتنی کامل نمی‌شود. و آثار او بر ادبیات ملت‌های بسیاری تأثیر گذاشته و به زبان‌های متعددی ترجمه شده‌اند؛ زیرا معانی انسانی جاودانه‌ای را در بردارند.

۵۳ عيّن الخطأ:

۱) سعديّ كان يعتقد أنّ المرء لا يُقاسُ بمظهره بل بسلوكه!

۲) قد اقتصرت شهرة سعديّ على بلاد قليلة!

۳) إنّ الأفكار الإنسانيّة قادرة على تجاوز حدود اللغة!

۴) كان الأدب عند سعدي وسيلة لنقل القِيم!

مشاوره در مورد حل سؤالات درک متن چند نکته رو در نظر داشته باشین:

۱) سؤالات درک متن رو در آخر سؤالات عربی جواب بدین.

۲) متن رو باید با دقت ولی با سرعت بخونین. این کار نیاز به تمرین و تکرار زیاد داره، خوندن نصف و نیمهٔ متن فایده‌ای نداره.

۳) توی متن و گزینه‌ها به کلماتی که معنای «هیچ، همه، گاهی، اصلاً، فقط، همیشه، بعضی، قطعاً، ممکنه ...» دارن، دقت کنین.

۴) در سؤالات درک مطلب برای تشخیص گزینهٔ صحیح یا خطا عجله نکنین و حتماً همهٔ گزینه‌ها رو بخونین سپس بهترین گزینه رو انتخاب کنین!

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

کلمات مهم: «يُعَدُّ»: به شمار می‌آید/ «أعظم»: بزرگ‌ترین/ «اشتهرَ بـ»: مشهور شد، شهرت یافت به/ «جمال أُسلوبه»: زیبایی سبک او/ «أَلّفَ»: تألیف کرد، نوشت/ «كتابَي»: دو کتاب/ «جعلَ»: قرار داد، گذاشت/ «مَزيج»: آمیزه، ترکیب/ «الحِكَم»: حکمت‌ها ← مفرد: حِكمة/ القصص: داستان‌ها ← مفرد: قِصّة/ «كان يَري»: بر این باور بود، عقیده داشت/ «تكتمل»: کامل می‌شود/ «قيمته»: ارزش او/ «أثّرَ في»: تأثیر گذاشت بر/ «مؤلّفات»: آثار، تألیفات/ «شعوب»: ملت‌ها، قوم‌ها ← مفرد: «شَعب»/ «لُغات»: زبان‌ها ← مفرد: «لُغة»/ «عديدة»: متعدد، بسیار/ «تحمل»: در بر دارد، حمل می‌کند/ «خالدة»: جاودانه، ماندگار

چند ترکیب مهم کل متن:

«من أعظم شعراء إيران»: از بزرگ‌ترین شاعران ایران

«اِشتهر بحكمته و بلاغته»: به حکمت و بلاغتش شهرت یافت

«مزيجاً من الحِكَم و القصص»: آمیزه‌ای از حکمت‌ها و داستان‌ها

«لا تكتمل قيمته إلّا بـ»: ... ارزش او جز با ... کامل نمی‌شود

«أثّرت مؤلّفاته في»: آثارش بر ... تأثیر گذاشت

«تُرجمت إلى لغات عديدة»: به زبان‌های متعددی ترجمه شد

«معان إنسانيّة خالدة»: معانی انسانی جاودانه‌ای

پاسخ خیلی تشریحی گزینهٔ نادرست را مشخص کن.

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): سعدی معتقد بود که انسان با ظاهرش سنجیده نمی‌شود، بلکه با رفتار و کردارش سنجیده می‌شود. ← متن می‌گوید: «کان یری أنّ الإنسان لا تکتمل قیمته إلّا بالأخلاق الفاضلة و الرحمة و العدل و التواضع.»

یعنی سعدی ارزش انسان را در **اخلاق، رحمت، عدالت و فروتنی** می‌دانست که این یعنی انسان با ظاهرش سنجیده نمی‌شود.

گزینهٔ (۲): شهرت سعدی به چند سرزمین محدود شده است! ← متن می‌گوید: «و قد أثّرت مؤلّفاته في آداب شعوب کثیرة و تُرجمت إلی لغات عدیدة.»

یعنی آثار سعدی بر **ادبیات ملت‌های بسیاری** تأثیر گذاشته و به **زبان‌های متعددی** ترجمه شده است.

بنابراین شهرت و تأثیر آثار او به چند سرزمین محدود نبوده است.

گزینهٔ (۳): اندیشه‌های انسانی می‌توانند از مرزهای زبان فراتر بروند. ← متن می‌گوید آثار سعدی به **زبان‌های متعددی** ترجمه شده‌اند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این مفاهیم انسانی قابلیت انتقال به زبان‌های مختلف را دارند و محدود به یک زبان نیستند.

گزینهٔ (۴): ادبیات نزد سعدی وسیله‌ای برای انتقال ارزش‌ها بود. ← متن می‌گوید سعدی در آثارش آمیزه‌ای از **حکمت‌ها، داستان‌ها و تجربه‌های انسانی** را قرار داده و بر **اخلاق نیکو، رحمت، عدالت و فروتنی** تأکید داشته است، بنابراین می‌توان استنباط کرد که آثار ادبی او وسیله‌ای برای بیان و انتقال ارزش‌های **اخلاقی و انسانی** بوده‌اند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۵۴ عيّن الصحيح:

۱) سعديّ أشهر شعراء إيران و أكبرهم أدباً و خُلقاً!

۲) بلاغة آثار سعديّ دليل على وجود الحكم فيها!

۳) إنّ الحكمة عند سعديّ محصورة في «البُستان» و «الكُلستان»!

۴) ما أصبح سعديّ خالداً بما قال بل بما بقي بعد قوله!

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔ گزینهٔ صحیح را مشخص کن.

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): سعدی مشهورترین شاعران ایران و از نظر ادبی و اخلاقی بزرگ‌ترینِ آنان بود! ← متن می‌گوید: «من أعظم شعراء إيران»، یعنی از بزرگ‌ترین شاعران ایران، نه این‌که مشهورترین و بزرگ‌ترینِ همهٔ شاعران ایران باشد.

تفاوت مهم:

«من أعظم»: از بزرگ‌ترین‌ها

«أعظمهم»: بزرگ‌ترین آن‌ها

پس این گزینه در ادعای خود اغراق کرده است.

گزینهٔ (۲): بلاغت آثار سعدی دلیلی بر وجود حکمت‌ها در آن‌هاست! ← متن دو ویژگی جداگانه بیان می‌کند: «اِشتهر بحكمته و بلاغته و جمال أُسلوبه.»

یعنی سعدی به **حکمت، بلاغت و زیبایی شیوهٔ نگارشش** شهرت داشت.

اما متن نمی‌گوید **بلاغت آثار او دلیل وجود حکمت در آن‌هاست.**

گزینهٔ (۳): حکمت نزد سعدی فقط به «بوستان» و «گلستان» محدود شده است! ← متن می‌گوید سعدی این دو کتاب را تألیف کرده و: «جعل فيهما مزيجاً من الحِكَم و القصص و التجارب الإنسانيّة.»

یعنی در این **دو کتاب** آمیزه‌ای از حکمت‌ها، داستان‌ها و تجربه‌های انسانی قرار داده است.

اما نمی‌گوید **حکمت سعدی فقط به این دو کتاب محدود است.** کلمهٔ «محصورة» نادرست است.

گزینهٔ (۴): سعدی به وسیلهٔ آن‌چه گفت جاودانه نشد، بلکه به وسیلهٔ آن‌چه پس از سخنش باقی ماند جاودانه شد. ← از نظر مفهومی، منظور گزینه این است که **ماندگاری سعدی به دلیل ماندگاربودن آثار و تأثیر آن‌هاست، نه صرفاً سخن‌گفتن او.**

متن در پایان می‌گوید: «و قد أثّرت مؤلّفاته في آداب شعوب كثيرة و تُرجمت إلى لغات عديدة لأنّها تحمل معان إنسانيّة خالدة.»

یعنی آثار او بر ادبیات ملت‌های بسیاری تأثیر گذاشته و به زبان‌های متعددی ترجمه شده‌اند؛ زیرا دارای **معانی انسانی جاودانه** هستند.

بنابراین ماندگاری سعدی به **آثار و میراث ادبی او و تأثیر ماندگار آن‌ها** مربوط است.

توشه ای برای موفقیت

● عيّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصّرفي (۵۵ و ۵۶ :

۵۵ «سعديّ ـ أعظَم ـ اِشتهر ـ ألَّف»:

۱) أعْظَم: اسم ـ مفرد مذكّر ـ اسم التفضيل ـ معرب/ مِن أعظم: جارّ و مجرور

۲) ألَّفَ: فعل ماضٍ ـ متعدٍّ ـ للمفرد الغائب ـ مزيد ثلاثي (مصدره على وزن «تفعيل») ـ مبني للمعلوم/ مفعوله المنصوب: كتابيْ

۳) اِشْتهرَ: فعل ماضٍ ـ مبني للمعلوم ـ للمفرد المذكّر الغائب ـ مزيد ثلاثي (حروفه الأصليّة: ش ت ه)/ مع فاعله جملة فعليّة

۴) سعديّ: اسم ـ مفرد مذكّر ـ معرب/ نائب فاعل و مرفوع

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً دقت کنین که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

Hint اول موارد سمت راست رو بررسی کن چون نیاز به بررسی جمله ندارن بعد اگه سؤال حل نشد، موارد سمت چپ رو بررسی کن!

پاسخ خیلی تشریحی خطای این گزینه:

حروفه الأصليّة: ش ت ه («اِشتَهَرَ» بر وزن «اِفتَعَلَ» است و حروف اصلی آن، «ش ه ر» است.)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۵۶ «تَکتملُ ـ مُؤلَّفات ـ کَثیرة ـ لُغات»:

۱) کَثیرَة: اسم ـ معرب ـ مؤنّث ـ علی وزن «فَعیلَة»/ صفة و منصوب بالتبعیّة

۲) لُغات: اسم ـ جمع سالم للمؤنّث ـ معرب/ مجرور بحرف الجرّ

۳) تَکتملُ: فعل مضارع ـ للغائبة ـ لازم ـ مبني للمعلوم ـ مزید ثلاثي (من باب افتعال)/ فاعله: قیمة

۴) مُؤلَّفات: اسم ـ جمع سالم ـ معرب/ فاعل و مرفوع بالضمّة

مشاوره در این مدل تست‌ها حتماً حتماً دقت کنین که صحیح رو می‌خواد یا خطا رو!!!

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

Hint اول موارد سمت راست رو بررسی کن چون نیازی به بررسی جمله ندارن بعد اگه سؤال حل نشد، موارد سمت چپ رو بررسی کن!

درس Box صفت برخلاف سایر نقش‌ها اعراب ثابتی ندارد و **تابع موصوف** است. یعنی مثلاً اگر موصوف، مرفوع باشد صفت هم باید مرفوع باشد.

مثال «أعرِفُ طَبیباً حاذِقاً. (پزشک ماهری را می‌شناسم!)

مفعول و منصوب (موصوف) — صفت و منصوب به تبعیت

پاسخ خیلی تشریحی خطای این گزینه:

منصوب («کثیرة» در «آداب شعوب کثیرة» صفت «شعوب» است و چون موصوف آن «شعوب» مضافٌ‌إلیه و مجرور است، آن هم به تبعیت، مجرور است نه منصوب.)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

● عيّن المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية (٥٧ ـ ٦٠ :

٥٧ عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

١) سَلِ المَصانِعَ رَكْباً تَهيمُ في الفَلَواتِ!

٢) تُعَدُّ حِكَمُ لُقْمان مِنْ أعْظَمِ الحِكَمِ وَ المَواعِظ!

٣) عَداوَةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَداقَةِ الجاهِلِ!

٤) لَهُ سَراويل أفْضَل وَلٰكِنَّ السِّعْر يَخْتَلَفُ حَسَبَ النَّوعيّات!

مشاوره در این تستها لازم نیست همهٔ حرکتها بررسی بشن و غالباً با بررسی چند گروه کلمهٔ خاص به پاسخ صحیح می‌رسیم، اما ممکن است گاهی تلفظ کلماتی مثل «النَّفط» یا «المَوعِظَة» که در فارسی به شکل متفاوتی به کار می‌رن هم مورد سؤال قرار بگیره.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

Hint ابتدا برو سراغ وزن فعل‌ها و مصدرهای مزید و حرکت نون در آخر جمع‌های مذکّر سالم و مثنّی! بعد به وزن اسم‌ها و در نهایت به فعل‌های مجهول دقت کن!

درس Box در تست‌های ضبط حرکات، تسلط به جدول باب‌های ثلاثی مزید از أوجب واجبات است.

جدول باب‌های ثلاثی مزید:

شماره	وزن ماضی	وزن مضارع	وزن امر	وزن مصدر (نام باب)
۱	أفْعَلَ	يُفْعِلُ	أفْعِلْ	إفْعال
۲	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعيل
۳	فاعَلَ	يُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة
۴	اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفتَعِلْ	اِفْتِعال
۵	اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعال
۶	تَفاعَلَ	يَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل
۷	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل
۸	اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفعِلُ	اِسْتَفعِلْ	اِسْتِفْعال

پاسخ خیلی تشریحی خطاهای این گزینه:

يَختَلَفُ (فعل مضارع باب «افتعال» بر وزن «يَفتَعِلُ» است نه «يَفتَعَلُ»، بنابراین «يَختَلِفُ» صحیح است نه «يَختَلَفُ».) ـ النُّوعيّات (تلفظ صحیح این کلمه، «النَّوعيّات» است.)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۵۸ عيّن اسم التفضيل يختلف محلّه الإعرابيّ:

۱) بعض الطيور تُهاجر في فصل الخريف من مكان إلى مكان آخر!

۲) اِشتريت قميصاً أبيض من أشهر متاجر أعرفها!

۳) أصدقاؤنا الأفاضل هم الّذين يُهدون إلينا عيوبنا!

۴) الحياة الدنيا فانية و الآخِرة هي الحياة الحقيقيّة!

مشاوره برای تعیین محل اعرابی کلمات حتماً باید به ترجمهٔ جمله توجه داشته باشین.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

Hint چک کن ببین در هر گزینه اسم تفضیل، چه نقشی داره و کدوم با بقیه فرق داره.

درس Box

۱) به اسم‌هایی که بر یکی از وزن‌های «**أفعَل، فُعلی، أفَلّ، أفعی**» باشند و به همراه «**تَر / تَرین**» ترجمه شوند، اسم تفضیل می‌گوییم.

مثال «أکبَر: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»/ «کُبری: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین»/ «أقَلّ: کم‌تر، کم‌ترین»/ «أقوی: قوی‌تر، قوی‌ترین»

نکته کلمات «خَیر» و «شَرّ» اگر به معنی «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» باشند، اسم تفضیل هستند، در غیر این صورت اسم تفضیل نیستند!

مثال «خیرُ النّاس أصدَقُهُم.»: بهترین مردم، راستگوترین آن‌هاست.

در این عبارت، «خَیر» و «أصدَق» اسم تفضیل هستند.

تذکر: رنگ‌ها و عیب‌هایی که بر وزن «أفعَل» هستند اسم تفضیل به شمار نمی‌آیند!

مثال «أحمر: قرمز» ← اسم تفضیل ✗/ «أبکم: لال» ← اسم تفضیل ✗

نکته جمع مکسّر اسم‌های تفضیل، غالباً بر وزن «أفاعِل» می‌آید.

مثال جمع «أکبَر» ← «أکابِر»/ جمع «أفضَل» ← «أفاضِل»

۲) تفاوت «آخَر» و «آخِر»:

	مادّة (حروف اصلی)	وزن	نوع مشتق	ترجمه	جمع	معنای جمع	مؤنّث
آخَر	آ خ ر	أفعَل	اسم تفضیل	دیگر، دیگری	آخَرون ـ آخَرین	دیگران	أُخرَی
آخِر	آ خ ر	فاعِل	اسم فاعل	پایان	آخِرون ـ آخِرین	آیندگان	آخِرة

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی نقش اسم تفضیل در هر گزینه:

گزینهٔ (۱): کلمهٔ «آخر» اسم تفضیل است که در ترکیب «مکان آخر: مکانی دیگر» نقش صفت را دارد.

گزینهٔ (۲): کلمهٔ «أشهر» اسم تفضیل است که در ترکیب «مِن أشهر» نقش مجرور به حرف جر را دارد. (دقت کنید که «أبیض: سفید» رنگ است، بنابراین اسم تفضیل نیست.)

گزینهٔ (۳): کلمهٔ «الأفاضل» (جمع مکسّر «الأفضل») اسم تفضیل است که در ترکیب «أصدقاؤنا الأفاضل: دوستان برتر ما» نقش صفت را دارد.

گزینهٔ (۴): کلمهٔ «الدنیا» اسم تفضیل است که در ترکیب «الحیاة الدنیا: زندگی دنیا» نقش صفت را دارد. (دقت کنید که هم «الحیاة» و هم «الدنیا» «ال» دارند، پس ترکیب وصفی داریم نه ترکیب اضافی!)

تذکر: دقت کنید که «الآخرة» اسم فاعل است نه اسم تفضیل.

بنابراین گزینهٔ (۲) درست است.

۵۹ عيّن ما فيه اسم التفضيل:

۱) قيل من قديم الزمان إنّ الانتظار أشدّ من الموت!

۲) أنجح بالعزم و الإرادة في امتحانات نهاية الفصل الدراسيّ!

۳) الخير الكثير في الجماعة فعليكم ألّا تتفرّقوا!

۴) الشخص الصبور أسخط الشيطان بحلمه أمام المشاكل!

مشاوره تشخیص اسم تفضیل پرکاربردترین تیپ تست از درس ۱ یازدهمه. به دلیل شباهت ظاهری اسم تفضیل با برخی فعل‌ها دقت به معنی جمله در تشخیص اسم تفضیل بسیار مهمه.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۱

Hint حواسته باشه کلمه بر وزن «أفعل» ممکنه فعل باشه و در این صورت اسم تفضیل نیست.

درس Box کلماتی که بر وزن «أفعل» هستند ممکن است فعل یا اسم باشند! برای تشخیص این موضوع باید به ترجمه و ساختار جملات توجه کنیم!

- أفعل
  - فعل
    - أفعَلَ ← ماضی، هو، ثلاثی مزید (باب إفعال) ← مثال أنزَلَ (نازل کرد)، أذهَبَ (بُرد)
    - أفعَلُ ← مضارع، أنا، ثلاثی مجرد ← مثال أذهَبُ (می‌روم)، أسْمَعُ (می‌شنوم)
    - أفعِلْ ← امر، أنتَ، ثلاثی مزید (باب إفعال) ← مثال أنزِلْ (نازل کن)، أذهِبْ (ببَر)
  - اسم ← أكبر (اسم تفضیل ✓ بزرگ‌تر)، أربع (اسم تفضیل ✗ چهار)

پاسخ خیلی تشریحی ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): از قدیم گفته شده است: انتظار سخت‌تر از مرگ است. ← «أشدّ: سخت‌تر» بر وزن «أفلّ» و اسم تفضیل است.

گزینهٔ (۲): با عزم و اراده در امتحانات پایان سال تحصیلی موفق می‌شوم. ← «أنجَحُ: موفق می‌شوم» بر وزن «أفعل» است، اما فعل مضارع است نه اسم تفضیل.

گزینهٔ (۳): خوبی بسیار در جماعت است، پس شما نباید پراکنده شوید. ← «الخیر: خوبی» اسم تفضیل نیست.

گزینهٔ (۴): شخص صبور شیطان را با صبرش در برابر مشکلات خشمگین کرد. ← «أسخَطَ: خشمگین کرد» بر وزن «أفعل» است، اما فعل ماضی است نه اسم تفضیل.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۰ عيّن ما يدلّ على المكان:

۱) مصالح الأُمّة نحفظها!

۲) كان أُستاذنا من مفاخر الأدب!

۳) لا تُسرعْ إلى مجالس الشرّ!

۴) موعد لقائنا بعد مباراة كرة القدم!

مشاوره برای تعیین اسم مکان حتماً باید به وزن و معنی کلمات دقت کنیم و وزن یا معنی، به تنهایی کافی نیستن.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

Hint دنبال گزینه‌ای بگرد که کلمه‌ای بر وزن «مَفعَل/ مَفعِل/ مَفعَلَة/ مَفاعِل» داشته باشه و معنی مکان هم بده.

درس Box

اسم مکان ← اسم‌هایی هستند که بر یک جا و مکان دلالت دارند و بر یکی از وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و یا «مَفْعَلَة» به کار می‌روند.

مثال مَلعَب: ورزشگاه/ مَطعَم: رستوران / مَصنَع: کارخانه/ مَطبَخ: آشپزخانه/ مَتجَر: مغازه/ مَنزِل: خانه/ مَطبَعَة: چاپخانه/ مَكتَبَة: کتابخانه

- اسم‌هایی که معنای مکان دارند، اما بر وزن‌های اسم مکان نیستند را نباید به اشتباه اسم مکان در نظر بگیریم.

مثال بَیت (خانه)/ خارِج (بیرون)/ فَوق (بالا)/ تَحت (زیر)/ شارِع (خیابان)/ إیران/ آسیا و ... ← اسم مکان ✗

- اسم‌هایی که بر وزن اسم مکان هستند، به شرط آن اسم مکان محسوب می‌شوند که معنای مکان هم داشته باشند.

مثال مَفسَدَة (مایهٔ تباهی) ← اسم مکان ✗

مَعرِفَة (شناختن) ← اسم مکان ✗ *(این‌که اصلاً وزن اسم مکان هم نداشت! «مَفعِلَة» اسم مکان نیست، اون «مَفعَلَة» بود، اشتباه نگیرینش!)*

جمع مکسّر اسم مکان اکثراً بر وزن «مَفاعِل» هست.

مثال جمع مکسّر «مَلعَب» ← مَلاعِب/ جمع مکسّر «مَسجِد» ← مَساجِد/ جمع مکسّر «مَزرَعَة» ← مَزارِع

تذکر:

- هر اسمی که بر وزن «مَفاعِل» باشد، لزوماً اسم مکان نیست. ملاک تشخیص نوع اسم‌ها، شکل مفرد آن‌هاست، یعنی اگر مفردِ یک اسم، اسم مکان باشد، جمعِ آن نیز اسم مکان است، در نتیجه وزن «مَفاعِل» زمانی اسم مکان محسوب می‌شود که مفردش بر یکی از وزن‌های اسم مکان باشد و معنی مکان هم داشته باشد.

مثال «مَصالِح» ← اسم مکان ✗ (مفرد «مَصالِح: مصلحت‌ها» ← مَصلَحة ← بر وزن «مَفعَلَة» هست، اما معنی مکان نداره ← اسم مکان نیست!)

«مَناطِق» ← اسم مکان ✗ (مفرد «مَناطِق: منطقه‌ها» ← مِنطَقَة ← بر وزن «مِفعَلَة» هست، پس بر وزن‌های اسم مکان نیست ← اسم مکان نیست!)

- گاهی اسم‌های مکان در معنای زمان به کار می‌روند. در این صورت دیگر اسم مکان به شمار نمی‌روند.

مثال مَبدَأُ المُسابقة مَلعَبٌ في إصفهان. ← **مکان شروع** مسابقه، ورزشگاهی در اصفهان است. (اسم مکان ✓)

مَبدَأُ المُسابقة الساعة الواحدة في يوم الجمعة. ← **زمان شروع** مسابقه، ساعت یک در روز جمعه است. (اسم مکان ✗)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): «مصالح» به معنی «مصلحت‌ها» است، بنابراین بر مکان دلالت ندارد.

گزینهٔ (۲): «مفاخر» به معنی «افراد مایهٔ افتخار» است، بنابراین بر مکان دلالت ندارد.

گزینهٔ (۳): به سوی مجالس بدی شتاب نکن. ← «مجالس» (جمع «مجلس») بر مکان دلالت دارد.)

گزینهٔ (۴): زمان دیدار ما بعد از مسابقهٔ فوتبال است. ← «موعد» در این عبارت، بر زمان دلالت دارد نه مکان.

کنکور

عیّن ما یدلّ علی المکان: (سؤال ۱۸۰ کنکور انسانی ۱۳۹۸)

۱) هو من مُقاتلینا!

۲) یَمشون في مساکنهم!

۳) هو من مفاخر أُمّتنا!

۴) مصالح الأُمّة نحفظها!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۱ **کدام گزینه مطلب درستی را دربارهٔ پیوند دو نوع از کتاب‌های تاریخی بیان می‌کند؟**

۱) با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سرایندگان تاریخ‌های منظوم، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ منظوم پیوستگی یافت.

۲) با گسترش تاریخ‌نویسی عمومی در میان سلسله‌ها، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی سلسله‌ای پیوستگی یافت.

۳) با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.

۴) با گسترش تاریخ‌نویسی عمومی در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

فرمانروایان بزرگ و کوچک، به منظور ثبت و ضبط رویدادهای دوران خود، معمولاً ادیبان و دانشمندان را تشویق و مأمور به تدوین این رویدادها می‌کردند. بعدها با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۲ کدام گزینه دربارهٔ تاریخ بیهقی صحیح است؟

۱) از نظر دسته‌بندی منابع نوشتاری، تاریخ سلسله‌ای و از نظر روش تاریخ‌نگاری، تحلیلی محسوب می‌شود.

۲) از نظر دسته‌بندی منابع نوشتاری، تاریخ محلی و از نظر روش تاریخ‌نگاری، ترکیبی محسوب می‌شود.

۳) از نظر دسته‌بندی منابع نوشتاری، تاریخ سلسله‌ای و از نظر روش تاریخ‌نگاری، ترکیبی محسوب می‌شود.

۴) از نظر دسته‌بندی منابع نوشتاری، تاریخ محلی و از نظر روش تاریخ‌نگاری، تحلیلی محسوب می‌شود.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔ کتاب تاریخ بیهقی اثر ابوالفضل بیهقی در تاریخ غزنویان از مشهورترین **تاریخ‌های سلسله‌ای** است.
بیهقی کتاب خود را با روش **تاریخ‌نگاری تحلیلی** نگاشته است.

کنکور

کدام موارد، دربارهٔ تاریخ‌نگاری در ایران دورهٔ اسلامی درست است؟ *(سؤال ۱۰۵ کنکور انسانی ۱۴۰۴ ـ نوبت اول)*

الف) تاریخ طبری، یک تاریخ عمومی است که به روش روایی و در قالب موضوعی نوشته شده است.

ب) هجوم مغول و روی کار آمدن ایلخانان، تاریخ‌نگاری را دچار رکود و زوال کرد.

ج) بیهقی در نقد گزارش تاریخی، از معیار عقل بهره می‌برد و به تحلیل و تفسیر نتایج وقایع می‌پرداخت.

د) طبری در تألیف بخش دورهٔ ساسانیان در تاریخ خود، از ترجمهٔ عربی خدای‌نامه‌ها استفاده کرده است.

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «ج» ـ «د»

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۳ در سنجش اعتبار و نقد راوی، کدام موارد مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد؟

الف) فاصلهٔ زمانی و مکانی موجود بین راوی و خبر

ب) مطابقت روایت‌های راوی با عقل

ج) مطابقت با نتایج تحقیقات باستان‌شناسی

د) علائق و انگیزه‌های راوی

۱) «ب» ـ «د»
۲) «ب» ـ «ج»
۳) «الف» ـ «ج»
۴) «الف» ـ «د»

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

در مرحلهٔ سنجش اعتبار و نقد راوی، پژوهشگران و مورخان، موضوعاتی نظیر ویژگی‌های هویتی روایت‌کنندهٔ خبر، محل تولد و زندگی، گرایش فکری، مذهبی و سیاسی و جایگاه علمی او را بررسی می‌کنند. هم‌چنین پژوهشگران سعی می‌کنند که علائق و انگیزه‌های راوی را در بیان خبر، بررسی و اندیشه و مقصود او را فهم و کشف کنند.

یکی از کارهای مورخان در نقد روایت‌کننده، تعیین فاصلهٔ زمانی و مکانی بین راوی و خبر است تا معلوم شود، روایت‌کننده خود مستقیماً شاهد وقوع رویدادی بوده و یا خبر آن را از دیگران نقل کرده است. ارزش و اعتبار خبری که راوی آن، خود، به طور مستقیم شاهد رویداد بوده به مراتب از خبری که روایت‌کننده آن را از دیگران نقل کرده، بیشتر است.

نکته موارد «ب» و «ج»، از روش‌های سنجش اعتبار و نقد و بررسی گزارش‌ها و منابع تاریخی به شمار می‌روند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۴ **کدام گزینه، مطلب درستی را دربارهٔ علی بن حسین مسعودی بیان می‌کند؟**

۱) کتاب اخبارالطوال براساس روش موضوع‌محوری را به رشتهٔ تألیف درآورد.

۲) کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر را به روش سال‌شماری نگاشته است.

۳) کتاب فتوح‌البلدان را به روش تاریخ‌نگاری ترکیبی به نگارش درآورد.

۴) یکی از نمونه‌های تاریخ‌نگاری براساس روش موضوع‌محوری را به رشتهٔ تألیف درآورد.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

مورخان در دوران اسلامی، گزارش‌ها و نوشته‌های خود را به دو روش سال‌شماری و موضوعی تنظیم و ارائه می‌کردند. در روش موضوعی، یک موضوع خاص محور تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرد. آن موضوع خاص می‌توانست یک شهر، جنگ‌ها یا طبقاتی از مردم مثل شعرا یا اطبّا باشد. یکی از نمونه‌های تاریخ‌نگاری براساس روش موضوع‌محوری، کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر، نوشتهٔ علی بن حسین مسعودی است.

نکته کتاب فتوح‌البلدان نوشتهٔ بلاذری و کتاب اخبارالطوال تألیف دینوری می‌باشد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۵ کدام گزینه به موارد درستی دربارهٔ تاریخ‌نگاری روایی اشاره می‌کند؟

الف) مورخان روایت‌های مختلف و متعدد دربارهٔ موضوع واحد را با آوردن اسناد، ذکر می‌کنند.

ب) مورخ به جای ذکر همهٔ روایات دربارهٔ یک موضوع، با مطالعه و مطابقت‌دادن همهٔ روایت‌ها، یک گزارش از مجموع آن‌ها تنظیم می‌کند.

ج) مورخ با بررسی موشکافانهٔ تمام اخبار و روایت‌های مربوط به یک رویداد و نقد آن‌ها، علل، آثار و پیامدهای آن واقعه را تحلیل و تفسیر می‌کند.

د) تاریخ‌نگاری روایی در آغاز برای ثبت و ضبط سخنان و سیرهٔ پیامبر و صحابهٔ ایشان به کار گرفته می‌شد، ولی بعد از آن برای ثبت وقایع دوران‌های بعدی نیز استفاده شد.

۱) «الف» ـ «د»
۲) «الف» ـ «ج»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «ب» ـ «د»

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

در جدول زیر با سبک تاریخ‌نگاری روایی بیشتر آشنا می‌شویم:

مهم‌ترین ویژگی	تاریخ‌نگاران، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی در روایت‌ها، عیناً آن‌ها را ذکر می‌کردند.
یکی از مشهورترین چهره‌ها	محمد بن جریر طبری
یکی از معایب	نویسندگان، هیچ نقد و نظری دربارهٔ درستی و نادرستی خبر ارائه نمی‌دهند، اما برخی آن را امتیازی بزرگ می‌دانند؛ زیرا مورخان بعدی با مجموعه‌ای از اخبار گوناگون دربارهٔ یک موضوع روبه‌رو می‌شوند و با به دست آوردن مدارک و اسناد کافی، دربارهٔ اصل خبر قضاوت می‌کنند.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی موارد نادرست:

ب) تاریخ‌نگاری ترکیبی: مورخ در این روش به جای ذکر همهٔ روایات دربارهٔ یک موضوع، با مطالعه و مطابقت‌دادن همهٔ روایت‌ها، یک گزارش از مجموع آن‌ها تنظیم می‌کند.

ج) تاریخ‌نگاری تحلیلی: مورخ در این روش، با بررسی موشکافانهٔ تمام اخبار و روایت‌های مربوط به یک رویداد و نقد آن‌ها، علل، آثار و پیامدهای آن واقعه را تحلیل و تفسیر می‌کند.

امتحان نهایی

جمله‌های صحیح یا غلط را مشخص کنید. *(سؤال ۱ (قسمت الف) ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳)*

الف) در تاریخ‌نگاری روایی، نویسندگان هیچ نقد و نظری دربارهٔ درستی و نادرستی خبر ارائه نمی‌دهند.

تـوشـه ای بـرای مـوفقیت

۶۶ **کدام موارد، دربارهٔ نظام سیاسی و اجتماعی شبه‌جزیرهٔ عربستان در دورهٔ پیش از ظهور اسلام درست می‌باشند؟**

الف) زندگی چادرنشینی و نظام قبیله‌ای در سرتاسر عربستان، به‌جز شهرهای بزرگ مثل مکه، طائف و یَـثْرب رواج داشت.

ب) وابستگی شدید عرب‌ها به قبیلهٔ خود، موجب به وجود آمدن عصبیت قبیله‌ای شده بود.

ج) خصلت‌های اخلاقی مانند سخاوت و شجاعت که در آن دوره رایج بود، به مفاهیم خصلت‌های اخلاقی در دورهٔ اسلامی مشابه بود.

د) در این نظام اجتماعی، زن از مقام و منزلت پایینی برخوردار بود.

۱) «الف» ـ «ب»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «ب» ـ «د»
۴) «ب» ـ «ج»

مشاوره در کنکور سراسری گاهی از قیدها به طور مستقیم سؤال طرح می‌شود. در برخی موارد هم ممکن است قید به طور مستقیم مورد پرسش قرار نگیرد، ولی به صورت سرنوشت‌سازی در درست یا نادرست بودن یک گزینه تأثیر بگذارد. مثل این سؤال که با حذف کلمهٔ «حتی» ماهیت گزینه نادرست شده است.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی موارد نادرست:

الف) زندگی چادرنشینی و نظام قبیله‌ای در سرتاسر عربستان، **حتی** در شهرهای مکه، طائف و یَـثْرب رواج داشت.

ج) ساکنان عربستان در دوران پیش از اسلام به داشتن برخی خصلت‌های اخلاقی مانند مهمان‌نوازی، شجاعت، سخاوت، مروت و استقامت در برابر سختی‌های زندگی معروف بودند؛ البته این خصلت‌ها در چارچوب ارزش‌ها و سنت‌های زندگی قبیله‌ای مفهوم خاص خود را داشت. برای مثال، شجاع به کسی گفته می‌شد که در منازعات فردی و قبیله‌ای با جرئت و جسارت تمام بجنگد و نهایت بی‌رحمی را از خود نشان دهد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۷ **کدام گزینه، مطلب درستی را دربارهٔ یثرب در دورهٔ پیش از اسلام بیان می‌کند؟**

۱) کشاورزی در این شهر وجود داشت و تعدادی از یهودیان در آن‌جا زندگی می‌کردند.

۲) کشاورزی در این شهر وجود داشت و تعدادی از مسیحیان در آن‌جا زندگی می‌کردند.

۳) تجارت شغل اصلی مردم شهر بود و تعدادی از یهودیان در آن‌جا زندگی می‌کردند.

۴) تجارت شغل اصلی مردم شهر بود و تعدادی از مسیحیان در آن‌جا زندگی می‌کردند.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✔

در برخی از مناطق شبه‌جزیرهٔ عربستان، مانند یثرب، یمن و طائف، کشاورزی وجود داشت.

در آستانهٔ ظهور اسلام، تعدادی از قبیله‌های عرب به آیین یهودیت و مسیحیت گرویده بودند. برخی از یهودیان ساکن یثرب و معدودی از مسیحیان مستقر در نَجران از آن جمله‌اند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۸ **در کدام گزینه به علل و عوامل اصلی مخالفت و دشمنی سران مشرک با اسلام اشاره شده است؟**

۱) رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت طایفه‌ای ـ اعتقاد راسخ به آیین‌های بت‌پرستی

۲) رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت طایفه‌ای ـ تقویت و برتری موقعیت شام از نظر سیاسی و تجاری

۳) تزلزل موقعیت تجاری و سیاسی مکه در صورت گسترش اسلام ـ اعتقاد راسخ به آیین‌های بت‌پرستی

۴) تزلزل موقعیت تجاری و سیاسی مکه در صورت گسترش اسلام ـ رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت طایفه‌ای

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی

گرچه در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که احساسات دینی و اعتقاد راسخ سران مشرک به بت‌ها، علت اصلی مخالفت و دشمنی آنان با اسلام بوده است، اما با بررسی دقیق‌تر شواهد و مدارک متوجه می‌شویم که علل و عوامل مهم‌تر دیگری در این موضوع دخالت داشته است. برخی آیات قرآن بیانگر آن است که مشرکان مکه از آن بیم داشتند که در صورت پیروی از اسلام، **موقعیت تجاری و سیاسی** آن شهر متزلزل شود و بازرگانان قریش از سود هنگفتی که از تجارت با سرزمین‌های دور و نزدیک کسب می‌کردند، محروم بمانند. علاوه بر آن، نقش **رقابت‌های قبیله‌ای و حسادت طایفه‌ای** را نیز نمی‌توان در دشمنی با رسول خدا در مکه نادیده گرفت. برخی از طایفه‌های قریش، مخصوصاً بنی‌اُمَیّه، به خاطر این‌که فردی از طایفهٔ بنی‌هاشم به پیامبری رسیده، سخت حسادت می‌کردند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۹ **کدام گزینه به علت ناتوانی در برقراری حاکمیت پایدار قبایلی مانند قریش در دوران پیش از اسلام اشاره می‌کند؟**

۱) رابطهٔ تجاری بلندمدت بین قبایل عربستان و سایر نقاط دنیا وجود نداشت.

۲) اختیار ادارهٔ کعبه به صورت دوره‌ای بین قبایل در گردش بود و هیچ قبیله‌ای نمی‌توانست ادارهٔ آن‌جا را به طور کامل تصاحب کند.

۳) قبایل به صورت پراکنده و جدا از هم می‌زیستند.

۴) حکومت به تشکیلات سیاسی، اداری و نظامی منظم و منسجمی متکی نبود و ثبات لازم را نداشت.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۳

پاسخ خیلی تشریحی ✔

در دوران پیش از اسلام، قبیله‌های عرب شبه‌جزیرهٔ عربستان به صورت پراکنده و جدا از هم می‌زیستند و حکومت فراگیر و قدرتمندی در آن شبه‌جزیره وجود نداشت. البته برخی از این قبایل، مانند قبیلهٔ قریش، به سبب در اختیار داشتن ادارهٔ کعبه و برقراری رابطهٔ تجاری با سرزمین‌های دور و نزدیک، قدرت و نفوذ سیاسی قابل توجهی در میان قبایل دیگر داشتند؛ اما این قدرت و نفوذ را نمی‌توان به منزلهٔ حکومتی پایدار شمرد؛ **زیرا متکی به تشکیلات سیاسی، اداری و نظامی منظم و منسجمی نبود و ثبات لازم را نداشت.**

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۷۰ کدام گزینه، به درستی به وقایع سال‌های اول تا سوم بعثت اشاره می‌کند؟

الف) ابوبَکْر بن اَبی قُحافه، نخستین فرد از غیر خانوادهٔ رسول خدا بود که اسلام آورد.

ب) مشرکان، ابوطالب، رئیس طایفهٔ بنی‌هاشم را در تنگنا قرار دادند که برادرزادهٔ خود را وادار به دست‌کشیدن از عقایدش کند.

ج) بنی‌هاشم برای کاهش آثار مخرب محاصرهٔ اجتماعی و اقتصادی به شعب ابی‌طالب در اطراف مکه پناه بردند و حدود سه سال در آن‌جا ماندند.

د) مسلمانان به اطراف مکه می‌رفتند و به دور از چشم مشرکان با رسول خدا نماز می‌گزاردند.

۱) «الف» ـ «ج»
۲) «الف» ـ «د»
۳) «ب» ـ «ج»
۴) «ب» ـ «د»

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۳

نکته سال‌های اول تا سوم بعثت، سال‌های دعوت خاص و محدود پیامبر را شامل می‌شود. دورهٔ دعوت عمومی، پس از سه سال شروع شد.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی موارد نادرست:

ب) در دورهٔ دعوت عمومی، مشرکان، ابوطالب، رئیس طایفهٔ بنی‌هاشم را در تنگنا قرار دادند که برادرزادهٔ خود را وادار به دست‌کشیدن از عقایدش کند و یا او را به آن‌ها بسپارد. ابوطالب نه تنها از حمایت پیامبر دست نکشید، بلکه طایفهٔ بنی‌هاشم را به حمایت از آن حضرت فراخواند.

ج) بنی‌هاشم برای کاهش آثار مخرب محاصرهٔ اجتماعی و اقتصادی (که در دورهٔ دعوت عمومی انجام شد) به شعب ابی‌طالب در اطراف مکه پناه بردند. آن‌ها حدود سه سال در آن‌جا ماندند و مشکلات و سختی‌های فراوانی را تحمل کردند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۷۱ با توجه به موارد زیر، کدام گزینه به عبارت‌های درست اشاره دارد؟

الف) هر ناحیهٔ جغرافیایی دارای کانونی است که بیشترین ثبات و استقرار در آن وجود دارد.

ب) امروزه همهٔ نواحی طبیعی یا انسانی، تحت مدیریت نهادهای سیاسی یا اداری قرار دارند.

ج) محدودیت‌ها و موانع طبیعی موجب می‌شود که انسان نتواند محیط‌های طبیعی را در اختیار خود بگیرد.

د) مرزهای نواحی سیاسی بر مبنای اهداف جغرافی‌دان‌ها تعیین می‌شوند.

ه) نواحی انسانی بر بستر نواحی طبیعی شکل می‌گیرند.

۱) «ب» ـ «ه»
۲) «الف» ـ «ب» ـ «د»
۳) «الف» ـ «د» ـ «ه»
۴) «ج» ـ «د»

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

نواحی طبیعی، انسانی و سیاسی:

- **نواحی طبیعی**
  - در سراسر زمین گسترده شده‌اند.
  - دارای ویژگی‌های طبیعی هستند.
  - بستر زندگی و فعالیت‌های انسان هستند.
  - جوامع انسانی برای ادامهٔ حیات به نواحی طبیعی وابسته هستند.
- **نواحی انسانی**
  - در بستر نواحی طبیعی شکل می‌گیرند.
  - شامل نواحی جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و ... می‌شوند.
- **نواحی سیاسی**
  - شامل شهرها، استان‌ها و کشورها می‌شوند.
  - با مرزهای قراردادی از نواحی مجاور متمایز می‌شوند.

نکته: به این دلیل که یک نهاد، آن‌ها را اداره و مدیریت می‌کند. ناحیهٔ سیاسی محسوب می‌شوند.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی موارد نادرست:

الف) هر ناحیهٔ جغرافیایی دارای کانون یا مرکزی است که بیشترین **عوامل وحدت و همگونی** در آن وجود دارد.

ج) محدودیت‌ها و موانع طبیعی، موجب می‌شود انسان‌ها برای کنترل محیط و شرایط خاص آن **چاره‌اندیشی** کنند و به ابداع ابزارهایی بپردازند. *(پیشرفت انسان‌ها تو دانش، فناوری و تولید ابزار، باعث شده انسان‌ها بتونن محیط طبیعی رو در اختیار خودشون بگیرن.)*

د) مرزهای نواحی سیاسی بر مبنای **قرارداد** تعیین می‌شوند. *(عموماً تقسیم‌بندی‌های سیاسی با توجه به نظر جغرافی‌دان‌ها انجام نمی‌شه، چه برسه که مطابق اهداف پژوهش اون‌ها باشه!)*

تـوشـه ای بـرای مـوفقیت

۷۲ **با توجه به عوامل زیر که معیارهای ناحیه‌بندی محسوب می‌شوند، کدام گزینه دسته‌بندی درستی از این موارد ارائه داده است؟**

الف) نواحی بارشی ایران

ب) ناحیه‌بندی شهرهای ایران بر مبنای کشت غالبِ کشاورزی در آن‌ها

ج) نواحی مذهبی استان‌های غربی ایران

۱) انسانی ـ طبیعی ـ طبیعی

۲) طبیعی ـ انسانی ـ انسانی

۳) طبیعی ـ طبیعی ـ انسانی

۴) انسانی ـ طبیعی ـ انسانی

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

مثال‌هایی از **معیارهای طبیعی** ناحیه‌بندی:

۱) ناهمواری‌ها

۲) آب‌وهوا

۳) پوشش گیاهی

۴) خاک

مثال‌هایی از **معیارهای انسانی** ناحیه‌بندی:

۱) جمعیت

۲) اقوام (قومیت‌ها)

۳) دین

۴) زبان

۵) فرهنگ

۶) نوع فعالیت اقتصادی

پاسخ خیلی تشریحی

دسته‌بندی بر مبنای **نواحی بارشی** مربوط به معیارهای **طبیعی** ناحیه‌بندی است.

دسته‌بندی بر مبنای **نوع فعالیت اقتصادی** مانند **کشاوزی** و همین‌طور دسته‌بندی بر مبنای **مذهب**، مربوط به معیارهای **انسانی** ناحیه‌بندی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

امتحان نهایی

گزینهٔ مناسب را انتخاب کنید. *(سؤال ۳ (قسمت الف) ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳)*

«خاک چرنوزیوم، پراکندگی صنایع و ویژگی‌های بارشی» به ترتیب جزو کدام دسته از معیارهای ناحیه‌بندی محسوب می‌شوند؟

۱) طبیعی ـ طبیعی ـ انسانی

۲) طبیعی ـ انسانی ـ طبیعی

۳) انسانی ـ انسانی ـ طبیعی

۴) طبیعی ـ انسانی ـ انسانی

۷۳ **یک پژوهشگر قصد دارد شهر همدان را در حوزه‌های مختلف طبیعی، انسانی و سیاسی ناحیه‌بندی کند، جدول زیر اطلاعات مربوط به سه مورد از این ناحیه‌بندی‌ها است، با توجه به آن، کدام گزینه درست است؟**

ردیف	توضیح
الف	مناطق مختلف شهرداری همدان
ب	محلات مسکونیِ فارسی‌زبان و ترکی‌زبانِ شهر همدان
ج	مرزِ میان ناحیهٔ شهری همدان و ناحیهٔ کوهستانیِ اطراف آن

۱) به ترتیب مهم‌ترین ملاک و معیار برای ناحیه‌بندی موارد «الف»، «ب» و «ج» عوامل سیاسی، عوامل انسانی و عوامل طبیعی است. ـ ناحیهٔ «الف» یک ناحیهٔ سیاسی نخواهد بود، چون یک نهاد آن را مدیریت نمی‌کند.

۲) احتمالاً، مرزهای سیاسی با مرزهای موارد «ب» و «ج» منطبق نباشند. ـ ممکن است در اثر فعالیت‌های انسانی و یا تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مرزهای مورد «ب» تغییر کند.

۳) به ترتیب از نظر دشواری ناحیه‌بندی، «ج»، دشوارتر از «ب» و «ب» دشوارتر از «الف» است. ـ احتمالاً بیشترین انطباق مرزهای سیاسی با مرزبندی نواحیِ ایجادشده به ترتیب، «الف»، «ج» و «ب» خواهد بود.

۴) پژوهشگر برای ناحیه‌بندی مورد «ج» کار دشوارتر و زمان‌برتری نسبت به سایر موارد خواهد داشت. ـ به صورت کلی مرزبندی نواحی «الف»، «ب» و «ج» مطابق اهداف پژوهشگر انجام می‌شود و ممکن است دو پژوهشگر متفاوت، مرزها و نواحی متفاوتی را ایجاد کنند.

مشاوره این سؤال تو نگاه اول شاید یه خورده دشوار و تخصصی به نظر برسه، اما قراره با اطلاعات کتاب خیلی راحت بهش جواب بدیم. اولین و مهم‌ترین گام برای پاسخ‌دادن به این سؤال اینه که تشخیص بدیم هر مورد مربوط به کدوم مفهوم کتاب درسی می‌شه.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی

ببین یه بار هر گزاره‌ای که می‌تونیم از اطلاعات جدول استخراج کنیم رو این‌جا بنویسیم:

۱) ناحیهٔ «**الف**»، یک **ناحیهٔ سیاسی** است.

چرا؟ چون یک نهاد (شهرداری همدان یا شهرداری مناطق مختلف همدان) مدیریت آن را در دست دارند و دربارهٔ آن تصمیم‌گیری می‌کنند. (رد گزینهٔ (۱))

۲) ناحیهٔ «**الف**» مرزهای **قراردادی** دارد.

چرا؟ چون نواحی سیاسی، مرزهای قراردادی دارن.

۳) در بین موارد «الف»، «ب» و «ج»، ناحیه‌بندی مورد «**الف**» از همه **ساده‌تر** است.

چرا؟ چون مرزهاش از پیش تعیین شده و بر مبنای قراردادهٔ.

۴) در بین موارد «الف»، «ب» و «ج»، ناحیه‌بندی مورد «**ب**» از همه **دشوارتر** است.

چرا؟ تعیین مرز نواحی انسانی دشوارتر از نواحی طبیعیه، خصوصاً که شباهت اون‌ها زیاد باشه و نشه به راحتی از هم تمایزشون داد.

۵) مرزهای سیاسی و اداری معمولاً با مرزهای نواحی انسانی (مورد «ب») و نواحی طبیعی (مورد «ج») منطبق نیستند.

۶) برای ناحیه‌بندی تمامی موارد «الف»، «ب» و «ج» از عوامل انسانی استفاده شده است.

حتی مورد «ج» به طرفِ مرز انسان‌ها و محیط انسانی هستش و خب برای جداکردن محیط طبیعی از محیط انسانی به عوامل انسانی نیاز داریم.

بررسی موارد نادرست:

گزینهٔ (۱): ناحیهٔ «الف»، یک ناحیهٔ سیاسی **است**، چون یک نهاد سیاسی آن را مدیریت **می‌کند**.

گزینهٔ (۳): به ترتیب از نظر دشواری ناحیه‌بندی، «**ب**»، دشوارتر از «**ج**»، است.

گزینهٔ (۴): پژوهشگر برای ناحیه‌بندی مورد «**ب**»، کار دشوارتر و زمان‌بری خواهد داشت.

۷۴ با توجه به موارد زیر، کدام گزینه تحلیل نادرستی را ارائه می‌کند؟

الف) حکومت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی به شدت بر نواحی تأثیر می‌گذارند.

ب) هر ناحیه شرایط خاصی را به انسان‌ها ارائه می‌کند و انسان‌ها در چارچوب آن شرایط دست به عمل می‌زنند.

ج) هر ناحیهٔ کرهٔ زمین با دیگر نواحی مبادلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد.

د) انسان‌ها در محیط‌های طبیعی تغییراتی به وجود می‌آورند. آن‌ها برای زندگی و بهره‌برداری از محیط طبیعی از شیوه‌ها و ابزارهای متفاوتی استفاده می‌کنند.

۱) عبارت «پاک‌سازی قومی در میانمار، باعث تخریب ناحیهٔ مسلمان‌نشین این کشور شده است.» به مورد «الف» اشاره دارد.

۲) عبارت «بازارهای شناور در بانکوک، یکی از مکان‌های دیدنی هستند که گردشگران زیادی از آن بازدید می‌کنند.» به مورد «د» اشاره دارد.

۳) عبارت «احداث راه‌آهن در نواحی مرتفع و کوهستانی، دشوارتر و پرهزینه‌تر از زمین‌های پست و جلگه‌ای است.» به مورد «د» اشاره دارد.

۴) عبارت «بالارفتن قیمت برنج وارداتی آسیا نگرانی کشورهای واردکننده در زمینهٔ تغذیهٔ مردم را افزایش داده است.» به مورد «ج» اشاره دارد.

مشاوره خیلی از ما موقع خوندن کتاب، سعی می‌کنیم مفاهیم رو حفظ کنیم و خیلی کاری به مثال‌ها و مصداق‌ها نداریم، (شاید به خاطر این‌که معمولاً معلم‌ها از ما توضیح مفاهیم رو می‌خوان). این بی‌توجهی به مثال‌ها و مصداق‌ها تو این‌جور سؤال‌ها کار دست‌مون می‌ده. از اون‌جایی که هم کنکور و هم امتحان نهایی به سمت تحلیلی‌شدن رفتن، استفاده از مثال‌های خود کتاب و مصداق‌های یک مفهوم بیشتر و بیشتر می‌شه. سعی کن از این به بعد موقع خوندن یه مفهوم، چندتا مثال رو هم بررسی کنی ازش و یا حتی چندتا مثال خارج از کتاب بیاری براش، چون این‌جوری بهتر و دقیق‌تر اون موضوع رو یاد می‌گیری.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی

«احداث راه‌آهن در نواحی مرتفع و کوهستانی، دشوارتر و پرهزینه‌تر از زمین‌های پست و جلگه‌ای است.» به «**شکل‌دادن نواحی به فعالیت‌های انسان**» اشاره دارد.

چرا؟ چون کوهستانی‌بودن یه منطقه باعث می‌شه ما برای احداث راه‌آهن نیاز به پل داشته باشیم و این یعنی ناحیه به این‌که ما چه‌طوری خط راه‌آهن رو بکشیم، شکل داده.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نواحی تحت تصمیم‌گیری حکومت‌ها هستند، به‌طور مثال تصمیم یک دولت برای انتقال اجباری ساکنان یک ناحیه به ناحیهٔ دیگر، می‌تواند موجب تخریب یک ناحیه شود، مانند: پاک‌سازی قومی، باعث تخریب ناحیهٔ مسلمان‌نشین میانمار شده است.

گزینهٔ (۲): «بازارهای شناور در بانکوک، یکی از مکان‌های دیدنی هستند که گردشگران زیادی از آن بازدید می‌کنند.» به «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند و در محیط طبیعی تغییراتی ایجاد می‌کنند.» اشاره دارد.

موقعیت طبیعی بانکوک یه جوری نیست که اون‌ها رو مجبور کرده باشه فقط و فقط روی رود و با استفاده از قایق بفروش خرید و فروش رو انجام بدن. شکل‌گیری بازارچهٔ شناور، تصمیم آدم‌ها بوده و اون‌ها بودن که همچین ناحیه‌ای رو به وجود آوردن.

گزینهٔ (۴): هر ناحیهٔ کرهٔ زمین با دیگر نواحی مبادلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، برای مثال «بالارفتن قیمت برنج وارداتی آسیا نگرانی کشورهای واردکننده در زمینهٔ تغذیهٔ مردم را افزایش می‌دهد.»

امتحان نهایی

کدام گزینه نشان می‌دهد «نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند.»

(سؤال ۳ (قسمت ب) ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳)

۱) بازارهای شناور بانکوک

۲) استفاده از صفحات خورشیدی در سمنان

۳) صید ماهی در فیلیپین

۴) جزایر مصنوعی امارات متحدهٔ عربی در خلیج فارس

۷۵ با توجه به تصاویر زیر، محتوای کدام گزینه نادرست است؟

مشاوره شکل‌ها، فعالیت‌ها، نمودارها و مثال‌های کتاب درسی برای این آورده شدند که کمک بکنن ما بهتر و راحت‌تر محتوای کتاب رو بفهمیم، حالا که کنکور مفهومی ـ تحلیلی شده، حتماً وقت بذار و عکس‌ها و نمودارها رو با دقت ببین و فعالیت‌ها رو کامل بررسی کن تا بتونی هم بهتر مطالب رو بفهمی و هم خیالت راحت باشه که همه جای کتاب رو دوره کردی.



(۱)



(۲)

۱) عبارت «عموماً مرزهای سیاسی و اداری بر مرزهای نواحی طبیعی و انسانی منطبق نیستند.»، می‌تواند بیانگر وجود یک ناحیهٔ قومی در میانِ دو کشور متفاوت (شکل ۲) را توضیح دهد.

۲) با توجه به این‌که مرزهای نواحی قابل تغییر هستند، ممکن است ناحیهٔ بیابان لوت (شکل ۱) از مرزهای استان‌های مشخص‌شده فراتر رود و یا صرفاً به یکی از این سه استان محدود شود.

۳) انسان‌ها به واسطهٔ زندگی در شهرها و روستاها و سایر مناطق که همگی تحت مدیریت نهادهای مختلف قرار دارند، تحت نظارت و مدیریت نواحی سیاسی قرار دارند.

۴) عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرز نواحی طبیعی (شکل ۱) معمول است، اما عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرز نواحی انسانی (شکل ۲) امکان‌پذیر نیست.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box

- کانون ناحیه، مرزهای ناحیه
  - هر ناحیهٔ جغرافیایی دارای کانون یا مرکزی است که **بیشترین عوامل وحدت و همگونی** در آن وجود دارند.
  - هر چه از کانون یک ناحیه دور شویم، به تدریج از **عوامل همگونی کاسته می‌شود** و سرانجام، این عوامل ناپدید می‌شوند.
  - مثال
    - **ساوان** یک ناحیهٔ انتقالی بین **بیابان صحرا** و **جنگل‌های بارانی استوایی** است.
    - هر چه‌قدر از ساوان به سمت مرکز ناحیهٔ بیابانی برویم میزان پوشش گیاهی کم‌تر می‌شود و هر چه‌قدر به سمت مرکز ناحیهٔ جنگل‌های استوایی برویم میزان پوشش گیاهی بیشتر می‌شود.
- مرز و قلمرو نواحی
  - تعیین مرز، در نواحی **انسانی**، **دشوارتر** از نواحی **طبیعی** است.
  - قلمرو و وسعت نواحی، متفاوت است.
  - ممکن است در اثر، فعالیت‌های انسانی و یا عوامل طبیعی: ۱) ویژگی‌های خاص یک ناحیه از بین برود یا ۲) وسعت یک ناحیه کم یا زیاد شود.
  - مرزهای سیاسی و اداری **معمولاً** بر مرزهای نواحی طبیعی و انسانی منطبق نیستند.

پاسخ خیلی تشریحی

عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرز نواحی طبیعی (شکل ۱) معمول است. همین‌طور عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرز نواحی انسانی هم **امکان‌پذیر و معمول** است.

به صورت کاملاً واضح و روشنی می‌بینیم که ناحیهٔ انسانی (قومی) پشتون‌تبارها، بین دو تا کشور متفاوت (دو ناحیهٔ سیاسی متفاوت) قرار داره، پس واضحه که مرزبندی‌های سیاسی لزوماً بر مرزبندی‌های انسانی منطبق نیستند!

۷۶ با توجه به موارد زیر، کدام گزینه به رابطهٔ درستی دربارهٔ این موارد اشاره دارد؟

الف) شکل‌گیری شهری با نقش بندری

ب) جذب جمعیت بالا

ج) رونق فعالیت‌های مربوط به تجارت، گردشگری و حمل‌ونقل بار و مسافر

د) ساخت جزایر مصنوعی در آب‌های خلیج فارس

۱) موارد «ب» و «ج»، می‌توانند عوامل شکل‌گیری ساختمان‌های بلندمرتبه در یک شهر باشند. ـ مورد «د» را می‌توان نمونه‌ای برای «نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی هستند.» دانست.

۲) پدیدهٔ «د» باعث تخریب و تغییر ناحیهٔ طبیعی می‌شود، مانند تأثیر کشتار و مهاجرت اجباری مسلمانان میانمار بر ناحیهٔ مسلمان‌نشین این کشور ـ مورد «الف» را نمی‌توان مثالی برای «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند» دانست.

۳) مورد «ج» علت «قرارگیری یک ناحیه در ساحل دریا» است. ـ مورد «ج» مثالی است برای این‌که نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

۴) عبارت «د» را می‌توان مثالی برای «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند.» دانست. ـ مورد «الف» به عبارت «نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند.» ارتباطی ندارد.

مشاوره هیچ‌وقت خودت رو محدود به اطلاعات یه صفحه از کتاب نکن! اکثر مواردی که توی کتاب جغرافیای ۲ می‌خونیم یه جورایی به هم مرتبط هستن و علت اصلی این ارتباط، ناحیه‌ست. در نتیجه اکثر تعاریفی که توی هر بخش از کتاب می‌خونیم، ممکنه برای یه بخش دیگه هم به کار بره. مثل چی؟ «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند.»، این مفهوم رو می‌شه برای هر ناحیهٔ انسانی (اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، فرهنگی و ...) استفاده کرد، بماند که برای مناطق طبیعی که انسان‌ها به کلی اون رو تغییر دادن هم کاربرد داره، مثل ساخت جزایر مصنوعی که توی همین سؤال بود.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی

«جذب جمعیت بالا» و «رونق فعالیت‌های مربوط به تجارت، گردشگری و حمل‌ونقل بار و مسافر» را می‌توان علتی برای «شکل‌گیری ساختمان‌های بلندمرتبه» در فضای شهری دانست.

(خواست باشه برعکس این رابطه صادق نیست، یعنی نمی‌شه یه شهر که توش ساختمان‌های بلند هست رو ببینیم و بگیم دلیل این اتفاق رونق فعالیت‌های مربوط به تجارت، گردشگری و حمل‌ونقل بار و مسافره، شاید علت این بلندمرتبه‌سازی، کمبود زمین مناسب برای ساخت خونه باشه و ...)

علت نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): مورد «الف» را **می‌توان** مثالی برای «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند» دانست.

گزینهٔ (۳): مورد «ج» **پیامد** «قرارگیری یک ناحیه در ساحل دریا» است.

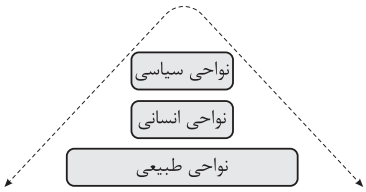
خیلی عجیبه که فکر کنیم «رونق فعالیت‌های مربوط به تجارت، گردشگری و حمل‌ونقل بار و مسافر» علتِ این بوده که ناحیه کنار ساحل دریا شکل بگیره! مثل اینه که بگیم وجود سایه علتِ وجود نوره!

گزینهٔ (۴): مورد «الف» به عبارت «نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند.» **ارتباط دارد.**

چرا؟ چون قرارگیری کنار دریا (ناحیهٔ طبیعی) باعث شده مردم اون ناحیه به سمت فعالیت‌های بندری (مثل ماهی‌گیری و تجارت) برن.

تیزهوشان توشه ای برای موفقیت

۷۷ با توجه به تصویر مقابل، کدام گزینه به مفهوم درستی اشاره دارد؟



۱) تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر هر ناحیه‌ای اعم از طبیعی، سیاسی و انسانی اثرگذار است. ـ ممکن است مرزبندی نواحی سیاسی، انسانی و طبیعی با یکدیگر منطبق نباشند.

۲) نواحی انسانی بر بستر نواحی طبیعی و نواحی سیاسی بر بستر نواحی انسانی شکل می‌گیرند. ـ هیچ ناحیه‌ای وجود ندارد که تحت مدیریت نهادهای سیاسی و اداری نباشد.

۳) با ورود انسان به محیط طبیعی، نواحی انسانی شکل می‌گیرد و با شکل‌گیری نواحی سیاسی، نهادها به وجود می‌آیند. ـ به صورت کلی ابعاد و وسعت نواحی طبیعی بیشتر از نواحی سیاسی و انسانی است.

۴) از آن‌جایی که مرزهای نواحی سیاسی قراردادی است، ممکن است یک ناحیهٔ سیاسی فاقد عوامل وحدت و همگونی باشد. ـ جوامع انسانی برای ادامهٔ حیات به نواحی طبیعی وابسته هستند.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- از آن‌جایی که هیچ ناحیه‌ای را نمی‌توان تصور کرد که تحت مدیریت و نظارت نهادهای سیاسی و اداری نباشد، می‌توان گفت **تصمیم‌گیری‌های سیاسی بر هر ناحیه‌ای اعم از طبیعی، سیاسی و انسانی اثرگذار است.**
- مرزهای سیاسی و اداری، **معمولاً بر مرزهای نواحی انسانی و طبیعی منطبق نیستند.**

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): نواحی انسانی بر بستر نواحی طبیعی شکل می‌گیرند، **اما لزوماً نواحی سیاسی بر بستر نواحی انسانی شکل نمی‌گیرند و می‌توانند صرفاً بر بستر نواحی طبیعی شکل بگیرند** *بفش‌های زیادی از کرهٔ زمین هست که انسان‌ها تا به حال پاشون رو اون‌جا نذاشتن، اما روی نقشه‌ها به عنوان بفشی از نواحی سیاسی محسوب می‌شن.*

گزینهٔ (۳): با ورود انسان به محیط طبیعی، نواحی **جغرافیایی** شکل می‌گیرد و با شکل‌گیری نهادها، نواحی سیاسی به وجود می‌آیند. **نمی‌توان گفت** به صورت کلی ابعاد و وسعت نواحی طبیعی بیشتر از نواحی سیاسی و انسانی است. *(چون تو شکل نواحی طبیعی بزرگ‌تره، به معنی این نیست که نواحی طبیعی بزرگ‌تر هستن!)*

گزینهٔ (۴): هر ناحیه‌ای دارای عوامل وحدت و همگونی است که براساس آن از دیگر نواحی متمایز می‌شود. این موضوع در تمامی اشکال نواحی یعنی طبیعی، انسانی و قراردادی مشترک است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۷۸ **با توجه به مفهوم کانون و مرزهای ناحیه، موارد «الف» تا «ج» به ترتیب با محتوای کدام گزینه، ارتباط دارد؟**

الف) مرکز یک پناهگاه حیات وحش

ب) با حرکت از ناحیهٔ انگلیسی‌زبان در آمریکا به سمت ناحیهٔ اسپانیایی‌زبان در مکزیک، از میزان سخنورانِ به زبان انگلیسی کاسته می‌شود.

ج) نواحی سیاسی

۱) تعیین دقیق کانون یک ناحیه خیلی دشوار است. ـ با حرکت به سمت مرزهای ناحیه، عوامل همگونی کاهش پیدا می‌کند. ـ تا حدودی با مفهوم نواحی اداری یکسان است.

۲) تعیین دقیق کانون یک ناحیه خیلی دشوار است. ـ معمولاً هر چه از کانون یک ناحیه دور می‌شویم از عوامل همگونی کاسته می‌شود. ـ مرزهای آن بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شود.

۳) هر ناحیه دارای کانونی است که بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارند. ـ معمولاً هر چه از کانون یک ناحیه دور می‌شویم از عوامل همگونی کاسته می‌شود. ـ مثال‌های آن می‌تواند کشورها، اقوام و قاره‌ها باشند.

۴) هر ناحیه دارای کانونی است که بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارند. ـ با حرکت به سمت مرزهای ناحیه، عوامل همگونی کاهش پیدا می‌کند. ـ مثال‌های آن می‌تواند یک استان، بخش و شهرستان باشند.

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

درس Box



پاسخ خیلی تشریحی

الف) مرکز یک پناهگاه حیات وحش (به عنوان کانون یک ناحیه) ← هر ناحیهٔ جغرافیایی دارای کانون یا مرکزی است که بیشترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارند. **(تعیین کانون یک ناحیه خیلی دشوار نیست.)**

ب) عنصر اصلی ناحیهٔ انگلیسی‌زبان، تعداد بالای سخنوران به زبان انگلیسی است، در نتیجه با نزدیک‌شدن به ناحیهٔ اسپانیایی‌زبان، میزان سخنوران انگلیسی کم‌تر و میزان سخنوران اسپانیایی بیشتر می‌شود. ← معمولاً هر چه از کانون یک ناحیهٔ جغرافیایی دور می‌شویم به تدریج از عوامل همگونی آن ناحیه کاسته می‌شود یا با حرکت به سمت مرزهای ناحیه، عوامل همگونی کاهش و در نهایت ناپدید می‌شود.

ج) نواحی سیاسی:

۱) مصداق‌های آن می‌تواند یک کشور، استان، بخش و شهرستان باشند.

۲) مرزهای آن بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شود.

۳) می‌توان گفت تا حدودی با مفهوم نواحی اداری شباهت دارد.

(قاره‌ها نواحی سیاسی نیستند، چون تقریباً هیچ قاره‌ای نیست که یک نهاد، کل اون قاره رو مدیریت و نظارت کنه. حتی اتحادیهٔ اروپا هم همهٔ کشورهای اروپایی رو شامل نمی‌شه.)

نکته اقوام می‌توانند جزء نواحی انسانی محسوب شوند، اما مصداقی از نواحی سیاسی نیستند.

۷۹ **هر کدام از موارد زیر به کدام شکل از ارتباطات چهارگانهٔ انسان با نواحی اشاره دارد؟**

الف) در برخی از نواحی شمال آفریقا، مطابق با شرایط محیطی، پرورش دام معمول است.

ب) حمایت دولت‌های اروپای غربی باعث رشد و گسترش نواحی صنعتی در این کشورها شده است.

ج) اجلاس گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و جهان عرب برگزار شد.

د) کشاورزان مالزیایی در بخش‌هایی از جنگل‌های این کشور، مزارع نخل روغنی ایجاد کرده‌اند.

۱) نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند. ـ نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند. ـ انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند. ـ نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

۲) نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند. ـ نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند. ـ نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند. ـ انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند.

۳) انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند. ـ نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند. ـ نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند. ـ نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند.

۴) نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند. ـ نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند. ـ نواحی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها هستند. ـ نواحی با یکدیگر رابطه و کنش متقابل دارند.

مشاوره حواست باشه که توی جغرافیای یازدهم ما داریم جغرافیا رو از عینک ناحیه بررسی می‌کنیم، طبیعیه مطالب درس‌های ۱ و ۲ که بیشتر دربارهٔ ناحیه و مفهوم اون هستش، توی درس‌های دیگه هم کاربرد داشته باشه. از همه مهم‌تر همین چهار تا شکل ارتباط انسان با نواحی هستش که ارتباط درس ۲ رو تقریباً با همهٔ درس‌ها زیاد می‌کنه.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس‌های ۱ و ۲

پاسخ خیلی تشریحی

الف) «در برخی از نواحی شمال آفریقا، مطابق با شرایط محیطی، پرورش دام معمول است.» در این مثال ما با شکلِ خاصی از فعالیت انسان برای زندگی و فعالیت اقتصادی مواجه هستیم که در نتیجهٔ وجود شرایط خاص محیطی به وجود آمده است. در نتیجه به این موضوع اشاره دارد که نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند.

ب) «حمایت دولت‌های اروپای غربی باعث رشد و گسترش نواحی صنعتی در این کشورها شده است.» در این مثال تصمیم‌گیری‌های سیاسی (تصمیم دولت‌ها برای حمایت از صنعت) ناحیه را تحت تأثیر قرار داده است (موجب رشد و گسترش آن شده است).

ج) «اجلاس گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و جهان عرب برگزار شد.» در این مثال ما شاهد یک ارتباط فرهنگی میان دو ناحیهٔ متفاوت هستیم، پس بیانگر ارتباط و تعامل نواحی با یکدیگر است.

د) «کشاورزان مالزیایی در بخش‌هایی از جنگل‌های این کشور، مزارع نخل روغنی ایجاد کرده‌اند.» ناحیهٔ مزارع نخل روغنی، توسط انسان‌ها پدید آمده است، پس بیانگر نقش انسان‌ها در پدیدآوردن برخی از نواحی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۰ کدام گزینه بیانگر پاسخ درست پرسش‌های زیر است؟

الف) عبارت «کاهش وسعت زمین‌های کشاورزی به خاطر مهاجرت روستاییان» به چه موضوعی اشاره دارد؟

ب) با توجه به نواحی انتقالی بین جنگل‌های بارانی استوایی و بیابان صحرا، کدام گزینه جدول زیر را به ترتیب کامل می‌کند؟

جنگل‌های بارانی استوایی	الف	ب	بیابان صحرا

۱) تعیین مرزهای دقیق نواحی دشوار است./ ساوان ـ مراتع مداری

۲) قلمرو و وسعت نواحی، متفاوت است./ استپ‌های بیابانی ـ مراتع مداری

۳) مرزهای نواحی قابل تغییرند./ مراتع مداری ـ استپ‌های بیابانی

۴) مرزهای سیاسی و اداری معمولاً بر مرزهای نواحی طبیعی و انسانی منطبق نیستند./ ساوان ـ استپ‌های بیابانی

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

- **مرزهای نواحی قابل تغییرند**، برای مثال مهاجرت روستاییان می‌تواند باعث کاهش وسعت زمین‌های کشاورزی شود.
- هر چه از جنگل‌های بارانی استوایی دور شده و به سمت بیابان صحرا پیش می‌رویم، بارندگی کم‌تر و علف‌های ساوان کوتاه‌تر و تنک‌تر می‌شوند و کم‌کم به **مراتع مداری** (که از علفزارهای کوتاه‌قد تشکیل شده است.) تبدیل می‌شوند. این مراتع در حاشیهٔ صحرا به علت خشکی هوا به **استپ‌های بیابانی** تبدیل می‌شوند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۱ **کدام گزینه تعریف درست‌تری از «تفکر فلسفی» ارائه می‌دهد؟**

۱) اندیشیدنی که تنها برای حل مسائل و نیازهای روزمره به کار می‌رود.

۲) اندیشیدنی که با طرح پرسش‌های بنیادین، همراه با جدیت و پیگیری برای یافتن پاسخ آن‌هاست.

۳) اندیشیدنی که فقط افراد متخصص مانند فیلسوفان و استادان دانشگاه توانایی انجام آن را دارند.

۴) اندیشیدنی که بر پایهٔ حفظ‌کردن پاسخ‌های دیگران، بدون پرسشگری شکل می‌گیرد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

زمانی که انسان با سؤال‌های معمولی و روزانه روبه‌روست و به دنبال پاسخ آن‌هاست، در مرحلهٔ اول تفکر قرار دارد که می‌توان آن را «تفکر غیرفلسفی» نامید، اما اگر انسانی از این مرحلهٔ تفکر عبور کند و با **جدیت و پیوسته** به **سؤال‌های مهم‌تر و فراتر از امور عادی** زندگی بپردازد، وارد مرتبهٔ دوم تفکر شده که می‌توان آن را «تفکر فلسفی» نامید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تعریف تفکر غیرفلسفی یا روزمره و معمولی است.

گزینهٔ (۳): هر انسانی (کارگر، پزشک، دانش‌آموز و ...) می‌تواند وارد تفکر فلسفی شود.

گزینهٔ (۴): با روح فلسفه که مبتنی بر پرسشگری و جست‌وجوی پاسخ است، ناسازگار است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۲ **کدام گزینه، مفهوم واژهٔ «فلسفه» را به درستی بیان می‌کند؟**

۱) فلسفه از آغاز، نام یک دانش مستقل و ویژه بوده است.

۲) فلسفه به معنای «دوستداری دانایی» است و در گذشته همهٔ دانش‌ها را در بر می‌گرفت.

۳) فلسفه به معنای «دانشمندی» است و تنها به سوفیست‌ها گفته می‌شد.

۴) فلسفه ریشه‌ای عربی دارد که سقراط آن را ابداع کرد.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

لفظ فلسفه ریشهٔ یونانی دارد. این لفظ، عربی‌شدهٔ کلمهٔ «فیلوسوفیا» است. فیلوسوفیا مرکب از دو کلمهٔ «فیلو» به معنی دوستداری و «سوفیا» به معنی دانایی است. پس کلمهٔ فیلوسوفیا به معنی «دوستداری دانایی» است، بنابراین واژهٔ فلسفه در آن زمان‌ها اختصاص به دانش خاصی نداشت و همهٔ دانش‌ها را شامل می‌شد.

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): در گذشته فلسفه اختصاص به یک دانش نداشت.

گزینهٔ (۳): «دانشمند» معنای سوفیست است، نه فلسفه.

گزینهٔ (۴): فلسفه ریشهٔ یونانی دارد و سقراط فلسفهٔ آن را ابداع نکرد، بلکه آن را رواج داد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۳ **کدام گزینه نقش «فلسفه‌های مضاف» را به درستی بیان می‌کند؟**

۱) به جای علوم، به بررسی مستقیم پدیده‌ها می‌پردازند.

۲) مبانی علوم را بررسی می‌کنند و نتایج آن‌ها بر نظریه‌های علمی اثر می‌گذارد.

۳) فقط به نقد نظریه‌های علمی می‌پردازند و ارتباطی با مبانی علوم ندارند.

۴) تنها دربارهٔ تاریخ شکل‌گیری علوم بحث می‌کنند.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔ فلسفه‌های مضاف، مبانی هر علم را بررسی می‌کنند و آن‌چه در آن‌ها پذیرفته شود، شالودهٔ نظریات آن علم قرار می‌گیرد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۴ **کدام گزینه با دیدگاه سوم دربارهٔ رابطهٔ فرد و جامعه سازگار است؟**

۱) جامعه فقط مجموعه‌ای از افراد است و هیچ هویت مستقلی ندارد.

۲) فرد کاملاً تابع جامعه است و هیچ اختیاری در تغییر آن ندارد.

۳) هم فرد و هم جامعه اصالت دارند؛ افراد از جامعه اثر می‌پذیرند و در عین حال می‌توانند بر آن اثر بگذارند.

۴) اصالت فرد و اصالت جامعه قابل جمع نیست و باید یکی را پذیرفت.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

دیدگاه سوم معتقد است هم فرد اصالت دارد و هم جامعه. افراد ضمن تأثیرپذیری از جامعه، اختیار و توانایی تغییر آن را نیز دارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): به دیدگاه اصالت فرد اشاره دارد.

گزینهٔ (۲): به دیدگاه اصالت جامعه اشاره دارد.

گزینهٔ (۴): دیدگاه سوم قائل به این است که هم اصالت فرد از جهاتی درست است و هم اصالت جامعه و این دو دیدگاه قابل جمع هستند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۵ کدام گزینه، نشان‌دهندهٔ سیر منطقی و صحیح «تفکر فلسفی» در مواجهه با مسئلهٔ «جبر و اختیار در زندگی انسان» است؟

۱) واکاوی مفهوم علت و معلول در ذهن و رجوع به استدلال‌های جبرگرایان ← روبه‌روشدن با این واقعیت که بسیاری از تصمیمات مهم من تحت تأثیر شرایط جامعه بوده است. ← طرح این پرسش که «آیا من خالق سرنوشتم یا بازیچهٔ عوامل بیرونی؟» ← دستیابی به بینشی جامع دربارهٔ تعامل ارادهٔ انسانی با قوانین هستی

۲) روبه‌روشدن با این واقعیت که بسیاری از تصمیمات مهم من تحت تأثیر شرایط جامعه بوده است. ← طرح این پرسش که «آیا من خالق سرنوشتم یا بازیچهٔ عوامل بیرونی؟» ← دستیابی به بینشی جامع دربارهٔ تعامل ارادهٔ انسانی با قوانین هستی ← واکاوی مفهوم علت و معلول در ذهن و رجوع به استدلال‌های جبرگرایان

۳) طرح این پرسش که «آیا من خالق سرنوشتم یا بازیچهٔ عوامل بیرونی؟» ← روبه‌روشدن با این واقعیت که بسیاری از تصمیمات مهم من تحت تأثیر شرایط جامعه بوده است. ← واکاوی مفهوم علت و معلول در ذهن و رجوع به استدلال‌های جبرگرایان ← دستیابی به بینشی جامع دربارهٔ تعامل ارادهٔ انسانی با قوانین هستی

۴) روبه‌روشدن با این واقعیت که بسیاری از تصمیمات مهم من تحت تأثیر شرایط جامعه بوده است. ← طرح این پرسش که «آیا من خالق سرنوشتم یا بازیچهٔ عوامل بیرونی؟» ← واکاوی مفهوم علت و معلول در ذهن و رجوع به استدلال‌های جبرگرایان ← دستیابی به بینشی جامع دربارهٔ تعامل ارادهٔ انسانی با قوانین هستی

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۱

درس Box

تفکر فلسفی یک رویداد تصادفی نیست، بلکه جریانی است که ذهن در آن، چهار مرحلهٔ متوالی و قانون‌مند را طی می‌کند:

۱) **مرحلهٔ اول (مواجهه با مجهول / مسئله):** انسان در جریان زندگی عادی خود، ناگهان با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شود که برایش مبهم، عجیب یا متناقض است و ذهن او را دچار مسئله می‌کند.

۲) **مرحلهٔ دوم (طرح پرسش):** ذهنِ درگیرشده، آن حیرت و ابهام اولیه را در قالب یک سؤال شفاف و بنیادین (معمولاً با کلمات کلیدی چیستی و چرایی) فرمول‌بندی می‌کند.

۳) **مرحلهٔ سوم (رجوع به اندوخته‌ها / تفکر):** ذهن برای یافتن پاسخ، به بایگانی خود مراجعه می‌کند؛ مفاهیم مرتبط را بیرون می‌کشد، دیدگاه‌های مختلف را بررسی می‌کند و به استدلال می‌پردازد.

۴) **مرحلهٔ چهارم (رسیدن به معرفت و دریافت فلسفی):** ذهن از ترکیب و تحلیل اطلاعات مرحلهٔ قبل، به یک نتیجه‌گیری، شناخت عمیق و پاسخ نهایی دست پیدا می‌کند که به آن معرفت می‌گویند.

پاسخ خیلی تشریحی

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): نادرست؛ در این گزینه، ذهن پیش از آن‌که با مسئله‌ای روبه‌رو شود و ابهامی برایش پیش بیاید، شروع به «واکاوی و رجوع به استدلال‌ها» (مرحلهٔ سوم) کرده است. ذهن انسان تا زمانی که با مجهولی درگیر نشود، دلیلی برای جست‌وجو در اندوخته‌های خود ندارد.

گزینهٔ (۲): نادرست؛ در این گزینه، مراحل اول و دوم به درستی چیده شده‌اند، اما در ادامه، ذهن پیش از آن‌که در معلومات خود تفکر کند، به «بینش جامع و دریافت نهایی» (مرحلهٔ چهارم) رسیده است! رسیدن به پاسخ بدون طی‌کردن مسیر استدلال و بررسی مفاهیم، در فلسفه غیرممکن است.

گزینهٔ (۳): نادرست؛ این گزینه با «طرح پرسش» (مرحلهٔ دوم) آغاز شده است. هیچ پرسشی در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ طرح سؤال همواره نیازمند یک پیش‌زمینه و رویارویی پیشین با یک مسئله تأمل‌برانگیز (مرحلهٔ اول) است.

گزینهٔ (۴): درست؛ این گزینه دقیقاً براساس روند طبیعی تفکر پیش رفته است:

۱) ابتدا فرد در زندگی با سلطهٔ شرایط محیطی بر تصمیماتش مواجه شده و دچار دغدغه می‌شود. (مواجهه با مجهول)

۲) سپس این دغدغه را تبدیل به یک پرسش فلسفی دربارهٔ ارادهٔ آزاد می‌کند. (طرح پرسش)

۳) برای پاسخ به این پرسش، مفاهیم علی و معلولی و آرای متفکران را بررسی می‌کند. (تفکر در معلومات)

۴) در نهایت، به درک و پاسخی روشن دربارهٔ اراده و جبر هستی می‌رسد. (دریافت فلسفی)

کنکور

در کدام مورد، مراحل رسیدن به درک و دریافت فلسفی از یک موضوع، به درستی بیان شده است؟

(سؤال ۱۳۲ کنکور انسانی ۱۴۰۲ ـ نوبت دوم)

۱) اختلاف نظر متفکران در مورد سعادت ← سعادت چیست؟ ← اعتدال میان قوا، عامل سعادت انسان است. ← سعادت انسان مشروط به وجود عالم آخرت است.

۲) آیا علیت در سراسر هستی جاری است؟ ← این عالم یک پدیده است، پس حتماً علتی دارد. ← پیرشدن انسان چه علتی دارد؟ ← چون انسان دارای بدن مادی است، پیر می‌شود.

۳) از دنیا رفتن یکی از اطرافیان ← آیا مرگ، نابودی و نیستی است؟ ← انسان دارای نفس غیرمادی است. ← مرگ انتقال از عالم ماده به عالمی دیگر است.

۴) مشاهدهٔ یک دختربچهٔ دستفروش ← آیا عدالت در مورد این دختربچه تحقق یافته است؟ ← چگونه می‌توان فقر را در جامعه کاهش داد؟ ← عدالت، قرارگرفتن هر کس در جای مناسب خویش است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۶ کدام گزینه دربارهٔ ماهیت و ویژگی‌های فلسفه‌های مضاف نادرست است؟

۱) پیدایش و توسعهٔ شاخه‌های فلسفه، منحصراً محصول تأملات فیلسوفانه در باب علوم مختلف نیست و می‌تواند معطوف به سایر پدیده‌های مهمِ جهان نیز باشد.

۲) شاخه‌های فلسفه با وجود این‌که ناظر به محدودهٔ خاصی از پدیده‌ها هستند، اما در بررسی مباحث خود هم‌چنان وام‌دارِ روش عقلی و قیاسیِ بخش اصلی فلسفه می‌باشند.

۳) فیلسوف در جایگاهِ پرداختن به فلسفه‌های مضاف، با تکیه بر قوانین بنیادینِ هستی‌شناسی، مستقیماً به حل‌وفصل مسائل و گره‌های درونی علوم وارد می‌شود.

۴) در بررسی نسبت میان دانش‌ها، این شاخه‌های فلسفه هستند که نقش پل ارتباطی را ایفا کرده و علوم مختلف را با بخش اصلی فلسفه پیوند می‌دهند.

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

فلسفه‌های مضاف (مثل فلسفهٔ فیزیک، فلسفهٔ تاریخ، فلسفهٔ حقوق و ...) **فقط و فقط** مبانی، زیربناهای آن علوم را از نظر عقلی بررسی می‌کنند. فیلسوف در فلسفهٔ مضاف، هرگز وارد حل مسائل و فرمول‌های درونیِ آن علم نمی‌شود (مثلاً فیلسوف در فلسفهٔ فیزیک دربارهٔ «چیستی زمان یا ماده» بحث می‌کند، اما هرگز در محاسبهٔ شتاب یا سرعت که کار فیزیک‌دان است، دخالت نمی‌کند).

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دامنهٔ فلسفه‌های مضاف صرفاً محدود به «علوم» (مثل فلسفهٔ ریاضی یا فلسفهٔ زیست‌شناسی) نیست. امروزه بسیاری از این شاخه‌ها ناظر به «پدیده‌ها و امور مهم بشری» شکل گرفته‌اند؛ مانند فلسفهٔ هنر، فلسفهٔ دین یا فلسفهٔ زندگی. پس انحصاری در کار نیست.

گزینهٔ (۲): با این‌که فلسفه‌های مضاف به حوزه‌های تخصصی (مثل فیزیک، اخلاق و هنر) سرک می‌کشند، اما چون ذاتاً دانشی «فلسفی» هستند، ابزار کارشان همان ابزار بخش اصلی فلسفه است، یعنی برای اثبات مدعای خود از روش عقلی و استدلالی (قیاسی) استفاده می‌کنند، نه روش‌های تجربی یا آزمایشگاهی.

گزینهٔ (۳): فیلسوفِ مضاف به‌هیچ‌وجه وارد «مسائل و گره‌های درونی علوم» نمی‌شود و در آن‌ها دخالتی ندارد. کار او تبیین مبانی و پیش‌فرض‌های کلیِ آن علم است، نه حل‌وفصلِ مباحث تخصصیِ درونِ آن علم.

گزینهٔ (۴): بخش اصلی فلسفه به صورت مستقیم با علوم ارتباط ندارد، بلکه قوانین بنیادی خود (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی) را به «شاخه‌های فلسفه» می‌دهد و این شاخه‌ها هستند که به عنوانِ رابط و پل ارتباطی، این مبانی را به «علوم مختلف» متصل می‌کنند.

امتحان نهایی

با توجه به ارتباط میان بخش‌های اصلی و فرعی فلسفه و علوم، گزاره‌ها را در جای مناسب قرار دهید.

(سؤال ۵ ـ امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳)

۱) دروغی که به نفع من باشد، ایرادی ندارد.

۲) شناخت انسان فقط امور محسوس را در بر می‌گیرد.

۳) انسان موجودی تک‌ساحتی است.

الف) ..... ۲ ..... ب) ..... ۳ ..... ج) ..... ۱ .....

۸۷ **مباحث دانش فلسفه پایه و اساس مباحث سایر علوم قرار می‌گیرند، چون ..... .**

۱) در بررسی مباحث آن، به‌هیچ‌وجه از ادراکات حسی و تجربی استفاده نمی‌شود است

۲) مباحث آن به روش عقلانی مورد بحث قرار می‌گیرند و این مسئله منحصربه‌فرد را بررسی می‌کند

۳) مباحث آن به بنیادی‌ترین مسئله، یعنی اصل وجود و هستی می‌پردازد

۴) تنها دانشی است که اصل وجود و حقیقت برخی موجودات خاص

پاسخ: گزینهٔ ۳

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

موضوع فلسفه، بنیادی‌ترین موضوعات است، یعنی به اصل وجود و حقیقت جهان، انسان و طبیعت می‌پردازد. از این جهت مباحث فلسفه، پایه و اساس مباحث سایر علوم قرار می‌گیرند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): این عبارت درست است، ولی دلیل پایه‌بودن مباحث فلسفی نیست.

گزینهٔ (۲): ویژگی منحصربه‌فرد فلسفه، موضوع آن است (وجود)، نه روش آن (عقلی و قیاسی).

گزینهٔ (۴): فلسفه، یک موجود خاص را بررسی نمی‌کند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۸ **کدام گزینه دربارهٔ فلسفه درست است؟**

۱) بر اثر تلاش‌های فیلسوفان برای ارائهٔ پاسخ قانون‌مند به سؤالات بشر پدید آمده است.

۲) عهده‌دار پاسخ به سؤالاتی است که بدون پاسخ درست و قانع‌کننده به آن‌ها، تصمیمات انسان به سرانجام روشنی نمی‌رسد.

۳) هر کس آن دانش را بیاموزد، می‌تواند وارد تفکر فلسفی شود و پس از آن برای سؤالات بنیادی و اساسی خود، به دنبال پاسخ باشد.

۴) مربوط به حوزهٔ فطرت ثانی است که برای ورود به آن، باید نیازهای مادی و مسائل روزمره و عادی زندگی را زیر پا گذاشت.

پاسخ: گزینهٔ ۲

زیرمبحث: درس ۱

پاسخ خیلی تشریحی ✔

فلسفه کوشش می‌کند تا پاسخ‌هایی درست و قانع‌کننده برای سؤالات بنیادی و اساسی انسان بیابد. تفکر ذاتی انسان است و بدون پاسخ درست و قانع‌کننده به سؤالات بنیادی، تصمیمات انسان سرانجام روشنی نخواهند داشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): دانش فلسفه بر اثر تلاش‌های بشر برای پاسخ قانون‌مند به سؤالات بنیادی و اساسی ظهور پیدا کرد.

گزینهٔ (۳): تفکر فلسفی نیازی به ورود به دانش فلسفه و آموختن اصطلاحات آن ندارد.

گزینهٔ (۴): برای ورود به فطرت ثانی، نیازی به زیر پا گذاشتن مسائل روزمره و عادی نیست، بلکه نیازمند عبور از آن است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۸۹ **کدام گزینه مقایسه میان بخش اصلی و بخش‌های فرعی فلسفه را به درستی بیان می‌کند؟**

۱) موضوع هر دو، مرتبط با معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی است و هر دو از روش عقلی بهره می‌برند.

۲) هرچند موضوع هر دو بخش یکسان است، ولی روش هر کدام از شاخه‌ها به دانشی که به آن تعلق دارد، بستگی دارد.

۳) هر دو از روش عقلی و استدلالی بهره می‌برند، ولی روش شاخه‌های فلسفه به دانشی که به آن تعلق دارد، بستگی دارد.

۴) هرچند قرابت‌هایی با یکدیگر دارند، ولی هیچ‌کدام از نظر موضوع مورد بحث یا روشی که استفاده می‌کنند، یکسان نیستند.

پاسخ: گزینهٔ ۱

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

شاخه‌های فلسفه آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که سؤالات بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌کنند و قوانین آن محدوده از وجود را بررسی می‌کنند، بنابراین هم موضوع آن‌ها مرتبط با بخش اصلی فلسفه است و هم روش آن‌ها مانند بخش اصلی فلسفه.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): روش بخش اصلی و بخش‌های فرعی فلسفه، عقلی و استدلالی است.

گزینهٔ (۳): روش بخش اصلی و بخش‌های فرعی فلسفه روش عقلی و استدلالی است.

گزینهٔ (۴): روش بخش اصلی و بخش‌های فرعی فلسفه یکسان است و موضوع آن‌ها با هم مرتبط است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۹۰ **کدام گزینه می‌تواند موضوع بخش اصلی فلسفه باشد؟**

۱) آیا در سراسر جوّ زمین گاز هیدروژن وجود دارد؟

۲) آیا علت آب‌شدن یخ‌های قطبی در همهٔ فصل‌ها، تابش آفتاب است؟

۳) آیا بشر توانایی کشف علت پرتاب گدازه‌های آتشفشانی از اعماق زمین را دارد؟

۴) آیا بشر می‌تواند نمونه‌هایی از رابطهٔ علت و معلول را در جهان محسوس و نامحسوس بیابد؟

پاسخ: گزینهٔ ۴

زیرمبحث: درس ۲

پاسخ خیلی تشریحی ✔

بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. این مسائل شامل احکام و قواعد عام حاکم بر هستی (هستی‌شناسی) و توانایی انسان در شناخت هستی (معرفت‌شناسی) می‌شود.

این‌که انسان قابلیت درک مصداق علت و معلول را دارد یا نه، یکی از مسائل بخش اصلی فلسفه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۱) و (۲): سؤالاتی هستند که در علوم مختلفی مانند زمین‌شناسی، نجوم یا کیهان‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

گزینهٔ (۳): از جنس سؤالاتی است که در فلسفهٔ مضاف (فلسفهٔ علوم تجربی) بررسی می‌شود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت